



گفتار در روش ایرانیان

نامه‌های شهروندان آمریکایی به رئیس جمهوری اسلامی ایران
پس از واقعه دانشگاه کلمبیا

معاونت ارتباطات و اطلاع‌رسانی

مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری

دبیرخانه شورای سیاست‌گذاری و نظارت بر انتشار آثار رئیس جمهور



نشر جمهور

مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری

تهران ۱۳۸۶

سرشناسه	: احمدی نژاد، محمود. ۱۳۳۴
عنوان و نام پدیدآور	: تجلی هویت ایرانی در نیویورک / محمود احمدی نژاد.
وضعیت ویراست	: [ویراست دوم]
مشخصات نشر	: تهران: ریاست جمهوری، مرکز پژوهش و اسناد، نشر جمهور ۱۳۸۶
مشخصات ظاهری	: ۲۳۲ ص. مصور(رنگی)؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س م.
فروست	: نشر جمهور؛ ۱. سیاسی؛ ۱
شابک	: ۱۴۵۰۰ ریال 8-1185-04-964-978
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: ص.ع. به انگلیسی: Manifestation Of the Iranian identity in New York.
یادداشت	: چاپ دوم
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: احمدی نژاد، محمود. ۱۳۳۴ - --سفرها-- ایالات متحده-- نیویورک.
موضوع	: احمدی نژاد، محمود. ۱۳۳۴ - --پیامها و سخنرانیها.
موضوع	: رؤسای جمهوری-- ایران.
موضوع	: ایران-- سیاست و حکومت-- ۱۳۸۴-
شناسه افزوده	: ایران، ریاست جمهوری-مرکز پژوهش و اسناد. نشر جمهور.
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۶ ت۳ الف/۱۷۲۳ DSR
رده بندی دیویی	: ۹۵۵ / ۰۸۴۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۱۵۰۵۵۲



نشر جمهور

گفتار در روش ایرانیان

ناشر: نشر جمهور (مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری)

شمارگان: ۱۰/۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، بهمن ۱۳۸۶

قیمت: ۱۴۵۰ تومان

شابک : 8-1185-04-964-978

نشانی: تهران، خیابان جمهوری، خیابان دانشگاه جنوبی، پلاک ۱۸۷، تلفن: ۶۶۴۱۹۲۳۷

E-mail: RDC@GOVIR.IR

(روی جلد: نمایی بیرونی دانشگاه کلمبیا هنگام سخنرانی دکتر احمدی نژاد)

فهرست

پیشگفتار

۱ فروپاشی حاکمیت تکنیک و پیروزی ایرانیان در نبرد گفتارها

فصل اول:

نامه‌های شهروندان آمریکایی به رئیس جمهوری ایران

- ۱۰ - ژمو ژنو
- ۱۱ - آندروویت
- ۱۱ - دامین مورتون
- ۱۲ - جرال د ابرین
- ۱۲ - ریچارد زاک
- ۱۳ - محمد انتظاری
- ۱۴ - باب ویک
- ۱۴ - آدریانا ماریا فیورنزا
- ۱۵ - کرمعلی ادیبی فر
- ۱۵ - روستین کلارک
- ۱۶ - هیتال پاتل
- ۱۷ - استیون
- ۱۷ - ترانن گوبل
- ۱۷ - کریج های استین
- ۱۸ - مایک هویت

- ۱۸ - جوان دل
- ۱۹ - برايان
- ۲۰ - اسكات استريكلند
- ۲۰ - آندورا دوچين
- ۲۰ - جان نواک
- ۲۱ - کنث تامسويک
- ۲۱ - عبدالصوفی
- ۲۲ - جان لیل
- ۲۲ - کتی اچ
- ۲۲ - اسكات پاکت
- ۲۳ - جيمز داو
- ۲۳ - پاتریک باتی
- ۲۴ - درو میلیکن
- ۲۴ - سلینا استراتونی
- ۲۴ - بیل شاو
- ۲۵ - موریل جانسون
- ۲۵ - کاگزوین
- ۲۶ - جسیکا
- ۲۶ - ديانا کلیفورد
- ۲۶ - گوون چاواریا
- ۲۷ - مارک هفتر
- ۲۸ - بسیم هامزیک
- ۲۸ - ریان ماهان
- ۲۹ - شراب حسن
- ۲۹ - مارسیا ویسانجی
- ۳۰ - ساچیکو تانگئی امینیان

۳۱	- جان جورج
۳۲	- ایزاک ابراهیم
۳۳	- فواد عطیا
۳۳	- پامیلا و جمی وارث
۳۴	- سین انیل
۳۵	- گری ورن هدر
۳۵	- دانین دوستین
۳۶	- کوگان برنان
۳۶	- دانیل اسمیت
۳۷	- گرگری راسل
۳۸	- نیکلاس شوپ
۳۸	- عثمان
۳۹	- میهاله بندو - هون لوحه
۳۹	- مارتین
۴۰	- امان الله رشیدی
۴۰	- گرگ گودی
۴۱	- براد ویلسون
۴۲	- جف هانسن
۴۲	- کوین پریٹو
۴۳	- تری گرین
۴۵	- بوید آپله گات
۴۵	- چارلز نکسه
۴۵	- بیل گودکه
۴۶	- واین.آ. یوست
۴۶	- باب لوی
۴۶	- آندرا

- ۴۶ - کامائو میپوسی
- ۴۷ - جوشوا واوگن
- ۴۸ - بونی یانگ
- ۴۸ - مارسیا ریکلم
- ۴۹ - توماس فرازیر
- ۴۹ - دیوید ساندرز
- ۴۹ - لاین گوتری
- ۵۰ - ملانی داویس
- ۵۰ - آوبری، مادن
- ۵۰ - م.ک. جباری
- ۵۱ - دیانه
- ۵۱ - جکی
- ۵۲ - هانسین
- ۵۲ - جولی والر
- ۵۲ - جینی ساندن
- ۵۳ - تورین
- ۵۳ - سامرز
- ۵۴ - سیمون پتر
- ۵۴ - تیم نرت
- ۵۴ - ژولی
- ۵۵ - ماریسه
- ۵۵ - استیو
- ۵۶ - کریشنا
- ۵۶ - فیوچراکو
- ۵۷ - راس
- ۵۸ - ریموند

۵۸	- استیون
۵۸	- تام
۵۹	- تئون
۵۹	- گردن
۶۰	- رابرت جوردن
۶۰	- توماس
۶۱	- آندریو
۶۱	- مایک
۶۲	- ویلیام
۶۳	- میشل
۶۳	- اقبال
۶۵	- تامسون
۶۶	- کلیف
۶۶	- دوکومون
۶۷	- لنارد
۶۷	- اما
۶۸	- ماریا

فصل دوم:

نامه چند تن از شهروندان آمریکایی به سردبیر روزنامه لس آنجلس تایمز درخصوص
واقعه کلمبیا

۶۹	- جری. اسو رئیس از وودلند هیلز
۶۹	- ادوارد سینگر از سانتا مونیکا
۷۰	- دو گلاس.ال . هال از لس آنجلس
۷۰	- هرالد برینک

فصل سوم:

بیانیه‌های اعتراض آمیز نسبت به رفتار بولینگر با رئیس جمهور ایران

- ۷۳ ۱. بیانیه اعتراض آمیز هرالد برینک (وکیل آمریکایی)
- ۷۶ ۲. بیانیه اعتراض آمیز هیأت علمی دانشگاه کلمبیا
- ۷۸ ۳. بیانیه اعتراض آمیز ۱۰۹ تن از استادان دانشگاه کلمبیا

فروپاشی حاکمیت تکنیک و پیروزی ایرانیان در نبرد گفتارها

نبرد کلمبیا از مناظری مختلف و با وجوهی متعدد قابل واریسی و تبیین است، چه، جامعیت و تمامیت این نبرد در دو سوی جبهه کلمبیا آن را واجد چنین وصف و ظرفیتی ساخته است.

صرف نظر از آثار سیاسی و بین‌المللی رویارویی ایران و آمریکا در حادثه کلمبیا، بازاندیشی این واقعه از حیث زبان شناختی از ضرورت‌های مقطع کنونی است. از این رو، پرسش اصلی این پیش‌گفتار این است که فهم زبان‌شناسانه نبرد متافیزیکی کلمبیا بر کدامین مؤلفه‌های زبانی ابتناء یافته و چه آثاری را برهویت اسلامی - ایرانی مترتب کرده است؟

پیش‌فرضهای این گفتار نیز بر آن است که زبان دیپلماسی متعارف جهانی از آن روی که، ذاتاً از عناصر نظم‌بخشی چون ثروت و قدرت معطوف به سلطه منتظم است، در مواجهه با آدمیان، از عقده‌های زبانی برخوردار می‌باشد. لذا ذات زبانی این دیپلماسی به دلیل تک‌ساحتی بودن و فقدان جامعیت انسجام یافته با دیگر ساحات بشر، با حقیقت و جان‌آدمیان در تناقض و با یک پارادوکس درونی روبرو می‌باشد.

نظریه این گفتار نیز بر آن است که دولت نهم به خصوص دکتر

احمدی‌نژاد ضمن کشف این پارادوکس زبانی و بازگرداندن زبان حقیقی انقلاب اسلامی به صحنه‌های رویاروییهای فکری و باز تولید مؤلفه‌های اصلی آن، زبانی فرا دیپلماتیک را برای سخن‌گویی با جامعه ملل و دولتها به استخدام درآورد. این زبان، زبان فطرت است که از عقده‌های لسانی مبرا و به دلیل انفتاح، گشودگی و وسعه فطری، منطبق بر جان و نهاد انسانهاست. به اجمال باید گفت فطرت، صفات و خواصی است که از درون انسانها سر بر می‌آورد. این صفات محصول عوامل خارجی و پوشیدگیها و آراستگیهای مصنوعی نیست، اگرچه ممکن است این صفت، حجاب یابد و مستور گردد، اما در این صورت، زبانی غیر فطری و گفتار و سیاستی خارج از شأن فطرت حاکم می‌شود که زبانی غیر ذاتی و تبعاً عرضی و جزوی از فطرت ثانویه و فرعیه در آدمی است. از منظر امام خمینی (ره) زبان فطرت زبانی بی‌حجاب و بی‌رنگ است. رنگهای زبانی، نوعی صورت‌گری و رنگ‌آمیزیهای مدرن می‌باشد که خارج از اذن قیومی، رنگ تعلق‌پدید آورده است. در این صورت این زبان، زبانی فرعونی، لسانی الیگارشیک و مختص ممتازان و تمامیت خواهان به شمار آمده و با زبان عمومی و فطری زمانه در منازعه و ستیزه قرار خواهد داشت. اما زبان فطرت، زبان غیر مستوری است که استتار و پوشیدگیها را بر نمی‌تابد. از این رو در اندیشه طراح، نظریه‌پرداز و معمار انقلاب اسلامی اگر فرعون هم به جنگ با موسی رهنمون شد، از باب تعلق او به اموری غیر فطری و استتار فطرت او و زنگار بر نهاد حقیقت بین وی بود. هویت زبانی بازاندیشیده شده انقلاب اسلامی در فهم زبانی امام خمینی به گونه‌ای است که تمام نزاعهای عالم از سر تعلقهای زبانی و علقه‌های گوناگون حقیقت‌گریز است، چه اینکه در فطرت آدمی و زبان عمومی عالم، نزاعی نیست. چون این زبان عاری از رنگ تعلق و هواهای نفسانی است.

اما زبان کنونی در دیپلماسی جهانی، زبان قدرت و سلطه است. ادبیاتی که هژمونی خویش را مرهون کمیت تخریب جنگ‌افزارها و کیفیت چانه‌زنی و نیز لابی دیپلماتهای کار کشته در قلب حقیقت است. نظام سیاسی چنین گفتمانی هم، نه بر پایهٔ اقناع زبانی و مفاهمهٔ بین فرهنگی که بر زور ابتناء یافته است. اما در منطق مؤسس و معمار کبیر انقلاب اسلامی علاوه بر اینکه زبان فطرت، زبانی عمومی، فراگیر و جهان شمول است، نظام و سامان آن نیز بر مبنای نظم و قانون الهی استوار است.

اینکه دیپلماسی دولت نهم، اکنون وجهی تهاجمی، خلّاق و فعالانه به خود گرفته، اما توأمان جنگ و نزاعی مابین ایران و جهان پدیدار نیست، از آن روی است که هویت گفتمانی و زبانی چنین دیپلماسی‌ای نه بر منازعه، قدرت تخریب و تنوع بمب و جنگ‌افزار، که بر مفاهمه، حقیقت و فطرت آدمیان ابتناء یافته و جان و طینت انسانها را مخاطب قرار داده است. این غنای زبانی که مستظهر به مقبولیت ملّی و به خصوص متضمن آرمانهای انقلاب اسلامی و رأی و نظر رهبر حکیم و فرزانهٔ انقلاب است، اکنون تقریباً از آزمونهای بزرگ در حوزه عمل، پیروزمندانه شاهد پیروزی را در آغوش گرفته است.

دولت نهم در حالی هدایت دیپلماسی را از دولت هشتم و دولت ما قبل آن تحویل گرفت که مغرب زمین صرفاً با زبان الله‌گفتگوی انتقادی‌الله در حال مذاکره با ملّت بزرگ ایران بود. از دیگر سو، دولت نهم در حالی پای به عرصه دیپلماسی جهانی گذارد که جهان در حبس و حصر ضوابط و آیین زبانی یک سویه و مکانیکی حاکم بر دهکدهٔ جهانی بود.

زبان زور و سلطه بر این جهان حکم می‌راند. زبان سلطه حکم می‌کرد که هان! ای ملّتها و دولتها! یا با ما! یا بر ما!! راه سوم و شقّ دیگری وجود نخواهد داشت. انسداد گفتمانی (Closure Discursive) غلبه داشت

و هیچ یک از دول غربی تکلیفی در خود احساس نمی‌کردند. آنها همیشه صاحب حق بودند!! مُحَقِّی که هرگز مکلف نبود! اربابانی که با زبان اربابی با جهانیان که اینک رعیت آنها محسوب می‌شدند، سخن می‌راندند و قطعنامه صادر می‌کردند. حقوق ملّتی را سلب و آنها را از داشتن امتیازی محروم نموده و در عین حال به رژیم دیگری، بی حساب می‌بخشیدند! اما این رسم و منطق تک‌گفتار (Monologue) با ظهور دولت نهم با سؤالهای جدّی رو به رو و بنیانش متزلزل شد.

دولت نهم با رجوع به باطن انقلاب اسلامی و بازسازی دیپلماسی حقیقت‌گرا و فطرت‌محور در چشم‌انداز ادبیات انقلاب اسلامی، از زبان دیجیتال و مکانیکی حاکم بر نظم مسلط جهانی عبور کرد و منطق همه‌زورگویان را مورد پرسش قرار داد. گو اینکه دیر زمانی بود که آدمیان نیز از رفتار مغربیان خودبیناد به تنگ آمده بودند و اینک به دنبال حقیقت، مترصد استماع ندایی منطبق با وجدان حقیقت‌بین به انتظار نشسته بودند. جهانیان از عصر تک‌گفتاری بوش و بلر و شارون خسته بودند. لذا به منطق و گفتاری دل می‌سپردند که به تاریک‌خانه‌های زبان و نظام سلطه، نور افشانی کند.

گزینش زبان فطرت به عنوان زبان عمومی اُمم جهان، از سوی رئیس‌جمهور برای گفتگو با جهانیان بهترین راه ممکن در برخورد با ملّتها و دولتها بود. زبان فطرت، حقیقت‌محور است، در حالی که زبان اهالی سیاست و دیپلماتهای جهان، سیاست‌محور. زبان فطرت پاسخ‌گوی تمامی نیازهای بشری و تمامیت جهانی است، اما زبان سیاست، تأمین‌کننده نیاز بخشی از افراد و کشورهاست. در این منطق زبانی، متاع خوب، برای همه خوب است و بدی و خسراش نیز برای همه زیان آور؛ چه اینکه این زبان، از رویکرد الیگارشیک منزجر است. از این رو احمدی‌نژاد دریافت که

لسان جاری سیاست، لسانی رایج اما برای جهانیان به زبانی خسته کننده و چندلایه تنزک پیدا کرده و به جای پیشه ساختن الله سیاستی اخلاقی الله به الله اخلاق سیاسی الله تغییر ماهیت داده است. لذا وی به مدد پشتیبانی ملت بر آن شد تا در غوغای زبان سیاست، زبان فطرت و حقیقت را از پوشیدگی لایبهای دیپلماسی جهانی متزع سازد. زیرا اکنون وضع سیاست و دستور زبان آن در جهان به گونه‌ای است که مردم آن را راست نمی‌پندارند. چه اینکه مردم جوای حقیقت، چون زبان دیپلماتیک را زبان مجاز و شبه حقیقت می‌دانند، از آن روی بر می‌گردانند. گو اینکه محیط زبانی مجاز، از غنای زبانی فطرت محور و حقیقت یاب به دور و محیطی دیجیتال به شمار می‌آید که حُسن و قبح سیاست در آن در سیطرهٔ نفسانیت قرار دارد، اما جهانیان طالب آن‌اند تا به عمق حقیقت رهنمون شوند.

با توجه به مبانی گفته شده، بررسی زبان شناختی واقعهٔ دانشگاه کلمبیا حائز اهمیت می‌شود. نیویورک شهر پرآوازه‌ای در دیپلماسی جهانی است که ضمن برخورداری از دیگر مختصات سیاسی، با ویژگیهای دیپلماتیکی منحصر به فردی نیز رو به رو می‌باشد. این شهر مقهور زبان چند لایهٔ سیاست و لایبهاست. در این شهر، جانی‌ترین رؤسای جهان و برجسته‌ترین کودتاچیان می‌توانند پشت تریبونهای مزین به نمادهای صلح جهانی قرار گیرند و با لبخندهایی به غایت دلنشین، به شهدای راه آزادی ادای احترام کنند. اما این تعارفات دیپلماتیک، رفتارها و زبانهای دیجیتال، حتی از نگاه حقیقت بین نیویورکیها هم مخفی نیست. گو اینکه فطرت آدمیان، گوش جان آنها را نیشوی حقیقت می‌سازد؛ ولو اینکه بر حقیقت حجابی از تعارفات دیپلماتیک نشانده باشند. با آن همه تبلیغات به نظر می‌آمد، کار بر رئیس‌جمهور ایران در نیویورک سخت شود! اما کاربست زبان فطرت و اظهار حقایق با زبان غیرمستور، فطرت‌های خفته و زنگار گرفتهٔ ایشان را

بیدار ساخته و جلاء بخشید. علاوه بر این، ماجرای کلمبیا به باز شدن عقده‌های تاریخی زبان دیپلماسی ایران نیز منجر گردید. در اینجا دیگر ایرانی حیرت زده نبود، بلکه موجب حیرت گردید. اینک شنوندگان ما از حیث کمّی و کیفی از چنان گستره و شمولیتی برخوردارند که شاید زمان آن باشد تا به مدد حقیقت جاری در عرصه دیپلماسی جهانی از سوی ایرانیان و خواست ملت‌ها، طرح انتقال مقر سازمان ملل را به جایی خارج از آمریکا و ترجیحاً آسیا دنبال کرد. گذشت زمانی که آمریکا و اروپا آقا و کدخدای جهان بودند، اکنون ملت‌ها از منطق و زبانهای تک گفتار یکسویه خدایگان دروغین و ملاکهای تبلیغاتی و دیجیتالی به ستوه آمده و براساس فطرت و معیارهایی چون *الله حق الله و الله عدل الله*؛ که پافشاری بر آن نیز جزوی از ارمغان دولت ایرانی است، زبان حکمرانی و اداره جهان را دگرگون خواهند کرد؛ یعنی همان تغییر ساختاری سازمان ملل و سازمانها و مؤسسات آن بر اساس حق و عدل و انصاف که مطمح نظر ایرانیان و رئیس جمهور ایران است.

با این حساب می‌توان به مؤلفه‌های اصلی ناکامیهای آمریکای در برابر ایران پی برد. در همین راستا پرسشی ظهور می‌یابد و آن این است که تنگناهای سیاستمداران آمریکا در ارتباط با ایران چیست؟ به دیگر سخن، مشکل اصلی آمریکا در این باره کدام است و آن مشکل به کدامین خصیصه آنها بازگشت دارد؟ نقیض این پرسش نیز آن است که گشایش امور ایرانیان در برتری برطرف آمریکایی، محصول اتخاذ کدامین تدبیر از سوی ایرانیان است؟

پر واضح است که ایالات متحده آمریکا کشور جنگ افزارهای اتمی و جنگنده‌های استراتژیک است؛ اما زبان و منطق این کشور از حیث نفوذ حتی از موشکهای کوتاه برد در ملل عالم هم، برد کمتری دارد. از این رو

مردم دنیا، آمریکا را نه از منظر منطق و زبانی فصیح، که از مدلولهای خشنی چون جنگنده B۵۲ و موشکهای استراتژیکی همانند تیتان، مینت من و نسلهای پی در پی بالستیک می‌شناسند.

از حیث رسانه‌ای نیز به رغم گستردگی تجهیزات و امکانات ماهواره‌ای و مخابراتی، شبکه‌هایی چون CNN، فاکس نیوز، و... و ایجاد امپراتوری رسانه‌ای آمریکایی - صهیونیستی، آمریکا هنوز قادر نشده روح و قلب ملت‌ها را تسخیر کند.

در مقابل، ملت‌های جهان، جمهوری اسلامی را نه از منظر جنگ افزار و گستردگی تجهیزات رسانه‌ای، که با جاذبه در تولید الله پیامها و آفرینش الله کلمه‌های راهگشا در اداره جهان می‌شناسند. کلمه‌ها و پیامهایی که نفوذ و بردشان بسیار بیشتر از برد موشکهای استراتژیکی و قاره‌پیمای آمریکایی است؛ زیرا روح جهان کنونی، روح عدالت و پذیرای آفرینش پیامهای غیر نظامی، کلام محور و مبتنی بر خرد است. این پیام دیر یا زود بر موشکهای استراتژیکی غلبه و استیلا خواهد یافت. چنانچه در پرتو اعداد و ارقامی که شرکتهای خدمات رسانه‌ای آمریکایی و اروپایی در تحلیل نبرد کلمبیا منتشر ساخته‌اند، می‌توان ادعا کرد تا قبل از رویارویی فرهنگی ایرانیان و آمریکا در جبهه کلمبیا، جمهوری اسلامی کمتر از چنین عمق استراتژیکی در جهان برخوردار بوده است. از این رو دولت اسلامی برای تأمین عمق و پهنای استراتژیکی انقلاب و حفظ کرامت و فخر ایرانیان، بیش از گذشته توفیق یافته است؛ اما این توفیق، توفیقی ملی و به همه ایرانیان تعلق داشته و مسبوق به مؤلفه‌های قدرتمند هویت اسلامی - ایرانی است.

در مقابل، متخصصان رسانه‌ای برآن‌اند که اساساً مشکل اصلی سیاستمداران آمریکا، الله‌مشکل بیانی‌الله است. مشکل بیانی آمریکا نیز

محصول دروغهای بزرگی (Lie Big) است که سیاستمداران آمریکایی مسبب آن هستند. قرار گرفتن مردمان جهان در وضعیت راهبرد دروغهای بزرگ قدرتهای تمامیت‌خواه، زیست بوم جهانیان را در دهه اخیر با تردید، دودلی و شک همراه و همزاد کرده است.

یادداشتها و گفتارهای تیری ماری میسان، نویسنده مشهور فرانسوی و مؤلف کتاب *لله دروغ بزرگ‌الله*، روژه گارودی صاحب‌نظر و نویسنده مسلمان فرانسوی و نیز ینسوسکی مؤلف کتاب *لله افسانه یازدهم سپتامبر* و مایکل مور، نویسنده کتاب *لله سفیدپوستهای احمق‌الله* و بسیاری از خبرگان سیاست و رسانه، هر یک مؤید افشای وجوهی از دروغهای بزرگ سیاستمداران آمریکایی در تحولات جهانی است؛ دروغهایی که اکنون گریبان طرف آمریکایی را می‌فشرد و ملت‌ها را بر آن داشته که راه خویش را از راه آمریکا جدا کنند.

شگفتی آنجاست که بسیاری از راهبردهای دفاع ملی و فراملی آمریکا هم بر مبنای همین دروغهای بزرگ ابتناء یافته که بعضاً با همان براهین کاذب به حملات و تعرضات پیش‌دستانه علیه ملت‌ها، دولت‌ها و نهضت‌های آزادی‌خواه نیز منتهی می‌شود. اما افشای دروغ‌ها، کم‌کم حساسیت‌های مخاطبان را برانگیخت و آنها را بر آن داشت تا به روند تولید پیام‌های صادر شده از آمریکا شک کنند. شک منتشر شده در عالم و آدم از پیام‌های آمریکا اکنون به روال جاری دنیا تبدیل گردیده است. اکنون هر نوع بیان و پیام رسمی صادره از آمریکا با *لله تحلیل* هر منوتیکی *لله* گیرندگان پیام مواجه می‌شود. گو اینکه به محض بیان نظر و انتشار هر گفتاری از دولت آمریکا، مردمان جهان سعی می‌کنند در ابتدا روانشناسی ذهنی (Subjectivity) سیاستمداران آمریکا و روحیات ایشان (Geist) را مورد بازخوانی و بازاندیشی قرار داده و طی یک آیند و روند تفسیری، اتقان پیام‌ها و ادعاهای

آنها را در مدار حقیقت بین خود پالایش کنند.

از این رو، مردمان جهان اکنون سعی دارند برای تفسیر ناگفته‌های ذهن دولت آمریکا، ابتدا با آنها در فهم کلام و بیان شراکت کنند، اما پس از دریافت حقیقت از هزار توی نیت آنها، خود حکمی جدید و مغایر با فرمانهای رسمی آمریکا صادر نمایند.

دولت نهم اما از بدو امر نسبت و ماهیت تعامل قدرتهای سلطه‌جو با امور ایرانیان را به درستی تشخیص داده و ضمن تمیز تبلیغات از حقایق به رایزنی با دولتها و ملتها مبادرت کرد. لذا بر آن شد پس از کشف آمیختگی جنگ رسانه‌ای (war Media) غرب با لسان حقوقی برای فهم و شعور حقیقت جوی مردمان عالم حساب ویژه‌ای باز کند و بر ویرانه‌ها و از هم گسیختگی فن زبانی و دستور گفتاری آمریکا که مشکل اصلی زبانی آنهاست، زبانی منطبق با حقیقت و مقرب به فطرت بنا نماید. متعاقب این دقت نظر و باریک‌بینی، دولت منتخب ملت مصمم شد تا از هر گفتگویی آراسته به زبان علم، منطق و حقوق در امور ملت استقبال کرده و هر پروژه و طرحی مزین به لسان سیاست و سفسطه را مردود بنامد. این زبان جدید به استخدام درآمده در دولت نهم، همان زبان باطنی مردمان عالم است که فارغ از فن دستور و آیین نگارشی آمریکا و قدرتهای بزرگ با یکدیگر تعامل و داد و ستد دارند و از دروغهای بزرگ شوارتسکف، رامسفلد، دیک چنی و بوش به تنگ آمده‌اند.

نتیجه اینکه فن دستور زبانی آمریکا در امور ایران به دلیل آمیختگی با سفسطه و حکمهای بیانی آمرانه، طرف مغلوب و جمهوری اسلامی به دلیل استخدام زبانی مقرب با حقیقت و نیز هم‌زبانی با شعور ملتها، جبهه پیروز در رویاروییهای دو سال اخیر به شمار می‌آیند؛ ضمن اینکه این پیروزی خود مؤید فروپاشی ابهت رسانه‌ای نظام سلطه هم خواهد بود.

پرفسور حمید مولانا در تحلیل رویارویی ایرانیان و آمریکاییها در جریان سخنرانی رئیس جمهوری اسلامی ایران در دانشگاه کلمبیا، معتقد است که احمدی‌نژاد خود یک رسانه است. این سخن از منظر فلسفی و ادعای ما در این پیش‌گفتار، بیانی قابل ملاحظه است.

گو اینکه گفته می‌شود و درست می‌گویند که باطن تمدن جدید وجهی تکنولوژیک دارد. به واقع، تجدد به دلیل ساحت تمتع گرایانه‌اش و غفلت از دیگر ساحات انسان، موجب دوری آدمی از *لله‌نظم* تکوینی *لله* و رجوع به *لله‌نظم* دیجیتالی و تکنیکی *لله* گردید. *نظم* تکوینی عالم، *نظمی* فطرت مدار است که با عالم و آدم هم‌زبانی و هم‌سخنی داشته و دارد. اما انسان جدید به خصوص انسان سیاسی جدید با غفلت از راه فطرت و زندگی فطرت محور، خود طرح جدیدی در انداخت و شهرهای جدیدی را بر اساس رأی و نظر *لله‌فرانسیس بیکن‌لله*؛ *لله‌کامپانلله* و *لله‌توماس مورلله* به آدمی عرضه کرد که چشم‌انداز آن در *افق‌لله‌آتلائتیس نولله*، *لله‌شهر آفتاب‌لله* و *لله‌اتوبیالله* قابل حصول است. تکنولوژی در چنین مدائنی، همه چیز را می‌آفریند و سررشته همه امور را به دست دارد. رسانه و شبکه ارتباطی، بت بزرگ این شهرهاست و برای همین است که تمدن جدید مردمانی بی‌قرار و ناآرام دارد. تکنولوژی و تکنیک رسانه‌ای آشوب می‌کند و می‌آشوباند؛ گو اینکه آشفتگیها و پریشان‌حالیها در تمدن جدید و بحران کنونی آن نیز به چنین وجهی بازگشت دارد. چه اینکه گفته می‌شود اکنون *لله‌هر اتاقی مرکز جهان است‌لله*!، این جمله معروف *لله‌اکتاویوپازلله* است که خود مؤید دهکده‌ای جهانی است! دهکده‌ای که باطن آن را نیز تکنولوژی رقم می‌زند. این سخن ضمن اینکه خود مؤید انانیت انسان جدید ذیل اندیویدوآلیسم است، ذاتی تکنولوژیک هم دارد؛ زیرا از منظر تکنیکی، هر آدمی به مدد کامپیوتر و به تعبیر آوینی *لله‌لعل زوب* یا همان بت بزرگ *لله*

خواهد توانست از همه شاهرهای ارتباطی جهان بگذرد و جهانی شود!! جهانی شدنی که نه به ذات جهان بودگی آدمی، که به تکنولوژی ارجاع داده می‌شود. این جهانی شدن نه به مدد قابلیت و سعه وجودی به ودیعه گذارده شده در آدمی که با یک دستگاه کامپیوتر و ملحقات آن و نیز با معاضدت اینترنت و موبایل صورت می‌پذیرد.

پس رسانه در این دهکده، همان بت بزرگی است که همه را به تعظیم وا می‌دارد و به قول الله مارشال مک لوهان‌الله در اینجا‌الله رسانه خود پیام است‌الله. این عبارتی دقیق از باطن مدرنیته می‌باشد که تکنیک و تکنولوژی صورت تجسم یافته آن است.

اشغال عراق و حمله به افغانستان و تعقیب جنگ در پهنه ستارگان محصول چنین فلسفه‌ای در شبکه ارتباطی است. رسانه به آفرینش جنگ می‌پردازد، دو سوی نبرد را می‌آراید و مابقی کار را برای یکسره کردن به تفنگداران و بمب‌افکنها می‌سپارد. این اخلاق و روح میلیتاریستی تمدن جدید نیز به‌الله جباریت‌الله تکنولوژی همبسته با‌الله کلام‌الله و‌الله پیامهای‌الله تمدن غرب ملازمه دارد.

از این روست که انسان جدید، خود صورت‌گر و صورت‌پرداز شده است و این صورت‌گری، امر را چنان بر آدمی مشتبّه کرده که از‌الله پایان جهان‌الله و‌الله سرنوشت محتوم بشری‌الله ذیل تکنولوژی سخن گفته و می‌گوید.

سلطه تکنیک!! سلطه‌ای که در نظر بعضیها، سیطره‌ای مطلقه و محتوم است و گریزی از آن نیست و ایستادگی در مقابل آن دست و پا زدن کودکانه‌ای بیش تفسیر نمی‌شود! اما انقلاب اسلامی و معمار کبیرش آن را از حتمیت خارج ساخت. مراد آن نیست که سرنوشت جهان جدید با تکنولوژی رقم نخورده است، بلکه سخن در این است که خود دنیای

متجدد از این درهم تنیدگی انسان و تکنیک به ستوه آمده و گوش و جان خود را مستعد شنیدن صدایی غیر تکنولوژیک و صوتی متافیزیک کرده است. انسان جدید در حال بازگشت به خویشتن فطری است؛ چه اینکه اکنون آدمی دریافت که حاکمیت مطلقهٔ لله فاکس نیوزلله، لله سی. ان. ان. لله و لله بی. بی. سی. لله، امر محتوم بشری نیست، در حالی که رسانه یک پیام بوده و هست! در صورتی که هر اتاقی باید مرکز جهان باشد و هست و کلیددار آن نیز کدخدای دهکدهٔ جهانی؛ اما در عین حال به قول پرفسور مولانا، احمدی نژاد در رویارویی ایران و آمریکا در غوغای رسانه‌ای کلمبیا، خود یک رسانه شد و تو خود می‌دانی که این از سر تمثیل است. تمثیلی که استعاره از شکست حتمیّ سلطه تکنیک و امپراطوری رسانه‌ای نیز به شمار می‌آید و دلیلی محکم بر فروپاشی هیمنه و ابهت باطن تمدن تکنولوژیک و چارچوبهای دهکده مک لوهان می‌باشد.

به دیگر سخن، تحلیل نبرد متافیزیکی کلمبیا گویای آن است که اختیار و اراده‌ی آدمی فراتر از لله حاکمیت تصنعی تکنیک لله است. اگر بت بزرگ می‌توانست از خویشتن خویش در جبههٔ کلمبیا دفاع می‌کرد، اما همه دیدند که در نبرد کلمبیا، بت بزرگ اراده‌ای از خود نداشت، لذا خود به مرکبی رهوار برای ایرانیان و رئیس جمهور ایران مبدل گردید و این خود مؤید آن است که می‌توان به نام الله در حاکمیت مطلقه تکنیک تصرّف کرد. گو اینکه فلسفه انقلاب اسلامی در لله جهان بی روح لله حاوی همین نکته است. به راستی آیا جهانیان هیچ‌گاه شبکه‌های ارتباطی نظام سلطه را چنین منفعل و مغبون دیده بودند؟! و

نتیجه اینکه می‌توان باور داشت، جباریت رسانه‌ای غرب فرو پاشیده و اکنون نه هر آدم صاحب کامپیوتر و مالک ابزارهای دیجیتالی که خود هر انسانی یک رسانه و پیام است. و صد البته در این میان انسانهایی به پیامهای

عالم گیر بدل می شوند که خود عالمی دیگر از عالم هژمونیک کنونی بسازند و در نظم و حاکمیت شیطانی نظام رسانه‌ای مدرن مستحیل نشوند. بی شک آنهایی که به سلطهٔ تکنیک تن داده‌اند و آن را برای انسان کنونی امری محتوم دانسته و مواجهه با آن را ماجراجویی می‌پندارند یا آنها که گرفتار التقاط و دو وطنی‌اند و به نظم و وطن دیجیتال و رسانه‌ای و نیز لله‌ندای وطن وجود الله به صورتی توأمان دل بسته‌اند و بعضاً در وضعیت بی‌خانمانی گرفتارند، نخواهند توانست طرحی جدید در اندازند و پیامی نو صادر کنند. این میدان از آن آدمهایی است که هیچ سیطره و ولایتی را جز لله ولایت الله عزیز ندارند و هیچ پیامی جز حقیقت و عدالت که منطبق بر ندای الله وجود الله و الله نهاد فطرت الله است، نیافرینند. رسانه‌شدن ایران و رئیس‌جمهور ایرانیان در عصر سیطرهٔ رسانه‌ها بر عالم، مبشر آن نیز هست که عصر انفجار اطلاعات سپری شده و دیگر صاحبان تجهیزات رسانه‌ای قادر به تصرف گوشها و جانهای آدمیان نیستند. علاوه بر این، صاحبان رسانه‌های بزرگ به زودی درمی‌یابند که تجهیزات و تکنولوژی خود را باید به اجارهٔ کسانی درآورند که برای عالم و آدم طرحی جدید و منطبق بر فطرت دارند و مگر نه اینکه در نبرد کلمبیا، رسانه‌ها بی‌اذن مالکان خویش و در موضعی منفعلانه طی ساعات حضور نماینده ملت ایران در کمند او قرار داشت؛ پس صاحبان رسانه باید دریابند که دیگر رسانه همان پیام نیست و رسانه با رسالت و حقیقت و جانهای حقیقت‌بین پیوندی وثیق یافته است.

«گفتار در روش ایرانیان الله که مشتمل بر انتشار نامه‌های وارده به رئیس‌جمهوری اسلامی ایران از سوی شهروندان آمریکایی است، خود مصداقی بارز از تجلی و دستاورد دیپلماسی فطرت‌گرایانهٔ دولت اسلامی به طور اعم و قطعه‌ای درخشان از آن در دانشگاه کلمبیا به شکلی خاص

می‌باشد. پس از واقعه تاریخی رویارویی فرهنگی ایران و آمریکا در دانشگاه کلمبیا، سایت اینترنتی رئیس جمهوری اسلامی ایران، نمایندگی جمهوری اسلامی در مقر سازمان ملل و نیز خود رئیس دانشگاه کلمبیا آماج پیامهای پی‌درپی اتباع آمریکایی و شهروندان سایر کشورها گردید. گفتار در روش ایرانیان، اکثراً انتشار نامه‌های مستند و بی‌کم و کاست شهروندان فهیم مهم‌ترین کشور رقیب و دشمن ما از منش، شخصیت و هویت اسلامی - ایرانی ملت بزرگ و رئیس‌جمهور منتخب ایشان است که از حیث مباحث زبان شناختی گفته شده در پیش‌گفتار، پدیده‌ای کم سابقه بلکه بی‌نظیر است.

خوش‌تر آن باشد که سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران

معاونت ارتباطات و اطلاع‌رسانی

مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری

بیست و هشتم آذر یک‌هزار و سیصد و هشتاد و شش. ش

مطابق با دهم ذی‌الحجه ۱۴۲۸ ه. ق

نامه شهروندان آمریکایی به رئیس جمهوری ایران

نویسنده: ژمو ژنو

شماره نامه: ۳۹۵۱۲۶

آقای رئیس جمهور! عقل و احساسات و غریزه واقعی آمریکاییها در کنترل تبلیغات است.

بسیار متأسفم که سخنان و عملکرد شما در رسانه های کنونی آمریکا منعکس نمی شود. من از اعضای رسانه ای با عنوان **Media Indy** **Collective** **الله** هستم. ما می کوشیم تا صدای کسانی که حرفی برای گفتن دارند را به گوش همگان برسانیم. سازمان سیا در صدد است تا این هدف را در سراسر دنیا براندازد. من شخصاً مطالعاتی بر روی سیل تبلیغاتی که در رسانه های آمریکا در مورد شما صورت گرفته انجام داده و به این نتیجه رسیده ام که تقریباً در تمامی آنها بخشی از سخنان شما مورد سانسور قرار گرفته است؛ خصوصاً در مورد صحبت‌های شما برای ادای احترام نسبت به بازماندگان واقعه یازده سپتامبر که سخنان شما در این باره کاملاً حذف شده بود. من با بیانیه **الله بالفور** **الله** که در گذشته تصویب شده کاملاً

موافق نیستم و اعتقاد دارم که باید مورد بازنگری قرار بگیرد، چون به نفع مردم نبوده است. جریان رسانه‌ها همواره از سخنان شما در مورد الله نابودی‌الله حرف می‌زنند در حالی که من چنین اعتقادی ندارم. ما باید معنای حقیقی‌الله‌تروریسم‌الله را روشن کنیم و اینکه روشهای یک تروریست چگونه است. ما باید بخواهیم رفتار بین‌المللی کشورهای که از تروریسم دفاع می‌کنند، بررسی شود و عدالت را زیر نظر بیانیه سازمان ملل برای تمامی آنها به ارمغان بیاوریم.

ما باید عملیات سازمان سیا در سایر کشورها که می‌تواند به عنوان تروریسم بین‌المللی مداخله، عوام‌فریبی و عملیات مخفیانه غیرقانونی خوانده شود را آزادانه زیر سؤال ببریم. امیدوارم پیام شما به گوش همگان برسد. در این مقطع از زمان دلیلی برای بی‌اعتمادی نسبت به شما وجود ندارد. به شما اعتماد می‌کنم چرا که مردی درست با نقطه‌نظراتی امیدوارکننده به نظر می‌رسید. از سوی تمام آمریکاییهایی که تبلیغات، عقل و احساسات آنها را تحت کنترل خود درآورده، از شما عذرخواهی می‌کنم. تبلیغات، گزینه واقعی آنان را نیز از بین برده است تا حدی که نمی‌دانند به فردی که همانند آنان برای احقاق صلح و آرامش می‌کوشد و دارای فرهنگ متفاوتی است، باید احترام بگذارند.

بسیار متأسفم که هموطنان آمریکایی‌ام، شما و همه کسانی که علاقه‌مند به زندگی در صلح و پذیرش روشهای زندگی متفاوت هستند را می‌رنجانند.

نویسنده: آندرو ویت

شماره نامه: ۳۹۶۰۳۸

آقای رئیس‌جمهور! شما بزرگوarter باشید!

سلام، من یک شهروند آمریکایی هستم. می‌دانم که رئیس‌جمهور ایران شخصاً این نامه را ملاحظه نمی‌کند اما این نامه را نوشتم تا به اطلاع

ایشان برسانم که بوش نماینده افکار عمومی آمریکا نیست. من از طریق منابع خبری مستقل و غیروابسته تحقیقاتی در مورد فجایع انجام شده توسط دولت آمریکا که در پشت درهای بسته صورت گرفته، انجام داده ام و دیگر اخباری که رسانه های ملی آمریکا منتشر می کنند را باور ندارم. من نمی خواهم به کشورم خیانت کنم اما تمایل ندارم نظاره گر آغاز یک جنگ هسته ای باشم. لطفاً اجازه ندهید بوش شما را به آغاز جنگ تحریک نماید. شما بزرگوarter باشید و به دنیا نشان دهید که شما خواستار جنگ و نابودی نیستید. به دنیا نشان دهید که ما می توانیم با اتحاد و همبستگی فردایی بهتر را بسازیم. من صددرصد موافقم که رهبری مستبد آمریکایی باید متوقف شود. اینکه جنگ پاسخ مناسبی نیست به اثبات رسیده است. با آتش تنها می توان به جنگ و آتش دامن زد. من و بسیاری دیگر از شهروندان آمریکایی جنگ طلب، تشنه قدرت و ابزار کشتار نیستیم. ما خواستار خوشبختی ماندگار هستیم و اجازه نمی دهیم دستورالعمل های نادرست و شیطنانی رئیس جمهورمان، تلاش ما را برای جستجوی خوشبختی ناکام بگذارد. از شما (هر کس که این نامه را می خواند) تشکر می کنم و از شما تمنا می کنم این نامه را به دست آقای احمدی نژاد برسانید. دولت آمریکا تمایل زیادی دارد که به عنوان قدرت جهانی مطرح شود و من نگران سلامت خود هستم، باز هم تشکر می کنم.

یک شهروند نگران

□ □ □ □ □

نویسنده: دامین مورتون

شماره نامه: ۳۹۵۸۵۳

شما بدون این سخنان مورد خشم جامعه صهیونیست هستید.

ریاست محترم جمهور؛ متن کتبی مصاحبه اخیر شما را در تلویزیون

آمریکا مطالعه نمودم و نیز در جستجوی متن سخنرانی شما در دانشگاه کلمبیا هستم. من معمولاً تلاش می‌کنم تا تمامی سخنرانیهای شما را بخوانم و اگر شعاع باشم باید بگویم علاقمندم پیشنهاداتی را مطرح نمایم که به نظرم در ارتباط برقرار کردن شما با مردم آمریکا می‌تواند مفید واقع شود. در مورد مسائلی که شما مطرح نموده‌اید، در دو مورد برای مردم سوء تفاهم وجود دارد و باید در خصوص این موارد توضیحات روشنی داده شود. این دو مورد عبارتند از: **لله انکار هولوکاست‌الله** و **لله حذف اسرائیل از نقشه‌الله**. به نظر من روش بیان شما پیچیده و مبهم و برای مردم آمریکا ناآشنا و غیرقابل درک است. برای همین است که ما اعتقاد داریم عبارت **لله حذف اسرائیل از روی نقشه‌الله** باید دوباره توضیح داده شود و یا به کار بردن سخنانی مانند **لله به اعتقاد ما صهیونیست ۵۰ سال است که بی عدالتیهای خود را بر مردم فلسطین روا می‌دارد...الله** به دلیل ابهامی که دارد نمی‌تواند روشنگر باشد. شما بدون این سخنان هم مورد خشم و ناسزای جامعه صهیونیست هستید. از شما خواهشمندیم در سخنان خود از کلماتی استفاده کنید که تفاوت فرهنگی زیادی نداشته باشد. مثلاً کلمه **لله عدالت‌الله** که شما آن را به کار می‌برید امروزه در زبان انگلیسی آمریکاییها کمی دور از ذهن است و محدوده معنایی کمونیستها یا سوسیالیستهای چپ گرا را تداعی می‌کند. مسلماً شما بهتر از من می‌توانید راههایی برای بیان واژه **لله عدالت‌الله** پیدا کنید. امیدوارم مرا ببخشید، اما نامه اینجانب تنها کوششی برای کمک به شما در جهت کم کردن فاصله های فرهنگی بود.

□ □ □ □ □

نویسنده: جرالده ابرین

شماره نامه: ۳۹۷۵۸۱

آقای احمدی نژاد! ای کاش ما هم رهبری مثل شما داشتیم.
جناب آقای احمدی نژاد؛ از شهروندان ایالات متحده آمریکا هستم. هر
آنچه شما در سازمان ملل متحد بر زبان آوردید صحت داشت. ای کاش ما
هم رهبری به خوبی شما داشتیم. امیدوارم خداوند هم با شما، کشور و
مردم ایران مهربان باشد.

□ □ □ □ □

نویسنده: ریچارد زاک

شماره نامه: ۳۹۵۱۰۴

به عنوان یک آمریکایی اصیل به شما خوشامد می گویم!
به عنوان یک آمریکایی اصیل برای ورود به کشورم به شما خوشامد
می گویم و صادقانه آرزو

می کنم این ورود، پایان تمامی جنگها باشد. از سایت خبری بی بی
سی مطلبی را خواندم و آرزو کردم که ای کاش شما می دانستید همه
آمریکاییها اینگونه نیستند. برخی از آنها - مانند اینجانب - صلح طلب و
مهمان نواز هستند. امیدوارم اقامت شما در نیویورک رضایت بخش باشد.
شنیده ام بسیاری از مردم مایل نیستند شما به **Zero Ground** الله بروید.
امیدوارم اگر اینقدر مشتاق هستید، بتوانید از آنجا دیدن نمایید. من با اینکه
مسلمان نیستم اما اگر شما به آن مکان رفتید به شما خوشامد گفته و
حرکت شما را تحسین می کنم.

با

بهترین آرزوها

ریچارد زاک از مریلند

□ □ □ □ □

نویسنده: محمد انتظاری

شماره نامه: ۳۹۶۰۷۶

خوشحالم که ایرانیان رئیس جمهوری کارآمد دارند. ریاست محترم جمهور؛ من یک شهروند ایرانی - کانادایی هستم که کنفرانس شما در دانشگاه کلمبیا را از طریق اینترنت و به صورت زنده مشاهده کردم. بسیار خوشحالم که مردم ایران رئیس جمهوری کارآمد دارند. به نظر من شما مخالفان خود را به خوبی کنترل نمودید. سخنرانی شما بسیار خوب بود و من به عنوان یک ایرانی احساس غرور نمودم. به عنوان یک شهروند کانادایی که اخبار را هر روز دنبال می کند کاملاً تحت تأثیر سخنرانی شما قرار گرفتم مگر بخشی از آن که در مورد به دارآویخته شدن یا اعدام همجنس گرایان در ایران بود. به نظر من با توجه به حساسیت موضوع، نمی بایست در آن زمان از شما سؤال می شد. آنها با طرح این سؤال قصد داشتند تصویر بدی از شما ارائه دهند و من متأسفم؛ چرا که هر شخصی با اندکی تجربه و تحصیلات می داند که پاسخ درستی برای این سؤال نمی توان ارائه داد. به هر حال، آنچه امروز صبح گفتید واقعاً باعث شگفتی شد و امیدوارم گفته شما دروغ دیگری از سوی یک سیاستمدار نباشد. من آموخته ام که سیاستمداران همواره دروغ می گویند و اگر رفاهی را برای جامعه خود به ارمغان می آورند برای منافع خودشان است. امیدوارم این قضیه در مورد شما صدق نکند. با آرزوی خوشبختی برای اهداف خیرخواهانه شما.

محمد انتظاری

□ □ □ □ □

نویسنده: باب ویک

شماره نامه: ۳۹۶۳۰۱

از رفتار بد با شما، اشک در چشمانم حلقه زد.

ریاست محترم جمهور؛ از سوی تمامی افراد آگاه ایالات متحده آمریکا، از نحوه برخوردی که با جنابعالی در سفرتان به نیویورک صورت پذیرفت، عمیقاً پوزش می‌طلبم. من به عنوان یک شهروند عادی و از اعضای جنبش هندی - آمریکایی، وقتی امروز اخبار را از تلویزیون دیدم از رفتاری که با شما شد اشک در چشمانم حلقه زد. متأسفم و فکر می‌کنم دیگر شهروندان هم متأسف باشند. برای بی‌احترامی به شما در دانشگاه کلمبیا هیچ عذری پذیرفته نیست. نمی‌توانم باورکنم شخصی اینقدر نادان باشد که با رئیس جمهور یک کشور چنین رفتار غیرمحترمانه‌ای داشته باشد. به همین دلیل نامه‌ای را برای رئیس جمهور آمریکا نوشتم و از وی خواستم تا در این مورد پاسخگو باشد. شخصاً احساس می‌کنم شما رهبر بزرگی هستید و بیش از سایرین به مردم آمریکا و جهان نشان دادید که خواستار صلح هستید. شما خواستار دیدار از مجتمع تجارت جهانی **Ground Zero** الله شدید و اینکه دولت به شما چنین اجازه‌ای را نداد، محترمانه نبود. شما این فرصت را به ما دادید که به دنیا نشان دهیم مبارزه آمریکا بر علیه تروریسم در واقع مبارزه آمریکا بر علیه گروه خاصی از مردم است نه بر علیه تروریسم...؛ و این فرصت را به ما دادید که به همه دنیا نشان دهیم ایران در هنگام سختی از مردم آمریکا حمایت می‌کند. به نظر من یک رهبر خوب می‌بایست از شما برای حمایت‌هایتان تشکر می‌کرد و امنیت کافی را برای شما در طی دیدارتان از آمریکا فراهم می‌نمود. من شخصاً اعتقاد دارم قصد کشور شما از تولید انرژی هسته‌ای جنگ نیست بلکه برای ایجاد الکتریسته و رفاه مردم است. در پایان باید اضافه کنم که من در زندگی ام فقط یکبار در انتخابات شرکت کردم و آن هم زمانی بود که **الله‌رونالد ریگان** الله کاندیدای ریاست جمهوری شد. من دریافتم نتیجه رأی

دادن من آنقدر بد بود که دیگر در هیچ انتخاباتی شرکت نکردم. اما اینبار در انتخابات شرکت خواهم نمود و به آقای احمدی نژاد برای ریاست جمهوری آمریکا رأی خواهم داد.

□ □ □ □ □

نویسنده: آدریانا ماریا فیورنزا

شماره نامه: ۳۹۵۸۸۲

آقای رئیس جمهور! از تلاش شما برای آشنایی چشم و گوش و قلب آمریکاییها با حقایق تشکر می‌کنم.

از رفتار ناپسندی که در نیویورک با شما شد، عذرخواهی می‌نمایم. ای کاش من آنجا بودم تا دست شما را می‌فشردم، به شما خوشامد می‌گفتم و با شما به ساختمان مرکز تجارت جهانی

می‌آمدم. از اینکه تلاش نمودید تا چشم و گوش و قلب آمریکاییها را با حقایق آشنا سازید از شما متشکرم. می‌دانم که شما به بهانه گشودن باب مذاکره به کشور ما آمدید و تلاش کردید که این گفتگو را از طریق ارتباط با مردم ما انجام دهید نه از طریق گفتگو با مرد نالایقی که رئیس جمهور کشور آمریکا است. لطفاً آنچه را در نیویورک با آن روبرو شدید، به دل نگیرید. من و بسیاری از آمریکاییهای دیگر، مشتاق درک و یادگیری سایر فرهنگها، سیاستها و باورها هستیم.

□ □ □ □ □

نویسنده: کرملی ادیبی فر

شماره نامه: ۳۹۶۹۴۲

آقای رئیس جمهور! شما قهرمان واقعی میدان بودید. ریاست محترم جمهور؛ از دانشجویان معترض ایرانی ساکن آمریکا هستیم. آنگونه که شما توسط رئیس دانشگاه کلمبیا معرفی شدید و برخی

نسبت به شما و عقایدتان عکس العمل نشان دادند، برای من اهانت آمیز بود و بی تردید بسیاری از ایرانیان مقیم آمریکا نیز همین احساس را دارند. بر اساس نظرسنجی که اینجانب در دانشگاه خود در مورد واقعه دانشگاه کلمبیا انجام دادم، بیش از ۸۴ درصد دانشجویان معتقد بودند برخورد با شما غیراخلاقی و دور از شئون دیپلماتیک بوده است. شما قهرمان واقعی آن میدان بودید و برای همین به شما تبریک می گویم.

کرمعلی ادیبی فر

□ □ □ □ □

نویسنده: روستین کلارک

شماره نامه: ۳۹۵۷۷۹

آقای رئیس جمهور! ایران کشور زیباییها و برخوردار از با شکوه ترین فرهنگها است.

جناب آقای رئیس جمهور؛ من آمریکایی هستم و از شما برای دیدار از کشورم قدردانی می نمایم. در کشور آمریکا بسیاری از مردم نه تنها نسبت به شما به عنوان یک شخص، بلکه نسبت به تمامی مسلمانان و همه ایرانیان و اعراب احساس خشم و نفرت دارند. چنین حسی نتیجه ناآگاهی است و من از اینکه بسیاری از آمریکاییها چنین احساسی دارند متأسفم و اطمینان دارم بسیاری از ایرانیان هم چنین حسی را نسبت به آمریکاییها و حتی همه مسیحیان دارند. کشور آمریکا بر اساس اصول آزادی مخصوصاً آزادی مذهب بنا شده، اما به نظر می رسد که ما حتی شهروندان خودمان را برای به کار بردن این آزادی طرد می کنیم. فرهنگها و مذاهب متفاوتند اما مردم در همه جای دنیا یکسان هستند و همگان علاقمندند در صلح و آرامش زندگی کنند. چرا باید پذیرش تفاوتها و زندگی در صلح و آرامش اینقدر سخت باشد؟ من از تلاشهای شما در جهت ایجاد صلح بین دو

کشور ایران و آمریکا قدردانی می نمایم و تأسف من از این است که آیا می توانم در امنیت کامل به کشورهای جنوب غربی آسیا سفر کنم یا نه؟ فرهنگ شما از جمله قدیمی ترین و با شکوه ترین فرهنگها و کشورتان از زیباترین کشورهایی است که من می شناسم. حرفهای زیادی برای گفتن دارم اما می ترسم یک نامه طولانی هرگز خواننده و پاسخ داده نشود. آرزوی نهایی ام این است که روزی کشورم رئیس جمهوری داشته باشد که بتوانم برای وی هم نامه ای تشکر آمیز بفرستم.

روستین

کلارک

یک آمریکایی وطن پرست

□ □ □ □ □

نویسنده: هیتال پاتل

شماره نامه: ۳۹۶۰۴۰

آقای احمدی نژاد! پاسخ دادن شما به پرسشها و دفاع از نظراتتان

بی نظیر بود.

جناب آقای احمدی نژاد، ریاست محترم جمهور؛ من یک شهروند هندی ساکن آمریکا هستم و ۱۲ سال است که به عنوان شهروند دائم آمریکا شناخته می شوم. امروز به سخنرانی شما در دانشگاه کلمبیا گوش دادم و احساس کردم شما در صحبت کردن، پاسخ دادن به سؤالات و دفاع از نظراتتان بی نظیر بودید. شخصاً اعتقاد دارم که برخورد آمریکاییها با شما محترمانه نبود و من از اینکه با یک مهمان چنین برخوردی صورت گرفت، متأسف شدم. با شنیدن پاسخهای شما دریافتم که رهبر بزرگی هستید و سخنرانیتان بسیار تأثیر گذار بود. امیدوارم یک انسان قدرتمند و فوق العاده مانند شما در جهت صلح، موفقیت و پیشرفت ایران، خاورمیانه

و جهان تلاش نماید. من سفرهای زیادی به دور دنیا داشته ام اما شانس دیدن ایران را هرگز نداشته ام. امیدوارم روزی به کشور زیبای شما سفر کنم و با مردم آن ملاقات نموده و اگر مفتخر شوم به دیدار شما نیز نایل آیم. ضمناً وب سایت شما بسیار جالب است. خوشحالم که می توانم برایتان پیام بفرستم. امیدوارم این پیامها را شخصاً دریافت نمایید و سپاسگزار می شوم اگر با پاسخ خود، مرا خوشحال نمایید.

□ □ □ □ □

نویسنده: استیون

شماره نامه: ۳۹۶۹۶۸

گوسفندان مردم نما، از درک حقیقت عاجزند!

به عنوان یک آمریکایی، از نحوه خوشامدگویی دانشگاهیان کلمبیا نسبت به شما بسیار متأسف شدم. متأسفانه گوسفندان مردم نما قدرت درک حقیقت را ندارند؛ چرا که رسانه های تحت کنترل به آنها می گویند چگونه باید فکر کرد، خواند و فهمید؛ البته همه آنها کور نیستند. آقای احمدی نژاد؛ به ایستادگی خود برای حقیقت ادامه بدهید و محکم باشید. آمریکاییهایی هم وجود دارند که

می فهمند شما مرد محترمی هستید.

□ □ □ □ □

نویسنده: ترانن گوبل

شماره نامه: ۳۹۶۶۷۷

آقای احمدی نژاد! قلب واقعیات موجب شرمساری رسانه های ماست. جناب آقای احمدی نژاد؛ رفتار خصمانه و ناپخته رئیس دانشگاه کلمبیا نسبت به شما سزاوار سرزنش بود. من می دانم که بیشتر عقاید شما، اینجا

در آمریکا به گونه ای دیگر بیان شده و این باعث شرمساری رسانه های ما است. همینطور باعث شرمساری است که به شما اجازه داده نشد تا به الله Zero Ground بزرگوار بروید و نسبت به بازماندگان حادثه یازده سپتامبر ادای احترام نمایید. دولت، رسانه ها و رئیس دانشگاه کلمبیا یک عذرخواهی به شما بدهکار هستند اما هرگز عذرخواهی نمی کنند و لذا من از سوی آنان از شما عذرخواهی می نمایم. اگر کشور آمریکا بخواهد در جهان صدای صلح، استقامت و تفاهم طنین انداز شود، ما باید الله نمونه الله باشیم.

ارادتمند: ترانن گوبل

□ □ □ □ □

نویسنده: کریج های استین

شماره نامه: ۳۹۵۹۶۷

آقای رئیس جمهور! ما از مداخلات ۶۰ ساله آمریکاییها در امور ایران مطلع هستیم.

جناب آقای احمدی نژاد؛ از اینکه امروز در دانشگاه کلمبیا سخنرانی نمودید از شما متشکرم. شرمنده ام از اینکه رئیس این دانشگاه معتبر نتوانست رفتار محترمانه و درخوری را نسبت به مهمانش ارائه دهد. از رفتار وی عذرخواهی می نمایم و امیدوارم روزی بیاید که به شما هم مانند رهبران دیگر خوشامد گفته شود. بسیاری از ما آمریکاییها از تاریخچه شرم آور دولت آمریکا و نیز از ۶۰ سال مداخله این کشور در امور کشور ایران و بسیاری دیگر از کشورها مطلع هستیم اما متأسفانه تعداد بیشتری هم از تاریخچه و اعمال دولت غافل هستند. به نظر من همین اعمال بود که به حادثه یازده سپتامبر و حتی حوادث قبل و بعد آن منجر گردید. روزی اگر فرزندان من خوشبخت باشند، سایر هموطنانم هم مطلع خواهند شد و تغییرات لازم را در ساختار سیاسی کشور به سوی صلح و ثبات جهانی

ایجاد خواهند نمود. با آرزوی صلح برای شما.

ارادتمند: کریج های استین - تگزاس

□ □ □ □ □

نویسنده: مایک هویت

شماره نامه: ۳۹۶۹۷۹

آقای رئیس جمهور! محترم بودن مردم ایران روی کره زمین خواست خداوند است.

جناب آقای رئیس جمهور؛ ضمن قدردانی از سخنانی شما در آمریکا، به خوبی می فهمم که چگونه رسانه‌ها حرفها و عقاید شما را به گونه ای دیگر جلوه می دهند. من سخنانی شما در دانشگاه کلمبیا را به صورت کامل گوش کردم. به عنوان یک آمریکایی دستی را که به سوی ما پیش آورده اید به گرمی می فشارم و ابراز امیدواری می کنم که همدیگر را بپذیریم و در جهت نزدیک شدن دو کشور ایران و آمریکا تلاش نمایم. امیدوارم دولت آمریکا هم با پذیرش دوستی شما، روابط مسالمت آمیزی را با کشور ایران آغاز نماید. عمیقاً اعتقاد دارم این خواست خداوند است که مردم ایران به عنوان یکی از بزرگترین ملت‌های روی کره زمین مورد احترام باشند. برایتان آرزوی خوشبختی داشته و از اینکه پیام صلح و دوستی را مستقیماً برای مردم آمریکا آوردید، شما را تحسین می کنم.

ارادتمند: مایکل هویت

□ □ □ □ □

نویسنده: جوان دل

شماره نامه: ۴۰۱۹۸۹

آقای رئیس جمهور! در تلاش خود صبور باشید. معلوم است دیکتاتور

واقعی کیست!؟

ریاست محترم جمهور، جناب آقای احمدی نژاد؛ امیدوارم اوقات خوشی را در نیویورک سپری کرده باشید. متأسفم که برخی از مردم سخنان نامهربانانه ای را درباره شما بیان کردند. رئیس دانشگاه کلمبیا شما را یک لله دیکتاتور سنگدل لله خواند؛ این در حالی است که آقای بوش به خواست مردم آمریکا مبنی بر عقب نشینی از عراق، بی توجه است. او مسئول مرگهای فراوانی است. بنابراین چه کسی دیکتاتور واقعی است؟ من از سخنان شما در دانشگاه کلمبیا و سازمان ملل لذت بردم. شما بسیار فصیح و سخنور بودید و من با بسیاری از مواردی که بیان کردید، موافقم (نه همه آنها). امیدوارم روزی به کانادا بیایید. مطمئن هستم در اینجا اعتراضاتی بر علیه شما وجود خواهد داشت اما فکر نمی کنم وقت شما در اینجا تلف شود. در تلاش خود صبور باشید.

متشکرم جوان دل

□ □ □ □ □

نویسنده: برایان

شماره نامه: ۴۰۹۴۲۶

رئیس جمهور عزیز! از رفتار بولینگر شرمنده ام. سعی می کنم نگرش ملت‌های مسلمان به آمریکا را درک کنم.

رئیس جمهور عزیز، جناب آقای احمدی نژاد؛ من از شهروندان آمریکایی هستم. مایلم بدانید به نظر من رفتار دانشگاهیان کلمبیا با شما، رفتار قابل قبولی نبود. رئیس این دانشگاه و حاضران برخورد بسیار غیرمحترمانه ای با شما داشتند و این امر باعث شرمندگی من و کشورم می باشد. بسیاری از آمریکایی‌های دیگر نیز احساسی مشابه احساس من دارند. در حال حاضر سعی می کنم بفهمم ملت‌های اسلامی چه نگرشی نسبت به ایالات متحده دارند. من مانند بسیاری از مردم آمریکا عقیده ندارم که لله مشکلات را می

توان با جنگ حل کرد. تاریخ به من نشان داده که ایالات متحده دخالت‌های بسیاری در مسائل خاورمیانه داشته و نسبت به ملت ایران و دیگر ملت‌های خاورمیانه بی‌احترامی‌های فراوانی روا داشته است. به نظر من ایالات متحده نباید در خاورمیانه پایگاه نظامی داشته باشد و بسیاری از آمریکایی‌های دیگر هم همین نظر را دارند. مایلم از شما سؤالی بپرسم: ایالات متحده برای داشتن روابط صلح آمیز با ایران و دیگر ملت‌های اسلامی چه اقدامی می‌تواند بکند؟ به نظر می‌رسد هیچگاه ایالات متحده اسلام را به عنوان دین ملی و رسمی نپذیرد. مردم آمریکا دارای ادیان متفاوتی هستند و در آینده این کشور می‌تواند احترام بیشتری برای مردم مسلمان قائل شود. اگر ایالات متحده به خاطر مداخلات گذشته اش عذرخواهی نموده، همه نیروهای نظامی اش را از خاورمیانه فراخوانده و سیاست جدیدی مبنی بر عدم مداخله اتخاذ نماید، آیا این امر برای برقراری یک صلح پایدار کافی است یا ما همچنان مورد تنفر و هجوم برخی از مردم خاورمیانه خواهیم بود؟ بزودی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا فرا می‌رسد و اینجانب کاندیدایی را در نظر خواهم گرفت که معتقد به عقب نشینی نظامی از عراق و عدم مداخله ما در امور کشورهای خاورمیانه باشد. می‌خواهم بینم آیا چنین شخصی می‌تواند صلح بین ملت‌های ما را تامین کند؟

ارادتمند: برایان

نویسنده: اسکات استریکلند

شماره نامه: ۳۹۵۹۷۴

آقای رئیس جمهور! باهمه سیاست‌های شما موافق نیستم اما ادب و نزاکت را رعایت می‌کنم.

نسخه ای از سخنرانی شما در دانشگاه کلمبیا را خواندم اما نه از متون

مطبوعاتی آمریکا؛ چرا که در اینجا رسانه ها به دلیل تعصبی که دارند مطالب را به گونه ای دیگر جلوه می دهند. بسیاری از مفسرین و کارشناسان تلویزیونی اعتقاد دارند که در جلسه پرسش و پاسخ، شما از پاسخ دادن به سؤالات ظفره می رفتید اما به اعتقاد من شما به نکات خوبی اشاره نمودید. ای کاش پرزیدنت بوش هم مورد سؤال قرار می گرفت. من از دولت یا سیاستهای داخلی شما چیزی نمی دانم اما علاقه شما به علم و دانش را گرامی می دارم.

نمی توانم بگویم با تمام سیاستهای شما موافقم همانگونه که از تصمیمات کشور خودم هم به طور کامل حمایت نمی کنم، اما حداقل ادب و نزاکت را رعایت می کنم علی رغم بسیاری از هموطنانم که چنین نکردند. به نظر من نیاز به گفتگو بین دو کشور به منظور متوقف کردن شایعات بی اساس حس می شود.

□ □ □ □ □

نویسنده: آندورا دوچین

شماره نامه: ۳۹۷۱۰۳

آقای احمدی نژاد! شکوهمندانه حقیقت را متجلی ساختید.

جناب آقای احمدی نژاد؛ من از شهروندان نیوزیلندی هستم. بله، از کشوری بسیار دور از ایران. من به مسائل جهانی بسیار علاقمندم و با علاقه وقایع را دنبال می کنم. سخنرانیهای شما در سازمان ملل متحد و نیز در دانشگاه کلمبیا را تحسین می کنم. شما شکوهمندانه حقیقت را متجلی ساختید. آری، چگونه می توان دستیابی به صلح را با هدایت وسکانداری افراد روشنفکر انکار نمود؟ ما همگی برادرانی هستیم که از یک منبع نور انرژی کسب می کنیم. برای شما و مردم ایران بهترین آرزوها را دارم.

ارادتمند:

آندورا دوچین

نویسنده: جان نواک

شماره نامه: ۳۹۶۶۴۳

آقای رئیس جمهور! شما را در دعاهای خود بیاد خواهم آورد. جناب رئیس جمهور؛ من سخنرانی شما را در دانشگاه کلمبیا مشاهده کردم و از نحوه معرفی شما توسط رئیس دانشگاه متأسف شدم. با توجه به اظهارات گذشته شما در مورد اسرائیل، چنین رفتاری دور از انتظار نبود. صحبت‌های شما صادقانه و بی ریا بود و سبب شد تا نقطه نظر من نسبت به شما تغییر نماید. آقای بوش برای آغاز این جنگ غیرقانونی و غیراخلاقی دروغهایی گفت که اکنون همان دروغها را نسبت به شما و کشورتان به کار می برد. ای کاش شما در دانشگاه کلمبیا بیشتر صحبت می کردید. شما با صحبت‌های خود می توانید مردم بیشتری را به سوی خود جذب نمایید. به نظر من بسیاری از مردم آمریکا تصویر متفاوتی از شما داشتند. شما را در دعاهای خود بیاد خواهم آورد و از اینکه به حرفهایم گوش دادید، متشکرم.

□ □ □ □ □

نویسنده: کنث تامسویک

شماره نامه: ۳۹۶۰۰۹

آقای رئیس جمهور! من نمی خواهم بولینگر نماینده تمام مردم آمریکا باشد.

اینکه رئیس دانشگاه کلمبیا رفتار منصفانه ای نسبت به شما نداشت، قابل درک است. من

نمی خواهم که این شخص نماینده تمام مردم آمریکا باشد. تصور من این است که شما شخص آگاهی هستید که سخنانتان به درستی تعبیر و تفسیر نمی شود. لطفاً این فرصت را به من بدهید تا سؤالاتی را برایتان

بفرستم و پاسخهای صادقانه ای از شما دریافت نمایم. این سؤالات تنها برای اطلاع شخصی است. به نظر من صدای هر رهبری باید شنیده شود. من نظراتی برای یک دنیای بهتر دارم که اگر به من فرصت بدهید آنها را برایتان می فرستم. آیا دنیای بهتر همان چیزی نیست که خداوند می خواهد؟

□ □ □ □ □

نویسنده: عبدالصوفی

شماره نامه: ۳۹۵۸۴۶

آقای بولینگر! شما موجب رسوایی جامعه علمی آمریکا هستید. جناب آقای بولینگر؛ می خواهم به رفتار غیرحرفه ای شما نسبت به میهمان دانشگاه کلمبیا - رئیس جمهور احمدی نژاد - قبل از دعوت ایشان به سخنرانی اعتراض نمایم. در طول ۳۰ سال زندگی دانشگاهی ام هرگز چنین رفتار غیرحرفه ای و بی ادبانه ای از یک مقام علمی مخصوصاً از یک رئیس دانشگاه ندیده ام. در پایان جلسه پرسش و پاسخ وقتی رئیس موقت دانشگاه اظهار عقیده کرد، من فکر می کردم دانشگاه کلمبیا تعهد زیادی به آزادی بیان دارد. شما حق ندارید مانند یک آدم گردن کلفت، به میهمان مدعوتان قبل از سخنرانی تعیین شده اش توهین نمایید. رفتار بی ادبانه و نکوهیده شما نسبت به آقای احمدی نژاد نشان دهنده کوته فکری و فقدان ایدئولوژی سیاسی شما و همچنین چاپلوسی شما نسبت به نازیهای تحت امر اسرائیل می باشد. شما باید از خودتان خجالت بکشید. شما مایه رسوایی جامعه علمی آمریکا هستید.

دکتر عبدالصوفی استاد اقتصاد

□ □ □ □ □

نویسنده: جان لل

شماره نامه: ۳۹۶۱۰۵

به عنوان دانشجوی دانشکدهٔ میشیگان، عذرخواهی می‌کنم. با سلام؛ می‌خواستم برای رفتار غیرمحترمانه دانشگاهیان کلمبیا نسبت به شما عذرخواهی نمایم. متأسفم رفتاری درخور شأن شما از سوی مقامات آمریکایی به عمل نیامد. من دانشجوی دانشکده مرکزی میشیگان هستم و از شما برای حضور در ایالات متحده تشکر می‌کنم. من تحت تأثیر نظرات شما قرار گرفتم. نظرات مربوط به شما در رسانه های ما همواره منفی است اما اکنون من تصویر متفاوتی از شما در ذهن دارم و جایگاه شما را درک می‌کنم. من و دوستانم از اهمیت شما گفتگو کردیم و می‌خواهیم بدانید که اگر ما جای آنها بودیم هرگز چنین رفتار بی‌اعتباری را نسبت به شما انجام نمی‌دادیم. از اینکه وقتتان را در اختیار من گذاشتید از شما تشکر می‌کنم.

□ □ □ □ □

نویسنده: کتی اچ

شماره نامه: ۳۹۶۶۵۲

به عنوان یک شهروند آمریکایی از رفتاری که با شما شد، بسیار ناراحت شدم.

جناب آقای رئیس جمهور؛ متواضعانه به دلیل مسائلی که در دانشگاه کلمبیا پیش آمد از شما عذر می‌خواهم. به عنوان یک شهروند آمریکایی از رفتاری که با شما شد، بسیار ناراحت شدم. آنان از شما درخواست سخنرانی نمودند و بعد نسبت به شما بی‌احترامی روا داشتند. این مسئله برایم تکان دهنده و غیرمنتظره بود. ممکن است من با بسیاری از نقطه نظرات شما موافق نباشم همانگونه که با بسیاری از سیاستهای دولت همسو نیستم، اما به عنوان یک مسیحی وظیفه خود می‌دانم به هر آنچه در قلمرو خداوند است احترام بگذارم و احساس نمی‌کنم این وظیفه به انجام رسیده باشد.

برای همین به شما نامه نوشتم تا بدانید رفتار همه مردم آمریکا مشابه آنچه شما در دانشگاه کلمبیا شاهدش بودید، نیست.

ارادتمند : کتی اچ

□ □ □ □ □

نویسنده: اسکات پاکت

شماره نامه: ۳۹۶۹۱۱

من از سوی دانشگاه کلمبیا به خاطر رفتارشان عذرخواهی می‌کنم. به عنوان یک شهروند تحصیلکرده آمریکایی از رفتار مقامات دانشگاه کلمبیا نسبت به شما بسیار ناراحت شدم. در هیچ جای دنیا با میهمان اینگونه رفتار نمی‌شود. دانشگاه کلمبیا و رئیس آن شرم و ادب کافی برای عذرخواهی از بی ادبی خود ندارند و برای همین من از سوی آنان عذرخواهی می‌کنم. ما مجبور نیستیم در مورد مسائلی که شخصی هستند با هم توافق داشته باشیم و به خ حرف) یکدیگر گوش دهیم. در تاریخ بشر هیچ درک مشترکی از طریق فریادزدن و اهانت کردن به مهمان به وجود نیامده است. ای کاش رئیس دانشگاه کلمبیا و نمایندگان آن، قبل از صحبت به این مسائل می‌اندیشیدند.

□ □ □ □ □

نویسنده: جیمز داو

شماره نامه: ۳۹۷۴۱۲

آقای احمدی نژاد! من مردم ایران را عمیقاً تحسین می‌کنم. من یک وکیل دعاوی و از شهروندان انگلیسی ساکن لندن هستم. من با همه نقطه نظرات سیاسی شما موافق نیستم اما با این حال رفتار رئیس دانشگاه کلمبیا را نسبت به شما تقبیح نموده و اعتقاد دارم که این نحوه رفتار، شایسته مقام عالی‌رتبه یک کشور نبود. امیدوارم اگر روزی از شهر

لندن دیدار نمودید، مهمان نوازی شایستهٔ یک رئیس جمهور را دریافت
نمایید. من اخبار مربوط به شما را با علاقه دنبال می‌کنم و مردم ایران را
عمیقاً تحسین می‌نمایم. امیدوارم در بهبودی روابط ایران و اروپا پیشرفتهایی
را شاهد باشیم. با بهترین آرزوها.

ارادتمند: جیمز داو

□ □ □ □ □

نویسنده: پاتریک باتی

شماره نامه: ۳۹۵۷۷۳

اگر رئیس جمهور ما نیز مثل شما بود، دنیا امن تر و بهتر بود.
جناب آقای احمدی نژاد، ریاست محترم جمهور؛ من یک آمریکایی
هستم که نطق شما را در دانشگاه کلمبیا شنیدم. می‌خواستم تحسین خود
را نسبت به شما و کشورتان بیان نمایم. اگر رئیس جمهور ما نیز مانند شما
برای گفتگو توافق داشت، اطمینان دارم دنیا جای امن تر و بهتری می‌شد.
ارادتمند: پاتریک باتی از ایالت آلاباما

نویسنده: درو میلیکن

شماره نامه: ۳۹۶۷۱۲

من از خبر سخنان و سؤالات خصمانه رئیس دانشگاه وحشت زده
شدم.

لطفاً عذرخواهی اینجانب را برای رفتار اهانت آمیز و غیرقابل توجیه
رئیس دانشگاه کلمبیا و آمریکاییهایی که فراموش کرده اند چگونه به
میهمان خوشامد بگویند، پذیرا باشید. من از سخنان و سؤالات خصمانه ای
که مقام ارشد یک کشور را با آن هدف قرار دادند، وحشت زده شدم.
علی‌رغم تفاوت‌های مذهبی و ایدئولوژیکی یا تنشهای میان دولتهای ایران و

آمریکا، بیشتر مردم آمریکا به محکوم کردن شخصی که به قصد آزار به کشور ما پا نگذاشته، علاقمند نبودند. امیدوارم روزی بتوانم به کشور ایران سفر کنم. در جاهایی از ایالت **Maine** که من با ایرانیهایی ملاقات کردم که انسانهای خوبی بودند.

□ □ □ □ □

نویسنده: سلینا استراتونی

شماره نامه: ۳۹۷۲۷۸

آقای احمدی نژاد! فقط ۳۵ درصد جمهوریخواهان از رئیس جمهور گودزیلا حمایت می کنند.

جناب آقای احمدی نژاد؛ من یک شهروند آمریکایی هستم و از رفتار خصمانه‌ای که چند روز اخیر در آمریکا شاهد آن بودید، ابراز شرمندگی می کنم. در آمریکا کسی به بوش علاقمند نیست و فقط ۳۵ درصد جمهوریخواهان از رئیس جمهور گودزیلا حمایت می کنند و از آن تعداد هم روز به روز کاسته می شود. لطفاً با عملکرد یک احمق و برخی افراد گمراه، در مورد همه یکسان قضاوت نکنید. ما در حال شمارش معکوس برای سپری شدن دوران حکومت آنها هستیم. من بسیار متأسفم که به بوش رأی دادم و برای آنچه در خاورمیانه می گذرد، احساس تأسف می کنم. ۱۵ ماه دیگر منتظر یک تغییر اساسی خواهیم بود. امیدواریم رئیس جمهور جدید زخمهای ایجاد شده توسط بوش را التیام بخشد.

□ □ □ □ □

نویسنده: بیل شاو

شماره نامه: ۳۹۷۱۳۸

آقای رییس جمهور! شما را تحسین می کنم. سرانجام، حقیقت هیولای صهیونیسم برای مردم روشن خواهد شد.

جناب آقای رئیس جمهور؛ سخنرانی شما در مجمع عمومی سازمان ملل متحد را تحسین نموده و از رفتار بیشتر آمریکاییها در این دیدار عذرخواهی می نمایم. شما باید درک کنید که رسانه های آمریکایی نسبت به اسرائیل تعصب دارند و همچنین برخی از آمریکاییها فکر می کنند شما هیتلر دوم هستید. البته من به جریان رسانه ها اعتماد نمی کنم و خبرها را از خبرگزاریهای بین المللی می گیرم. من حقیقتاً اعتقاد دارم تلاش برای به دست آوردن فناوری هسته ای حق شماست. با وجود اسرائیل در نزدیکی مرزهای شما، هیچ انتخابی برای شما باقی نمی ماند. حداقل کشور شما از چارچوب سازمان انرژی هسته ای و ان پی تی تجاوز نکرده؛ در حالی که اسرائیل اینگونه نبوده است. می ترسم صهیونیستهای آمریکا ما را مجبور کنند تا با کشور شما وارد جنگ شویم و آن یک اشتباه تأسف بار خواهد بود. از جانب خداوند برای شما و مردم ایران آرزوی رحمت و برکت دارم. سرانجام روزی حقیقت لله هیولای صهیونیست الله بر مردم روشن خواهد شد.

با یک دنیا عشق و احترام، بیل شاو

□ □ □ □ □

نویسنده: موریل جانسون

شماره نامه: ۳۹۵۸۰۹

آقای رییس جمهور! برای کسانی که قوه تشخیص حقیقت داشته باشند، سخنان شما مفید است.

جناب آقای رئیس جمهور؛ سخنرانی شما را از طریق تلویزیون تماشا کردم. از شکوه و عظمتی که در این گردهمایی نشان دادید، قدردانی نموده و به خاطر خوشامدگویی بی ادبانه آمریکاییها نسبت به شما عذرخواهی می نمایم. از اینکه سخنانتان را به گوش مردم رساندید، تشکر می کنم.

اولین بار بود که آمریکاییها توانستند حرفهای شما را بشنوند و به فکر فرو بروند؛ اگر چه تمامی این سخنان به گونه‌ای دیگر تعبیر و تفسیر خواهد شد، اما برای آنان که قوه تشخیص حقیقت و تفاوت‌های ارزشی را داشته باشند این سخنان مفید خواهد بود. امیدوارم ملت شما قادر به برقراری صلح و کمک به سایرین در جهت ایجاد صلح و آرامش باشد.

با احترام: موریل جانسون

□ □ □ □ □

نویسنده: کاگزوین

شماره نامه: ۳۹۵۹۵۹

بسیاری از آمریکاییها، دروغ یهودیان در جنگ دوم جهانی را قبول ندارند.

اگر چه با بیشتر بیانات پیشین شما موافق نبودم اما به عنوان یک آمریکایی، از نحوه صحبت رئیس دانشگاه کلمبیا با شما شرمسار شدم. مردم می توانند با شما موافق باشند یا نباشند، اما با رئیس جمهور یک کشور نباید چنین رفتار ناشایستی داشت. به هر حال، علی رغم تبلیغات یهود، بسیاری از آمریکاییها، دروغهای یهودیان در مورد جنگ جهانی دوم را باور ندارند.

□ □ □ □ □

نویسنده: جسیکا

شماره نامه: ۳۹۵۷۹۹

سخنرانی تان فوق العاده بود.

با سلام؛ تصویر شما را در دانشگاه کلمبیا از طریق ماهواره و به صورت زنده مشاهده کردم. سخنرانی تان فوق العاده بود. همچنین می خواستم بگویم از اینکه وب سایت خود را به گونه ای طراحی نموده اید که برای

آن گروه از ما که با فرهنگ ایران آشنایی ندارند مفید باشد، از شما متشکرم. من علاقمندم که اخبار سایر نقاط دنیا را بخوانم و سایت شما دارای این اطلاعات نیز بود. در صورت امکان می خواستم عکس امضا شده ای از خودتان برایم بفرستید. برایتان سفر خوشی را در طی اقامت در آمریکا آرزو می کنم.

□ □ □ □ □

نویسنده: دیانا کلیفورد

شماره نامه: ۳۹۵۸۱۷

من به واژه واژه سخنان اهانت آمیز بولینگر پاسخ خواهم داد. رفتار بی ادبانه رئیس دانشگاه کلمبیا نسبت به شما نشانگر نادانی او بود. من واژه به واژه آن سخنان اهانت آمیز را یادداشت نمودم و به آن پاسخ خواهم گفتم. در دانشگاه ما می آموزیم تا نسبت به عقاید دیگران بی غرض باشیم تا بتوانیم سایر فرهنگها را درک کنیم. رئیس دانشگاه کلمبیا به جای نشان دادن احترام، نزاکت و منش خود، طرحی از پیش تعیین شده را برای مقابله با شما پیش بینی کرده بود. وی تلاش نمود تا یک حمله انتقادی سیاسی را بر علیه شما ترتیب بدهد اما شما در مواجهه با وی بسیار خوب عمل کردید. شما با درک بالای خود متوجه شدید که وی نیز تحت تاثیر رسانه ها قرار گرفته است؛ اگر چه چنین فردی با موقعیت وی نمی بایست تحت تاثیر این مسائل کم اهمیت قرار می گرفت. رفتار او موجب شد تا ما آمریکاییها غیرواقع بین، متعصب و فاقد حس همکاری به نظر برسیم. امیدوارم روزی شاهد برقراری صلح و آشتی بین ملتها باشیم. تفاوتهای فرهنگی همواره وجود دارد و همینهاست که باعث می شود ما جالب تر به نظر برسیم. از شما متشکرم که برای ما صحبت کردید.

دیانا کلیفورد از ایالات متحده آمریکا

□ □ □ □ □

نویسنده: گون چاواریا

شماره نامه: ۳۹۹۴۹۱

رفتار شما لطیف، اما رفتار رئیس دانشگاه خشن و ناپسند بود. جناب آقای دکتر احمدی نژاد؛ از نحوه رفتار دانشگاهیان کلمبیا با شما بسیار متأسفم. رفتار شما با ملاحظت همراه و رفتار مسئول دانشگاه خشن و ناپسند بود؛ طوری که احساسات افراد متمدن و بانزاکت را جریحه دار نمود. فکر نکنید همه آمریکاییها این قدر کینه توز هستند. بسیاری از مردم ما برای شما آرزوی بهروزی دارند و از احساسات شما که برای تمام انسانها آرزوی خوشبختی نمودید، حمایت می کنند. امیدوارم آرزوی مشترک ما برای آشتی مجدد بین دو کشور به زودی به حقیقت بپیوندد. خداوند شما و مردم ایران را یاری کند.

□ □ □ □ □

نویسنده: مارک هفتر

شماره نامه: ۳۹۵۹۷۹

دیگر مطمئن نیستم کشورم را باور دارم یا نه؟! آمریکایی هستم و متأسفم که در بدو ورود به کشور آمریکا با این برخورد نامناسب روبرو شدید. چنین برخوردی خوشایند یا دوستانه نبود. اگر به عملکرد نادرست دولت آمریکا در بسیاری از نقاط دنیا بنگرید، اعتراضات مردم این نقاط را شاهد خواهید بود. من تمام آنچه در مطبوعات درباره ایران می خوانم را باور نمی کنم. اطمینان دارم که در ایران نیز همانند آمریکا مردم خوب و بد وجود دارند و فکر می کنم این مسئله به باورهای مذهبی مربوط می شود. در جوانی به خداوند ایمان داشتم اما در گذر زمان مشاهده

کردم که مردم مذاهب مختلف زیر لوای دین به کارهای شیطانی می پردازند و اکنون دیگر ایمان خود را از دست داده ام. فکر

می کنم کشور خود من نیز تحت پوشش نام خداوند، کارهای نادرست زیادی را انجام داده و دیگر مطمئن نیستم کشورم را باور دارم یا نه. اکنون در تایلند زندگی می کنم چرا که می خواهم از این شرارها به دور باشم. خوشحال شدم که سخنرانی شما را در نیویورک شنیدم و علی رغم حملات سختی که به شخصیت شما شد، با قدرت ایستادگی کردید. تمنا می کنم - علی رغم کسانی که

می خواهند شما را متوقف نمایند - به تلاش خود برای دستیابی به صلح ادامه دهید و به

جنگهایی فکر کنید که اگر رهبران گذشته در مورد آن مانند شما عمل می کردند، هرگز آن

جنگها اتفاق نمی افتاد. برایتان آرزوی موفقیت، سلامت و خوشبختی می کنم.

مارک هفتر

نویسنده: بسیم هامزیک

شماره نامه: ۳۹۵۹۶۵

از بوسنی سخن می گویم و از طمأنینه شما خوشحال شدم.

ریاست محترم جمهور؛ سخنرانی شما در دانشگاه کلمبیا را از طریق تلویزیون مشاهده کردم و وقتی دیدم با آرامش و طمأنینه با مردمی که اغلب با شما دشمنی داشتند، صحبت کردید خوشحال شدم. شما مانند یک روشنفکر دیندار رفتار نمودید. آنان که راه درست را در پیش می گیرند هرگز از دشمنان خود نمی هراسند. من اهل کشور بوسنی هستم اما از سال ۱۹۹۳ در سوئد زندگی می کنم و هنوز کمکهای کشور ایران به

کشورم در طول جنگ را فراموش نکرده‌ام. امیدوارم شما به تلاش برای احقاق حقوق خود ادامه دهید و ملت شما به کامیابی مادی و معنوی دست یابد. در تمامی مراحل زندگی برایتان سلامتی و موفقیت آرزومندم.

□ □ □ □ □

نویسنده: ریان ماهان

شماره نامه: ۳۹۶۰۴۱

آقای رییس جمهور! آمریکا ملاک مناسبی برای فعالیت صلح آمیز هسته‌ای نیست!

جناب آقای رئیس جمهور، جناب آقای احمدی نژاد؛ از اینکه به آمریکا آمدید و در دانشگاه کلمبیا و در نیویورک سخنرانی کردید، بسیار خوشحال شدم. به عنوان یک دانشجوی آمریکایی رشته روزنامه نگاری، یاد می‌گیرم که ایالات متحده به ما حق آزادی بیان داده در حالی که بسیاری از کشورها از جمله کشور شما مسائل را از مردم خود پنهان می‌کنند. نمی‌دانم این مسئله تا چه اندازه صحت دارد؛ چرا که ما تنها از طریق رسانه‌های آمریکا کسب خبر می‌کنیم. رسانه‌های آمریکا در بسیاری موارد وقایع را وارونه جلوه می‌دهند. برای مثال ایران و رئیس جمهوری خودتان را در نظر بگیرید. آنچه ما درباره ایران می‌شنویم همواره اخبار منفی است. باور نمی‌کنم شما یا حتی رئیس جمهور کره شمالی آن طوری باشید که رسانه‌ها تصویر می‌کنند. به نظر من اگر کشوری دارای سلاح اتمی باشد سایرین هم می‌توانند دارای این سلاح باشند. امیدوارم فعالیت‌های هسته‌ای شما صلح آمیز باشد و اگر هم نباشد این وظیفه آمریکا نیست که به بعضی از کشورها اجازه داشتن این فعالیت‌ها را بدهد و به برخی نه. آقای احمدی نژاد؛ شجاعت شما را در بیانات و نیز در رهبری مردم ایران تحسین می‌کنم. ممکن است این مسئله خشم آمریکا یا دیگر کشورها را برانگیزد اما

مقامات آمریکا نیز به دلیل سخنان و سیاستهایشان، خشم سائیرین را بر می انگیزند. آرزوی من تحقق صلح در کشور شما، منطقه شما و تمامی جهان است. به عنوان یک دولتمرد قدرتمند، امیدوارم هر چه در توان دارید انجام دهید تا یک ملت صلح طلب باشید.

□ □ □ □ □

نویسنده: شراب حسن

شماره نامه: ۳۹۵۹۰۶

آقای احمدی نژاد! به عنوان یک آمریکایی عرب تبار از رفتار زشت با شما متأسفم.

با سلام و درود خدمت آقای احمدی نژاد؛ یک عرب سعودی متولد آمریکا هستم. بسیار متأسفم که مردم آمریکا در دیدار شما از شهر نیویورک و دانشگاه کلمبیا با شما چنین رفتار زشتی داشتند. اگر چه من شهروند آمریکا هستم اما از شما حمایت می کنم و به شما اعتماد دارم. آرزو دارم کشورهای ایران و آمریکا در آینده دوستان خوبی برای هم باشند. امیدوارم بتوانم روزی از کشور زیبای ایران دیدن کنم. خداوند پشتیبان شما باشد.

□ □ □ □ □

نویسنده: مارسیا ویسانجی

شماره نامه: ۳۹۶۵۲۴

آقای رئیس جمهور! ای کاش من هم یک ایرانی بودم؛ دخترم را به جای کلمبیا به دانشگاه قزاقستان خواهم فرستاد.

آقای رئیس جمهور؛ خوشامدگویی مرا پذیرا باشید. من ایرانی نیستم اما ای کاش بودم. شما باعث شدید که من احساس غرور کنم. شما درجه اجتماعی والا، فرهنگ ارزشمند و دیپلماسی ایرانی را به نمایش گذاشتید و طرف مقابل شما، رفتار یانکیهای زورگو و خشن را. به نظر شما چگونه

می‌توان تمدنی را ارزیابی کرد؟ روشها مختلف و متعدد است اما ساده ترین راه ارزیابی، مهمان نوازی شخص است. دیروز رئیس جمهور ایران - آقای احمدی نژاد - به دانشگاه کلمبیا دعوت شد تا مورد اهانت قرار بگیرد. رئیس دانشگاه - آقای بولینگر - هنگام معرفی آقای احمدی نژاد صفاتی را به ایشان نسبت داد که تنها بوش استحقاق آنها را داشت.

متن معرفی آقای بولینگر بیشتر به یک ادعانامه یا کیفرخواست در دادگاه شبیه بود تا یک مقدمه و معرفی. در میان سخنان ارزشمندی که رئیس جمهور ایران بیان داشت به این جمله برخوردیم که چرا فلسطینیان باید تقاص هولوکاست را پس بدهند؟ الله من قضاوت را به عهده خودتان می‌گذارم تا ببینید کدامیک مؤدبانه تر، اخلاقی تر و صادقانه تر برخورد کردند و چه کسی نیتی پنهانی داشت که ارزش این همه دسیسه را پیدا می‌کرد؟ اساساً آقای احمدی نژاد دیکتاتور یا غیردیکتاتور هرگز با کلام الله آقای رئیس جمهور الله یا حداقل الله دکتر الله مورد خطاب قرار نگرفت در حالی که وی هم رئیس جمهور بود و هم دکتر. مهمان نوازی و تمدن مردم خاورمیانه زبانزد خاص و عام بوده و اکنون نیز این مسئله به قوت خود باقی است. یک مهمان، مهمان است و باید مورد احترام و حمایت قرار بگیرد و این مسئله دانشگاه معتبر کلمبیا را زیر سوال برد. از هر گردشگر غربی که حداقل ده روز را در خاورمیانه سپری کرده باشد، سؤال کنید بدون تردید تحت تأثیر مهمان نوازی این مردم قرار گرفته است و از آن صحبت خواهد کرد. مهمان نوازی ما آمریکاییها هم نقل محافل است!! باید رئیس دانشگاه کلمبیا چند روزی را در یک هتل دو ستاره در خاورمیانه یا جهان اسلام مهمان باشد تا به میهمان نوازی آنان پی ببرد و بفهمد که احترام آنان به مهمان بسیار بیشتر از احترامی است که وی برای یک رئیس جمهور یا دکتر قائل شد. دختر من سال آینده وارد دانشگاه خواهد شد و

من ترجیح می دهم او را به دانشگاه قزاقستان به ریاست آقای الله‌بورات
الله‌بفرستم تا دانشگاه کلمبیا به ریاست پروفیسور بولینگر! این یک اهانت
نیست بلکه یک انتخاب شهروندی است.

□ □ □ □ □

نویسنده: ساچیکو تانکنی امینیان

شماره نامه: ۳۹۶۱۰۱

آقای احمدی نژاد! در تمام عمرم چنین مصاحبه‌ی صادقانه و صمیمانه
ای را از هیچ رئیس جمهوری ندیده بودم.

جناب آقای احمدی نژاد، سلام علیکم؛ می‌خواستم به خاطر دیدار از
ایالات متحده آمریکا از شما قدردانی نمایم. شهروندی ژاپنی هستم که با
یک ایرانی به نام فرشاد امینیان ازدواج کرده‌ام. ما هر دو ساکن آمریکا
هستیم و در حال حاضر در دانشگاه فلوریدا University Coast الله
به تدریس مشغول هستیم. مصاحبه شما با برنامه تلویزیونی الله ۶۰ دقیقه‌الله
را تماشا کردم. پاسخهای شما بسیار صریح و روشن‌گر بود و با لحن بسیار
دوستانه‌ای به گزارشگر آمریکایی پاسخ می‌دادید. من صبر و بردباری شما
در طول این مصاحبه را تحسین کردم؛ خصوصاً وقتی گزارشگر سؤالاتی
مملو از تعصب، سوء تفاهم و نفرت علیه شما و کشور و فرهنگ ایران
مطرح نمود و شما با استادی ماهیت مشکل ساز رسانه‌های آمریکایی را
در طی مصاحبه روشن ساختید. بسیار متأسف شدم که بسیاری از مقامات،
رسانه‌ها و برخی از روشنفکران آمریکایی در دیدارتان از آمریکا با شما
برخورد اهانت‌آمیز و متعصبانه‌ای داشتند. من در حال حاضر مشغول تحصیل
و تدریس ارتباطات بین فرهنگی در آمریکا هستم. تمام وقایع تاریخی در
گذشته و منازعات فعلی میان گروههای فرهنگی در آمریکا و حتی در
جهان ثابت می‌کند که گروه‌های قدرتمند (از لحاظ جنسیت، رتبه اجتماعی،

ملیت و غیره) خواست دیگر گروه‌ها را نادیده گرفته و آنها را به حاشیه می‌رانند و از شنیدن تجارب و خواست آنان خودداری می‌کنند. آمریکا از قدرتش در تمام دنیا به اشتباه استفاده می‌کند و در این بین مقامات و رسانه‌های آمریکایی به صدای سایر کشورها گوش فرا نمی‌دهند. من در تمام عمرم چنین مصاحبه مطبوعاتی صمیمانه و صادقانه‌ای را از سوی رئیس جمهور هیچ کشوری ندیده بودم. از بیانات و شجاعت شما تشکر می‌کنم و برای شما، کشور ایران و مردم آن آرزوی صلح و خوشبختی دارم.

□ □ □ □ □

نویسنده: جان جورج

شماره نامه: ۴۰۰۴۲۷

تنها منبع اطلاعاتی ما رسانه‌های آمریکایی هستند که مطابق نظر یک دولت شرور کنترل می‌شود.

با سلام و درود؛ چنین به نظر می‌رسد کشور من - ایالات متحده - خود را برای جنگ با ایران آماده می‌کند؛ آن هم به همان روشی که به عراق حمله نمود. رسانه‌های آمریکایی دروغ و تبلیغات را منتشر می‌کنند تا مردم را به این باور برسانند که جمهوری اسلامی ایران، مردم ایران و شخص شما شرور هستید. بسیاری از آمریکاییها با روش دولت در نابودی عراق موافق نیستند و اگر فرض کنیم آمریکاییها تحت تأثیر تبلیغات خام نخواهند شد، باید توجه داشته باشیم که تنها منبع اطلاعاتی عموم مردم آمریکا همان رسانه‌های آمریکا است که تحت خواست و نظر یک دولت به واقع شرور کنترل می‌شود. من طرحی دارم و می‌خواهم یک فیلم مستند و مستدل بسازم؛ فیلم مستندی که دروغهای منتشره توسط رسانه‌های آمریکایی درباره کشور شما را برملا سازد و افکار عمومی آمریکا در مورد لزوم جنگ با ایران را تغییر دهد. قبل از اینکه فیلم را با خود به آمریکا ببرم

به شما و دستیارانتان اجازه می‌دهم تغییرات لازم را در آن اعمال نمایید. این فیلم می‌تواند به گونه مؤثری در بین تئاترهای آزاد آمریکایی و گروه‌های اینترنتی پخش و منتشر گردد. الله حقیقت‌الله دشمن بوش است و اجرای نقشها و برنامه‌های فعلی آنها در گرو یک ملت آمریکایی غافل و بی‌خبر است. حق با ما است و راه‌های بسیاری وجود دارد که می‌توانیم از طریق آنها این واقعیت را به مردم ثابت کنیم. به عنوان مثال بسیاری از هم‌پیمانان آمریکا و حتی خود ایالات متحده، موارد و اسناد نقض حقوق بشر بسیار بیشتری نسبت به کشور شما دارند. واقعیات بسیاری وجود دارد که فرصت پرداختن به آنها در اینجا وجود ندارد. اگر به نظر شما این طرح ارزشمند نیست، لطفاً بفرمایید از چه راه دیگری می‌توانم به جلوگیری از جنگ بین کشورهایمان کمک کنم؟

□ □ □ □ □

نویسنده: ایزاک ابراهیم

شماره نامه: ۴۰۱۹۲۸

آیا بولینگر از قوم لوط دفاع می‌کند؟!

رئیس دانشگاه کلمبیا در مقدمه و معرفی رئیس جمهور ایران - آقای

احمدی نژاد - ثابت کرد که

نه تنها بی‌ادب بلکه نادان هم هست. مایلیم اظهار نظرهایم را در مورد

سخنان وی چنین ابراز نمایم:

۱- انکار هولوکاست: قوانینی که انکار هولوکاست را جرم می‌داند،

توسط سیاستمداران و کسانی که از چنین قوانینی بهره می‌برند، وضع شده

بود و برای همین از آن دفاع می‌کنند. نمی‌توان فهمید چطور یک مقام

بلند پایه دانشگاه، فکر و ذهن دانشجویانش را تحقیر نموده و مانع از انجام

یک تحقیق علمی برای اثبات صحت وقایع خاص تاریخی می شود! او می بایست دانشجویان را تشویق می کرد تا در این امر شرکت جویند؛ خصوصاً اساتید و صاحب نظران رشته زیست شناسی را تشویق می کرد تا در مورد تأثیر آب و هوا بر رنگ پوست انسانها تحقیق کنند. ۲۰۰۰ سال قبل یهودیان از جایی که آنجا را موطن خود می نامند، بیرون رانده شدند و گروهی به روسیه رفتند و در طی سالها، سفید پوست شدند و برخی به آفریقا رفتند و رنگ پوستشان تیره شد. آیا این بدین معنی است که در چند صد سال آینده، آمریکاییهای آفریقایی سفید پوست خواهند شد و انگلیسیهای آفریقایی جنوبی رنگین پوست می شوند؟ اگر نتیجه تحقیق منفی است، بنابراین اجداد یهودیان سیاه پوست اتیوپی هیچ گاه در فلسطین اقامت نداشته اند.

۲- حقوق همجنس گرایان در ایران: ریاست دانشگاه کلمبیا وکیل خوبی برای اینگونه افراد است و از حقوق آنان در سراسر کره زمین دفاع می کند. اگر بخواهیم به روش علمی سخن بگوییم او خود یا یک همجنس گرا هست یا نیست. اگر هست پس تعجبی ندارد که از آنها دفاع کند خواه آنها دلیل درستی برای کار خود داشته باشند، خواه نداشته باشند. اگر همجنس گرا نیست پس به خداوند اعتقاد دارد یا ندارد، اگر غیرمعتقد است در زمره اقوام لوط پیامبر خواهد بود و اما اگر فردی معتقد به خداست، من در شگفتم که در جانبداری از قوم لوط در قیامت چه خواهد گفت و تنبیه مجازات بربرها توسط خداوند به خاطر اعمالشان را با چه الفاظ خاصی توجیه خواهد نمود؟

□ □ □ □ □

نویسنده: فواد عطیا

شماره نامه: ۳۹۵۹۳۴

پاسخ مؤدبانه به پرسشهای بولینگر، تجلی فرهنگ اسلامی - ایرانی در آمریکا بود.

جناب آقای احمدی نژاد، سلام علیکم؛ برای سخنرانی در دانشگاه کلمبیا از شما قدردانی می‌نمایم. شما ثابت کردید تا چه اندازه آگاه، منصف و محترم هستید. شما با پاسخ مؤدبانه به سؤالات رئیس دانشگاه کلمبیا، فرهنگ ایرانی - اسلامی را به نمایش گذاشتید و در این میان بی ادبی و نادانی رئیس این دانشگاه بر مردم ثابت شد. شما با دعوت از حضار برای دیدار از دانشگاههای ایران، اهانتهای آنان را با الله احسان الله پاسخ گفتید و این از آموزه های پیامبر اسلام (ص) است. شما با اشاره به مسئله هولوکاست به نسل جوان متذکر شدید تا تاریخ و واقعیتهای موجود را به فراموشی نسپارند و به رؤیای صهیونیست برای تغییر دادن تاریخ، جامه عمل نپوشانند. همچنین من پیام شما را در مورد همجنس گرایی و تأثیر آن بر جامعه و جوانان دریافت کردم. بنا به گفته شما، غرب در صدد است تا عقاید و نظرات خود را بر ملتهای متمدن با تاریخ پربار تحمیل نماید. شما باعث شدید تا به عنوان یک آمریکایی مسلمان احساس غرور کنم. از شما تشکر می‌کنم و خداوند شما را برکت داده و ناجی شما، کشور و مردم ایران باشد.

□ □ □ □ □

نویسنده: پامیلاو جمی وارث

شماره نامه: ۳۹۶۱۰۹

آقای احمدی نژاد! تاکنون به این فکر نکرده بودم که هولوکاست چه تأثیری بر مردم فلسطین داشته است؟!

جناب آقای احمدی نژاد، ریاست محترم جمهور؛ از اینکه شهادت به خرج داده و با مردم ما گفتگو نمودید از شما تشکر می‌کنم. ما برای بی

ادبی بیش از حد هموطنانمان اظهار تأسف می کنیم و امیدواریم دریابید این رفتار بی ادبانه نتیجه سوء تفاهمات و اطلاعات نادرستی بود که توسط مقامات آمریکایی به مردم داده می شد. به نظر می رسد که شما خود متوجه این مسئله شدید. از جرأت و شهامت شما برای رویارویی با چنین جمعیت معترضی قدردانی می نمایم. من وقتی می گویم شما درک بهتری از فرهنگ و روش زندگی خودتان به ما ارائه دادید، این در واقع حرف میلیونها آمریکایی است که امروز شاهد سخنرانی شما بودند. صحبتهای شما درباره الله هولوکاست لله برای من جالب بود. قبلاً من نمی دانستم چرا شما اینقدر در مورد این مسئله صحبت می کنید. برای من هولوکاست بخشی از تاریخ مصیبت بار می باشد. اکنون ما ۶۰ سال از آن حادثه فاصله گرفته ایم و به این فکر نکرده بودیم که هولوکاست چه تأثیری بر روی مردم فلسطین داشته است. هرگز به ما گفته نشده بود که به دلیل این واقعه و پیشگیری از وقوع مجدد آن، فلسطینیان از سرزمین خود بیرون رانده شدند و یک حکومت یهودی تشکیل شد. اکنون دلیل خشم و نارضایتی مردم شما را از این قضیه می فهمم. باید به گذشته نگاهی انداخت، به ترس و نگرانی مردم از آنچه بر سر یهودیان آمد و اینکه شاید این کار مناسب ترین عکس العملی بود که در آن زمان به ذهن می رسید. من فکر می کنم آنها به نتایج بلند مدت جابجا کردن فلسطینیان نیندیشیدند. آنها در ترس و وحشت مرتکب این عمل شدند و به نظر من هیچ سوء نیتی بر علیه مردم فلسطین نداشتند. اکنون ۶۰ سال از این واقعه گذشته و ما باید به اشتباهات نسل پیشین خود نگاهی بیندازیم و این مجادله را در صلح و آرامش حل کنیم. از شما ممنونم که در مورد قصد و هدف ایران از انرژی هسته ای توضیح دادید. شما از ممنوعیت داشتن سلاح اتمی سخن گفتید و ما با بدگمانی خود تصور می کنیم هر کشوری که چنین اطلاعاتی در

دست دارد، دست به ساخت بمب اتمی زده و دنیا را نابود خواهد ساخت و اکنون خوشحالیم که شما قصد تولید سلاح اتمی را ندارید. ما هم در آرزوی شما برای ساختن جهانی پر از صلح و آرامش و تفاهم میان ملتها شریک هستیم.

□ □ □ □ □

نویسنده: سین انیل

شماره نامه: ۳۹۶۱۸۸

آقای احمدی نژاد! جدی نگرفتن رئیس جمهور ایران، نشانه اشتباه و کم تجربگی ما بود.

ریاست محترم جمهور؛ از اینکه شجاعت و جسارت به خرج داده و با مردم آمریکا در مورد خودتان و ملت ایران صحبت کردید، از شما متشکرم. رئیس دانشگاه کلمبیا با لحن بی ادبانه ای شما را معرفی نمود. من همچنین مصاحبه شما را در شبکه الله Rose Charlie مشاهده نمودم و باید بگویم در مورد ارزیابیهای شما از مسائل منطقه ای و بین المللی با شما کاملاً موافقم. من با پاسخ شما در مورد استقلال ایران در حل منازعات منطقه بدون دخالت آمریکا و سایر کشورهای بیگانه کاملاً موافقم. از سوی دیگر می دانم که رسانه های جسور و بی نزاکت آمریکا احساسات مردم را تحت تأثیر قرار می دهند. همانطور که شما بارها پیش از این یادآور شده اید، بسیاری از مردم آمریکا به فرهنگ ایرانیان احترام گذاشته و تلاشهای آنان در جهت استقلال را - علی رغم تأثیر بر زندگی ما - تحسین می نمایند. امروز شما با سخنان پربارتان در نیویورک اعتماد بسیاری از مردم نگران و بی اعتماد را در غرب جلب نمودید. این نتیجه اشتباه و کم تجربگی ما بود که رئیس جمهور ایران را جدی نمی گرفتیم.

با تشکر سین انیل



نویسنده: گری ورن هدر

شماره نامه: ۳۹۶۶۳۶

ما در خاورمیانه برای چیزی می جنگیم که بدان اطمینان نداریم. می خواستم بگویم همهٔ آمریکاییها با شما مخالف نیستند. ما در حال حاضر در آمریکا با وضعیت دشواری روبرو هستیم که درک آن با شیوه زندگی و تفکر ما متفاوت است. قبل از اینکه پرزیدنت بوش به ریاست جمهوری برسد ما سرگرم زندگی آرام خود بوده و ملت مهربان تری بودیم. بعد از واقعه یازده سپتامبر، مردم کاملاً تغییر کردند؛ البته نه در جهت بهتر شدن. فکر می کنم شما هم به این نتیجه رسیده اید که بیشتر مردم آمریکا مایل هستند فرصت دوباره ای به کشور ایران داده شود تا علی رغم گفته رئیس جمهور ما مبنی بر محور شرارت بودن ایران، این کشور ثابت کند که این ادعا درست نیست. ما در خاورمیانه برای چیزی می جنگیم که خودمان هم از آن اطمینان نداریم. عراق به ابزار بسیار مهمی برای رئیس جمهور آمریکا تبدیل شده است و در واقع میراث اوست. در مورد ما نگرانی نداشته باشید. ما مردم آمریکا به این رئیس جمهور اجازه نمی دهیم تا بدون هیچ بهانه ای جنگ دیگری برافروزد، همانگونه که در عراق جنگ به راه انداخت. تنها مسئله ای که ما برای شما آرزو می کنیم و برای ما اهمیت دارد، این است که با مردم خود مهربان باشید و با آنان به نحو شایسته ای رفتار نمایید. ممکن است دموکراسی برای کشور شما مفید نباشد اما به مردم ایران اجازه دهید تا نقطه نظرات و مواضع خود را ابراز نمایند. این مسئله موجب تفاهم بیشتر شده و آنان را مرهون شما می نماید؛ چرا که آنان می بینند شما علی رغم قدرتی که دارید به آنان هم توجه می کنید. مراقب خود باشید. امیدوارم روزی بتوانم به کشور شما

بیایم و با روش زندگی شما بیشتر آشنا شوم.

□ □ □ □ □

نویسنده: داین دوستین

شماره نامه: ۳۹۳۲۰۴

ما ژاپن را بمباران کردیم! اکنون از آنها انتظار داریم ما را بپذیرند!
متأسفم که اجازه ندادند با نثار تاج گل و ادای احترام به مرکز تجارت جهانی، با قربانیان حادثه یازده سپتامبر ابراز همدردی نمایند. این چنین رفتاری از یک ملت صلح طلب بعید است. امیدوارم همه آمریکاییها چنین رفتاری نداشته باشند. ما ژاپن را بمباران کردیم و اکنون از آنها انتظار داریم ما را بپذیرند. من فکر نمی‌کنم درست باشد، لله‌احترام‌الله که حق مسلم شماست از شما سلب شود. من برای بیداری آمریکاییها دعا می‌کنم و به کشورم علاقمندم اما می‌دانم که آمریکاییها توسط مقامات آمریکایی فریب خورده اند و من نگران این مسئله هستم. لطفاً پوزش مرا به خاطر عملکرد گمراهانه مردم ما بپذیرید.

نویسنده: کوگان برنان

شماره نامه: ۳۹۶۰۱۷

دوست دارم نحوه تأثیر فناوری دیجیتال بر مردم ایران در مقایسه با مردم آمریکا را مطالعه کنم.

از اینکه وقت گذاشتید و با دانشجویان، دانشگاهیان و اساتید دانشگاه کلمبیا صحبت نمودید از شما تشکر می‌کنم. من نتوانستم در این دیدار حضور داشته باشم اما سخنرانی شما را با علاقه دنبال کردم. شاید آنچه بیشتر مرا برانگیخت دعوت شما از دانشجویان و اساتید این دانشگاه برای دیدار از ایران بود. تمایل دارم این دعوت را پاسخگو باشم. من به مطالعه فناوری دیجیتال و تأثیرگذاری آن بر جوامع و افراد بسیار علاقمندم.

تمایل دارم از نزدیک از کشور شما دیدار نمایم و ببینم نحوه تأثیر فناوری دیجیتال بر مردم ایران در مقایسه با مردم آمریکا چگونه بوده است. قصد دارم در تابستان امسال به ایران بیایم، لطفاً مرا راهنمایی نمایید که آیا این امکان وجود دارد یا نه تا اطلاعات بیشتری را در اختیار شما قرار دهم؟

با تشکر و احترام: کوگان برنان

□ □ □ □ □

نویسنده: دانیل اسمیت

شماره نامه: ۳۹۶۴۰۴

آقای رئیس جمهور! پس از ۱۱ سپتامبر دریافتم که ما آدمهای زیاد خوبی نبوده ایم!

آقای رئیس جمهور؛ از حضور شما در آمریکا و دانشگاه کلمبیا سپاسگزارم. سخنرانی شما را از طریق شبکه span.C الله به صورت کامل مشاهده کردم و آن را بسیار روشنگر یافتم. شما آن مردی نبودید که من انتظار دیدنش را داشتم؛ چرا که دانسته های من بر اساس گزارشاتمی بود که به من می رسید. شما در مواجهه با بی احترامیها کاملاً محترمانه رفتار کردید. من از نحوه خوشامدگویی به شما شرمند شدم. شما با افتخار صحبت کردید و بسیاری از مسائل را برای ما روشن نمودید و نشان دادید که خواست قلبی شما دستیابی به صلح است. اینجانب کاملاً با تعریفی که از دانش ارائه دادید مرتبط هستم؛ چرا که زندگی علمی دارم و در سایه دانش به این حقیقت دست یافته ام که سلولی که با خودش در تضاد و تنش باشد نمی تواند پایدار بماند. کره زمین هم یک سلول منسجم است. من اعتقاد دارم که مشترکات ما بسیار بیش از تفاوتها است. هر کدام از ما کودکان خداوند هستیم که او با تولد، حق زیستن را به ما عطا کرده

است. از چند سال قبل - خصوصاً از زمان حادثه یازده سپتامبر - چشمهای من به روی حقایق زیادی گشوده شد. با هر اتهامی که آمریکا به دیگر کشورها وارد می کند، احساس می کنم که ما خطایی مرتکب شده ایم و با هر اتهام دیگر کشورها بر علیه آمریکا، آنها را خطاکار می بینم. نتیجه کلی این است: ما آدم های زیاد خوبی نبوده ایم و این مسئله شرایط فعلی را برای ما رقم زده است و اکنون چه اقدامی می خواهیم بکنیم؟ وضعیت در فلسطین و دارفور تکان دهنده است. اینکه مردم در این عصر پیشرفت، باید از چنین فجایعی رنج ببرند، جنایت بر علیه خداوندی است که همه ما ادعای همسویی با او را داریم و تأسف بارتر این که همه ما از این مسائل اطلاع کامل داریم. ما حق نداریم به کسی حق زیستن بدهیم و دیگری را از این حق بی بهره نماییم. صحبت کردن درباره صلح دیگر کافی است. ما باید خودمان به وجود آورنده صلح باشیم. متأسفانه کشور آمریکا هم از دیگران بهتر نبوده است و به عنوان مردم یک کشور، ما هم مثل مردم شما هستیم. می خواهیم زندگی کنیم، عشق بورزیم، در صلح و آرامش باشیم و از همه مهمتر شاد باشیم. به اندازه کافی در جهان بلایای طبیعی رخ می دهد و دیگر نیازی به ایجاد کردن آن نیست. سخن من با مردم نیست، سخن من با قدرتهای جهان و رهبران مردم است. آنها برای برابری و مساوات تلاش نمی کنند. اکثریت قریب به اتفاق مردم در برابر منافع شخصی قربانی می شوند. ما آنقدر گرفتار مشکلات هستیم که از دیدن و حس معجزه طبیعت محروم شده ایم و بهشت را گرداگرد خود نمی بینیم. ماریان ویلیامسون می گوید: لله این ظلمت ما نیست که ما از آن در هراس هستیم.... این روشنایی ما است لله و من به این حرف ایمان دارم. همین باعث می شود که بهشتی را که داریم از دست بدهیم. امیدوارم شما به صلح طلبی خود ادامه دهید و به جای حمایت مالی گروه هایی که راه حل را خشونت

می دانند، به مردم فلسطین کمک کنید و به زنان و کودکانی که از آموزش و تغذیه محروم هستند و شما صدای رسای آنها هستید به آنها غذا و کتاب بدهید. آنها به راه حلی برای زنده ماندن نیازمندند، نه راه دیگری برای مردن. به جای کاشت دانه های سترون ، به میوه های خوب اعتماد کنید.

□ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۵۹۶۰

نویسنده: گرگری راسل

رئیس جمهور گرامی! آمریکا با زورگویی خواستار تبعیت شما از استانداردها و راه و رسم آمریکایی است!

جناب آقای محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور گرامی؛ من آمریکایی ام ولی نه از آن آمریکاییهایی که با حرمت شکنی، تنفر و ارتجاع در دانشگاه کلمبیا گستاخانه بر سر شما داد زدند. ایران استحقاق دارد از حق موجودیت خود دفاع کند و منافع خود را جستجو نموده و در جهت ارتقاء فرهنگ خود بکوشد. آمریکا با حس تکبر و زورگویی می خواهد جامعه جهانی از استانداردها و راه و رسم مقرر او تبعیت کنند. من به حقوق ایران احترام می گذارم که راه خود را در پیش بگیرد و مناسبات سیاسی را با همسایگان دنبال نماید و منتقدان خود را به چالش بکشد. من به خاطر برقراری مناسبات سیاسی با ونزوئلا، کوبا و بولیوی به شما تبریک می گویم.

عذرخواهی ام را از طرف خود و بسیاری دیگر از هموطنانم به خاطر دعوت به دانشگاه کلمبیا و در پی آن برخورد اهانت آمیز و خصمانه دانشجویان، معترضان و دانشگاهیان با شما پذیرا باشید. این گروه از مردم نماینده اکثریت آمریکاییها نیستند. شهروندان آمریکایی نیاز به درک پیام شما و نیت شما برای صلح و دوستی دارند. دولت آمریکا و رسانه های آن،

اطلاعات و تبلیغات گمراه کننده به آمریکاییها منتقل می کنند و احساسات ضد ایرانی را در آنان تقویت می نمایند. شما را به کوششهای مستمر برای جلب حمایت مردم آمریکا تشویق می کنم.

□ □ □ □ □

نویسنده: نیکلاس شوپ

شماره نامه: ۳۹۶۱۳۸

آقای رئیس جمهور! تدبیر، حساسگری و لحن انسانی شما حاکی از منش ایرانی و ادب و نزاکت بود.

جناب آقای محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور محترم؛ به دنبال استقبال خشن برخی از دانشجویان و دانشگاهیان دانشگاه کلمبیا از شما، وظیفه خود دانستم به عنوان یک شهروند آمریکایی به خاطر این شیوه های غیرمتمدن دولتمردان که نه تنها از دانشگاه بلکه از سیاستمداران و رسانه های آمریکا سرچشمه می گیرد، از شما عذر خواهی نمایم. شما یک رئیس جمهور رئوف و بزرگ منش برای ملت ایران هستید. من واقعاً متأسفم که کشور ما و شما نتوانسته اند بر مبنای اصول مدنیت با هم گفت و گو کنند. تدبیر و حساسگری سیاسی و لحن انسانی تان، نه تنها بسیار تأثیر گذار، بلکه برای شهروندان محترم آمریکا حاکی از ادب و نزاکت بود.

□ □ □ □ □

شماره نامه : ۳۹۶۸۰۹

نویسنده: عثمان

آقای رئیس جمهور! امیدوارم خداوند به پاکستان هم رهبری مثل شما عطا کند.

سلام علیکم و رحمه الله و برکاته. رئیس جمهور محترم؛ من از اهالی پاکستان هستم و از صمیم قلب به شما تبریک می گویم که در برابر رفتار

کوتاه فکرا نه و دوراز نزاکت رئیس دانشگاه کلمبیا و سؤالات احمقانه دانشجویان، با منطق، شرافتمندانه و عاقلانه برخورد نمودید. شما در قلب بسیاری از مسلمانان مؤمن سراسر جهان جای دارید. از خداوند بزرگ مسئلت دارم همه نیروهای شیطانی کفر، سکولاریسم و لیبرالیسم در پرتو فروغ اسلام مغلوب گردند. دست حق همراه تو باد و آرزو دارم که خداوند به مردم پاکستان و همه کشورهای مسلمان، رهبری شریف و خاشع همچون شما اعطا فرماید و جهان را برای اقامه دین مهیا سازد. آمین، فی امان الله.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۸۴۴

نویسنده: میهاله بندو - هون لوحه

جناب رئیس جمهور! من به خدا ایمان ندارم؛ اما جسارت شما را در دفاع از عقایدتان می ستایم. جناب رئیس جمهور؛ سخنرانی شما را در دانشگاه کلمبیا استماع کردم. ما در عقاید خود متفاوت هستیم. من به وجود خداوند ایمان ندارم اما باید بگویم که جسارت شما را در دفاع از عقایدتان می ستایم و کوشش جسورانه شما را در مواجهه با ذهنیتهای خصمانه ای که قصد رویارویی و مبارزه با آنها را دارید، تمجید می کنم. امیدوارم خداوند شما و صدای شما را بشنود و صلح و آزاداندیشی را برای ملتها به ارمغان بیاورد. با احترام و همدردی قلبی.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۹۰۱

نویسنده: مارتین

آقای بولینگر! سخنان شما تداعی گر نطق صدراعظم آلمان در هفتاد سال قبل بود.

رونوشت: رئیس جمهور ایران

آقای بولینگر، بخشهایی از دیدار شما با احمدی نژاد، رئیس جمهور ایران را از طریق ویدئو مشاهده کردم و یا در روزنامه ها خوانده ام. سخنرانی افتتاحیه تا جایی که من گوش کردم، بلافاصله مرا به یاد سخنرانیهای رادیویی ۷۰ سال پیش انداخت که مردم کشورم را خطاب قرار می داد؛ یعنی درست زمانی قبل از حمله آلمان نازی به کشورم. نطق شما، سخنرانیهای هفتاد سال پیش صدراعظم آلمان را در ذهنم تداعی کرد. انتظاری جز اعلان جنگ به ایران از شما نداشتیم، آن هم به نام بشریت، دموکراسی، آزادی و صلح که همه مردم ایران خواستار و شایسته آنها هستند. لزومی نداشت که به آقای احمدی نژاد اهانت ورزید. شما نشان دادید که یک کارمند دانشگاهی به یک انسان دیگر بی احترامی روا می دارد و از پیش داوریهها و تبلیغات متأثر است. آیا دانشجویان کلمبیا به جای کسب دانش باید نفرت و دشمنی را اظهار کنند؟ اظهارات شما با سخنان احمدی نژاد چقدر نامتناسب بود.

دیدیم که در آخر، احمدی نژاد چون انسانی متواضع، بی آرایش و بی شائبه نسبت به ملت آمریکا نمایان شد. همان طوری که ملتفت بودید او در پاسخ گویی به سؤالات، یادداشی در اختیار نداشت که از روی آنها جواب بدهد. به نظر من حرفهایش صادقانه می نمود.

رونوشت: جناب رئیس جمهور ایران - محمود احمدی نژاد.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۱۳۵

نویسنده: امان الله رشیدی

آقای احمدی نژاد! در اعتقادات خود استوار باشید، ولو اگر بد اقبالی به شما رو کند.

جناب آقای احمدی نژاد، رئیس جمهور ایران؛ از طرف مسلمانان آمریکا

به خاطر رفتار خشن با شما هنگام دیدار از آمریکا عذر خواهی می کنم . من جسارت و استقامت شما را در این دیدار و دفاع از باورهایتان می ستایم. متأسفانه بسیاری از مردم آمریکا تنها از منظر رسانه ها قضاوت می کنند و هر موقع دولت آمریکا اتهامی به کسی ببندد، اجازه نمی دهند حقایق در مجرای خود به جریان بیفتد. من مصاحبه ۶۰ دقیقه ای شما را ملاحظه کردم و دیدم احساسات مرا بیان کردید. لذا از برخورد زشتی که در دانشگاه کلمبیا با شما روا داشتند، متأثر گردیدم. همچنین نگران شدم که برای دیدار و ادای احترام به محل قربانیان یازده سپتامبر، با درخواست شما مخالفت کردند. از صمیم قلب امیدوارم در جهت کمک به برادران و خواهران عراق، فلسطین، لبنان و سایر نقاط جهان که عرصه مرارت مسلمین است، کوشا باشید. در اعتقادات خود استوار باشید ولو اگر بداقبالی به شما رو کند. دل به دل راه دارد. خداوند شما را مورد عنایت قرار دهد و برادران و خواهران مرا در ایران و سایر نقاط جهان مورد بذل و مرحمت قرار دهد.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۵۸۴

نویسنده: گرگ گودی

جناب رئیس جمهور! امیدوارم به کانادا بیایید و با مهمان نوازی ما، در شأن یک رهبری جهانی سخن بگویید.

سلام جناب رئیس جمهور؛ من یک شهروند ۲۲ ساله کانادایی هستم که اخبار رویدادهای کشور شما را تعقیب می نمایم و در طی چند روز اخیر هم سفری به نیویورک داشته ام. رفتاری که اجتماع کنندگان آمریکایی با شما داشتند مرا سخت منقلب کرد. جورج بوش، انسان بد طبیعتی است و با کنترل رسانه ها، آنقدر مغز آمریکاییها را شستشو داده که شما را دشمن خودشان تلقی کنند. من در رنجم که چرا کشور صلح جویی چون ایران در

رسانه ها، سیمای نامطلوبی به خود گرفته است و آمریکا که جنگ عراق را با ترفند راه انداخت این وضع را برانگیخت؟ (شروع این جنگ، اقدامی غیرعقلانه بود).

امیدوارم که روزی حضرت تعالی به کانادا سفر کنید و به منزل من مراجعه نمایید تا در اینجا با میزبانی و مهمان نوازی راستین روبرو شوید و به شما اجازه داده شود که در شأن و حرمت یک رهبر جهانی سخن بگویید. این اقدامات پسندیده را ادامه دهید.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۵۹۵

نویسنده: براد ویلسون

از محفل درس بولینگر، دانش آموختگان کارآمدی به عرصه بین المللی وارد نخواهند شد.

از طرف محافل دوستان در اینجا (میشیگان) به خاطر رفتار لی بولینگر، رئیس دانشگاه کلمبیا که در ابتدای مراسم به شما نشان داد، عذرخواهی می‌کنم. رفتار خشن و دریده و همچنین انتقاد نیش‌دار او نه تنها جایز نبود، بلکه تخطی آشکار او به عنوان یک مقام دانشگاهی از اصل مهمان نوازی را نمایان ساخت. به طور مسلم با رفتار خود ثابت کرد که خودرأی می باشد. او نه تنها چهرهٔ یک مدیر بی نزاکت و کوتاه فکر را نشان داد، بلکه آشکار ساخت که طالب نیست به نظرات متقابل گوش کند و به آنها توجه و احترام گذارد. ما معتقدیم که شما شاهد رفتار یک شهروند متکبر و کوتاه نظر بودید که چهرهٔ یک شهروند کریه‌الله آمریکایی را از خود نشان داد که تاب تحمل و رواداری با سایر فرهنگها و ارزشهای دیگر فرهنگها را ندارد؛ در حالی که وانمود می کند به اصول دیپلماسی بین المللی پایبند است.

ما تصور نمی‌کنیم دانش آموختگان کارآمد زیادی در آینده نزدیک از محفل درس او وارد عرصه بین‌الملل شوند. ما با دوستان پیش خود فکر کردیم که اگر با خود لی بولینگر این گونه برخورد می‌شد چه کار می‌کرد؟ و یا شاید در آینده، با جورج بوش به این نحو برخورد گردد. ما موافقیم که شأن شما و کشورتان بالاتر از این برخوردهای خام و کوتاه نظرانه است و مقابله به مثل هم عمل انسانی ساده‌ای نیست. به خاطر خویشتن داری تان، از شما تشکر می‌کنیم. آرزو می‌کنیم سفرهای آتی شما برای سازمان ملل و مخاطباتان، قرین توفیق، کارآمدی و روشنگری باشد. ما از دور بیننده و شنونده اقدامات و نطقهای شما هستیم.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۶۲۷

نویسنده: جف هانسن

آقای رئیس جمهور! تحمیل تهدید و تحریمها، ابزار دولتهای جاهل است.

رئیس جمهور گرامی؛ به عنوان یک شهروند محترم آمریکایی از شما پوزش می‌خواهم و شخصاً رفتار بسیار وحشیانه رئیس دانشگاه کلمبیا را تقبیح می‌نمایم. چنین رفتاری کاملاً ناموجه و بیجا بود و من با شما هم رأی هستم. در این دوران پرتلاطم و آشفته، باید مسائل را از طریق گفت‌وگوی مدنی حل و فصل نمود و نه از طریق تهدیدها و تحریمهایی که از سوی دولتهای جاهل بر سایر کشورها تحمیل می‌گردد.

من متن کامل سخنرانی شما را خواندم و اعتقاد راسخ دارم که شما انگیزه‌ای جز صلح ندارید. امیدوارم با تحمل گفت‌وگوها، با شما بتوانیم در آینده راه را برای حل منازعات خاورمیانه بگشاییم و با هم در صلح و

آرامش زندگی کنیم؛ اگر چه در واقعیت امر جورج بوش بر مسند هست، اما باز هم جای امیدواری است. از صلح طلبی شما متشکرم و برای شما و همه ایرانیان آرزوی صلح و آرامش می کنم. صمیمانه متشکرم.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۶۳۱

نویسنده: کوین پریتو

رئیس جمهور گرامی! به عنوان یک شهروند طبقه متوسط آمریکا از تبلیغات رسانه ای دولتمان متأسفم.

رئیس جمهور گرامی؛ من یک شهروند معمولی آمریکایی و از طبقه متوسط این کشور هستم. روزانه هشت ساعت کار می کنم که برای خانواده ام سرپناه، غذا و آرامش فراهم آورم. تلاش شما را برای گفتگو با مردم آمریکا می ستایم؛ به خصوص آنکه با سفر خود به آمریکا، رسانه های تبلیغاتی (دولت) را زیر سؤال بردید. متأسفم که بسیاری از شهروندان آمریکایی تحت تأثیر جو تبلیغاتی رسانه ها هستند و کمتر درباره مسائل تحقیق می کنند. لذا می بینیم تحت تأثیر همین رسانه ها، در آخر چگونه با شما رفتار کردند. کاش می توانستم در نیویورک از نزدیک شخصاً با شما دیدار کنم و فضای آنجا را آرام تر می کردم. دوست دارم درباره سوء برداشتی که از اظهار شما درباره هولوکاست شده، بیشتر بدانیم. این سؤال را از آن جهت نمی پرسم که فی المثل یهودی، مسلمان یا مسیحی هستم. برای من فرقی نمی کند. من گرایش معنوی داشته و به خدا اعتقاد دارم و معتقدم که بایستی از طریق صلح و احسان به دیگران خوبی کرد؛ زیرا همه اینها در جهان دیگر موجب آرامش ابدی است. بنابراین با این اظهارات می خواستم به عنوان یک شهروند آمریکایی صاحب خانواده، ترجمان منظور شما در نزد مردم اینجا باشم و به آنها تفهیم کنم که اظهارات شما

درباره هولوکاست را بد جا انداخته‌اند.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۲۰۸

نویسنده: تری گرین

آقای رئیس جمهور! فرهنگ کهن و پیشینه تمدنی ایران، آن را مبرا از همجنس بازی می کند. واکنش تعجب آمیز به سخنان شما بیانگر فراموشی حقیقت در تبلیغات است.

رئیس جمهور گرامی؛ دوست داشتم نامه ای که به شما می نویسم در شرایط عادی باشد تا بتوانم سبک آن را با همه گونه الفاظ تشریفاتی تزئین کنم، اما الان اوضاع وحشتناکی است و از این رو بهتر است وارد اصل مطلب بشوم. به نظرم که نظر شما هم باید باشد، بشر امروز با دوران پرخطری درگیر است. نیروهایی در جهان ما درکارند که نوع بشر را ممکن است هر لحظه با خطر روبرو کنند. اگر اذهان اکثریت ملت‌های جهان تنویر نشود، بشر در دام آنها خواهد افتاد. اما بیش از بسط موضوع، اجازه دهید کمی از خودم و سوابق خودم برایتان بنویسم. نام من تری است. یک شهروند آمریکایی هستم و پنج سال است ازدواج کرده‌ام و اکنون صاحب یک فرزند می باشم. من بنا به نوع تربیت خانوادگی‌ام و به ویژه تأثیر مادر بزرگ سنتی و کنجکاو، معتقدم که در درون همه ابناء بشر خدا حضور دارد و از همان اوان طفولیت به این عقیده رسیده‌ام که وجود مسجد و کلیسا، تنها ملجأ برای خداجویی نیست. تحت تأثیر این سنخ تربیت، از ایام کودکی با علاقه مستمر به کنکاش درباره مذاهب پرداخته‌ام و معرفت جویی من حتی از دامنه مذاهب هم فراتر رفت تا جایی که به مطالعه زمینه های دیگر روی آوردم و در این راستا کمابیش به مطالعه باستان شناسی، مردم شناسی، زیست شناسی، جغرافی، نجوم و... پرداختم.

معرفت جویی مستمر روز به روز ضمیر مرا روشن تر نموده است. شما در سخنرانی کلمبیا یادآور شدید که قدرتهای پنهان جهان در کارند که حقایق از چشم ملتها پنهان بماند که من با این اظهار شما موافقم و معتقدم از دوران صدر تاریخ تا به امروز نیروهایی در حیات بشر در این راستا عمل کرده اند. قدرتهایی از جمله کنستانتین بوده اند که از طریق اغفال مردم به قدرت و ثروت بالایی رسیدند. من معتقدم که قدرت مطلق، مسلماً با خود فساد می آورد. سخنان شما در کلمبیا برای بسیاری از آمریکاییها قابل قبول است اما در این کشور بسیاری دیگر از شهروندان، متأثر از فضای حاکم در کشور هستند. اینان در واقع وطن پرست و مقید به آموزه ها و اطلاعاتی هستند که از طریق دولت، بنیادهای مذهبی و رسانه ها به خورد آنها داده می شود. از این رو به سادگی، همسوی آنها در برابر ایدئولوژیهای دیگر واکنش منفی نشان می دهند. در این کشور به آزادی اهمیت زیادی داده می شود، اما در عمل آنگونه که باید حقوق همه شهروندان رعایت نمی شود. ایدئولوژی مسلط آمریکا باعث گردیده که بسیاری از شهروندان تصور کنند هر آنچه مغایر ایدئولوژی اکثریت باشد غیرحقیقی است. برای مثال شما در سخنرانی تان اشاره کردید که فرهنگ ایران با همجنس بازی مغایر است و دیدیم چطور به اظهار شما واکنش نشان دادند. من به کشور شما نیامده ام و از خرده فرهنگهای آن هم اطلاعی ندارم اما فرهنگ ایران که از قدمت دینی کهن و پیشینه تمدنی برخوردار است، می تواند از همجنس بازی میرا باشد. من این را بعید نمی دانم. واکنش تعجب آمیز این افراد به اظهار شما نشان می دهد که چگونه رسانه ها و آموزه های تبلیغاتی، ذهن مردم را شکل داده تا حقایق را طوری دیگر ببینند.

از سخنرانی ۶۰ دقیقه ای شما، روی هم رفته پی بردم که سخنان شما

از عقل و درایت دور نیست. اظهارات شما دید مرا نسبت به اوضاع سیاسی کشورم بازکرد. من شگردی دارم که وقتی به من زیاد دروغ بگویند متوجه اغفال خود می شوم. همین باعث گردیده با افرادی که با اخلاق، اعتقادات و شیوه زندگی ام عناد دارند، زیاد معاشرت نکنم.

سخنرانی شما چشمان مرا به انحرافات و کج رویها در گفتار برخی سیاستمداران باز کرد که چگونه درباره مسائل مهم جهان اظهار نظر می کنند. من دریافته ام که در کشور ما کاستیهایی وجود دارد و به بهانه امنیت، برخی آزادیها را از ما می گیرند و هر وقت وحشتی سراغمان آمد تصور می کنیم دولت هر اقدامی کرد برای حفظ امنیت ما می کند. ما امروز در جهان با جنگها و کشتارها روبرو هستیم و اگر حقایق را آنگونه که هست تلقی نکنیم چطور می توانیم در آینده انتظار تحول و صلح را داشته باشیم؟ من صرف نظراز حقایقی که شما اظهار می کنید به فرهنگهای باستانی، نگاه آنها به جهان و تاریخ و روحيات گذشته بشر ارج می گذارم. دوست دارم تربیت فرزندم و معاش خانواده ام در فضایی دور از انحراف تحقق می یافت. من می ترسم فرزندم متأثر از فرهنگ عام، به جای درک حقایق و معرفت، به سوی گرایشها و ثروتهای دیگر وسوسه شود. من معتقدم ثروتی به نام معرفت و خودشناسی از هر طلای دیگر ارزنده تر است.

در پایان باید خدمت شما بگویم، زمانی از نیت شما و دولتتان اطمینان خاطر پیدا می کنم که اول آن را برای خود روشن کرده باشم. تنها این اطمینان را دارم که ملت ایران مانند هر ملت دیگر جهان در پی صلح و دوستی است. از خواندن نامه من و همچنین از سخنرانی تان در دانشگاه کلمبیا و تلاشتان در راستای صلح تشکر می کنم.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۸۸۲

نویسنده: بوید آپله گات

آقای رئیس جمهور! با وجود گروههای تبلیغاتی، پیام شما در شأن یک دیپلمات واقعی و نماینده ذیصلاح ایرانی بود. جناب آقای رئیس جمهور؛ سفر شما به آمریکا و سازمان ملل متحد ارتباط چندانی با مردم آمریکا ندارد. به نظر می رسد که نقش و نفوذ رسانه ها در برخی مردم و همچنین حرکات خشن آنها سهیم است. در آخر معلوم شد پیام شما (با وجود مزاحمت گروههای تبلیغاتی) در شأن یک دیپلمات واقعی و نماینده ذیصلاح ایران است. از اینکه برای مردم آمریکا سخنرانی نمودید متشکرم. رسانه ها و نقش برخی دولتها در بد جلوه دادن چهره شما، ما را اغفال نخواهد کرد.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۸۷۲

نویسنده: چارلز نکسه

آقای رئیس جمهور! از خداوند برای انجام تکلیف مقدس پیش رویتان آروزی توفیق دارم.

جناب آقای رئیس جمهور؛ من اخیراً سخنرانی شما را با علاقه گوش دادم. از نحوه برخورد و پاسخ گویی شما خوشنود شدم. خداوند بزرگ عنایت کرد که در چنین فرصتی مغتنم، درباره مسائلی مهم صحبت نموده و نظر مردم جهان را به آن جلب نمایید. چیزی برای گفتن ندارم، فقط از خداوند برای شما توفیق ادامه راه و تکلیف مقدس که در پیش گرفته اید، آرزو می کنم.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۶۴۲

نویسنده: بیل گودکه

آقای احمدی نژاد! پوزش می خواهم.

جناب آقای دکتر احمدی نژاد؛ من به عنوان میزبان و شهروند آمریکایی

حضور شما را گرامی

می دارم و از برخورد دانشگاه کلمبیا با شما در نیویورک پوزش می

خواهم. باید بدانید که بسیاری از مردم، علی‌رغم اختلاف عقیده مهمان

نواز هستند. ارادتمندم.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۶۰۳

نویسنده: واین.آ. یوست

جناب رئیس جمهور! آن طور که می خواستیم از شما استقبال نشد.

عذرخواهی می کنم.

جناب رئیس جمهور؛ از رفتار خلاف عرف مهمان نوازی از سوی

رئیس دانشگاه کلمبیا، عذرخواهی می کنم. اگر چه بر سر برخی مسائل در

کشور شما و شیوه های پرداختن به آنها نگرانیهایی پدید آمده است، اما

شما می توانستید برخی مسائل را طوری دیگر عنوان کنید. اما به هر حال

شما مهمان بودید و آنطوری که ما می خواستیم از شما استقبال نشد.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۵۴۳

نویسنده: باب لوی

نمی دانستم استاد دانشگاه هستید!

من واقعاً از سخنرانی دیروز شما در دانشگاه کلمبیا قدردانی می نمایم.

نمی دانستم که شما استاد دانشگاه هستید. خواهش مندم عکسی از خودتان

برایم ارسال نمایید.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۵۱۷

نویسنده: آندرا

همه شهروندان مثل هم نیستند. آنقدر مردمانی گمراه و جاهل نیستیم! لطفاً همه آمریکاییها را از منظر واقعۀ کلمبیا نگاه نکنید. به خاطر رفتار هم وطنانم نسبت به شما، معذرت خواهی می کنم. ما آنقدر مردمانی گمراه و جاهل نیستیم و باید بگوییم همه شهروندان آمریکا مثل من فکر نمی کنند. از تلاشهای شما در راه تحقق صلح تشکر می نمایم.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۵۷۸۷

نویسنده: کامائو میوسی

آقای رئیس جمهور! نامه ای اعتراض آمیز به بولینگر نوشتم. جناب آقای رئیس جمهور؛ من سخنرانی شما را امروز گوش کردم و از شیوۀ برخورد رئیس دانشگاه کلمبیا با شما انتقاد دارم. نامه ای اعتراض آمیز به او فرستادم تا از رفتارش ابراز نارضایتی کنم. به اطلاع می رسانم که یک آفریقایی مقیم آمریکا، پژوهشهایی درباره هولوکاست به عمل آورده است که بسیاری از گروههای دیگر (از جمله آفریقاییها) قربانی آن بوده اند، اما در رسانه ها انعکاس نداده و مورد تأیید مؤسسات یهودی قرار نگرفته است. شما چهرۀ اندیشمند و صاحب فکری هستید.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۰۶۱

نویسنده: جوشوا واوگن

آقای رئیس جمهور! من دانشجوی و موسیقی دان هستم. سخنرانی شما

مرا به تفکر عمیق وا داشت.

جناب رئیس جمهور؛ سخنرانی شما را امروز ملاحظه کردم. می خواستم به شما بگویم که صددرصد با نظرتان موافقم و ایران یک ملت مستقل است. شما با عضویت در آژانس هسته‌ای، حق استفاده برابر از انرژی هسته‌ای را دارید و حتی وقتی سایر ملتها حق دسترسی به سلاحها را دارند، شما هم می توانید داشته باشید. عقیده شما عین عقیده من است. دیگر عصر بمب به سر آمده و ما بایستی به سمت دیپلماسی حرکت کنیم. اظهارنظر شما درباره آموزش عمومی و اینکه همیشه باید به دنبال پاسخ باشیم و در این دنیا هیچ چیز مطلقى وجود ندارد، سخن اندیشمندانه و ایده‌ای جدید بود.

به طور مسلم، فساد برگرداگرد ما حلقه زده است و دانشمندانی هم وجود دارند که علیرغم دانش، خودخواه و غیراخلاقی هستند. من با تاریخ ملت فلسطین آشنایی دارم و می دانم با خانه‌ها و زمینهای آنها در طی ۶۰ سال اخیر چه کرده‌اند. نمی دانم برای اصلاح این وضع چه بگویم، تنها از موضع شما در برابر حکومت تاریخی و امپریالیستی آمریکا قدردانی می نمایم. همه آنچه که به آن عادت کرده ایم، مصرف است که با سرعت غیرقابل باوری گسترش می یابد. روزی مصرف گرایی به پایان می رسد؛ این طور نیست جناب آقای احمدی نژاد؟

آمریکا دارد بر دشمنان خود می‌افزاید و رفتار آمریکا دارد خشم برخی ملت‌های جهان را برمی‌انگیزد. جناب رئیس جمهور؛ شما صبور بودید و من دوست دارم به همراه شما به ایران سفر کنم و مطمئنم در این کشور، جاهای زیبا همچون هلال حاصلخیز سده‌های گذشته دیده می‌شود. دیگر حرفی برای گفتن ندارم. من یک دانشجوی عادی و موسیقی دان هستم و کارم تصنیف آهنگ و آواز است و در نظر دارم درباره اوضاع

امروز، نقش ما به عنوان شهروندان آمریکایی و به ویژه نقش حضرت تعالی در این راستا، سروده ای تصنیف نمایم. از سخنرانی امروز شما متشکرم که مرا به تفکر عمیق واداشت تا به شما نامه ای بنگارم. با تقدیم ارادت دوستانه.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۰۵۴

نویسنده: بونی یانگ

از رفتار هموطنانم پوزش خواسته و اقدام شما را تحسین می کنم. به عنوان یک شهروند آمریکایی، از رفتار خشن هم وطنانم نسبت به شما باید پوزش بطلبم. حضور شما در دانشگاه کلمبیا، اقدامی شجاعانه و مؤثر بود و من این اقدام را تحسین می نمایم. کاش من هم در میان حضار آنجا بودم. شاید در آینده، در یک یا دو سال آینده به ایران سفر کنم و تا آن زمان اگر فرصتی داشتید، عکس امضا شده خود را برایم بفرستید و آن را بسیار ارج خواهیم گذاشت.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۵۷۸۸

نویسنده: ماریسا ریکلم

معلم بازنشسته زبانهای خارجی در آمریکا هستم. غفلت و انزوای اکثریت جمعیت آمریکا، گشایش راه برای رهبرانی چون بوش است. جای تشکر دارد که با جسارت در دانشگاه کلمبیا حضور یافتید. آنچه بسیار اهمیت دارد این است که ما باید همگی یکدیگر را درک کنیم تا بتوانیم بر روی این کره زمین که در واقع متعلق به همه ما است به سازگاری برسیم. سیاست خارجی کشور من جای تأسف دارد و من می دانم که در این کشور، بخش زیادی از اطلاعات از صافی می گذرد. متن سخنرانی

شما را مورد تأمل و بازاندیشی قرار می‌دهم و آن طور که شایسته است به آن توجه خواهم کرد. من یک معلم بازنشستهٔ زبانهای خارجی هستم و در طی سفرها و یا مطالعاتم راجع به امور بین الملل و فرهنگهای خارجی به یک شناخت رسیده‌ام. این تمایزات غلط فرهنگی از سوی آمریکا، برایم آزار دهنده است. غفلت و انزوای اکثریت جمعیت آمریکا بدون قصد و غرضی، راه را برای رهبرانی چون بوش باز می‌کند که اطلاعات غلط بدهند و فضولی کنند. امروز من سعی کردم به طور زنده سخنرانی شما را در کلمبیا گوش کنم اما صدای مترجم آنقدر پایین بود که نمی‌توانستم رشته مطلب را دنبال کنم. جای شرمساری است که آسوشیتد پرس که گزارشهای ویدئویی تهیه می‌کند، نتوانست صدای مترجم را تنظیم نماید و ترجمه مناسب را در اختیار بگذارد. امیدوارم بتوانیم مسائل بغرنج خود را در آینده حل کنیم تا در صلح و آرامش زندگی کنیم.

با احترام

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۵۸۳۵

نویسنده: توماس فرازیر

به ایالت مینسوتا بیایید! به طرز شایسته از شما استقبال خواهد شد. از رفتاری که بولینگر رئیس دانشگاه کلمبیا به شما نشان داد، منقلب شدم. به عنوان یک شهروند آمریکایی تصور می‌کنم این گستاخیها، خاص کشور ما نیست و شاید در حقیقت محصول سواحل شرقی باشد، در این خصوص از شما پوزش می‌طلبم. پس از این رویداد، بیش از پیش بر من روشن شد که اسرائیل در ایجاد رعب و نفاق در آمریکا نقش دارد و عوامل این کشور هم بر ما و هم بر کشورهای خاورمیانه نفوذ دارند. به نظرم در

برابر انتقاد زنده بولینگر، عاقلانه برخورد کردید. از شما می‌خواهم در نوبت بعدی سفرهایتان، به ایالت مینسوتا بیایید. دوست دارم بیشتر به سخنان شما گوش کنم و معتقدم که در اینجا به طرز شایسته‌ای از شما استقبال خواهد شد.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۵۸۴۷

نویسنده: دیوید ساندرز

ای کاش همه رؤسای جمهور کشورهای بزرگ مثل شما شجاع بودند! اخیراً سخنرانی شما را در کلمبیا گوش کردم و پاسخ‌گویی شما به همه سؤالات مرا تحت تأثیر قرار داد. چون پاسخ‌گویی به هر سؤال در سیاست، کار ساده‌ای نیست و دوست داشتم همه رؤسای جمهور کشورهای بزرگ به شجاعت شما بودند و به شیوه شما به این سؤالات پاسخ می‌گفتند. باید عذرخواهی کنم که در آمریکا آن‌طور که با یک مهمان برخورد می‌شود، از شما استقبال نشد. شاید من با شما اصلاً هم عقیده نباشم ولی اگر با یک چیز هم عقیده شویم شروع خوبی برای مناسبات ما خواهد بود.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۵۸۷۱

نویسنده: لاین گوتری

آقای رئیس جمهور! از حسن نیت و التزام شما به مناسبات دیپلماتیک تشکر می‌کنم.

رئیس جمهور گرامی؛ ابتدا از اینکه بخشی از کارهای خود را واگذارده و برای سخنرانی به کلمبیا وقت صرف نمودید تا عقاید و دانسته‌های خود را با مردم آمریکا در میان بگذارید، تشکر می‌کنم. چنین انگیزه‌ای قابل احترام است و حاکی از حسن نیت و التزام شما به مناسبات دیپلماتیک

می‌باشد. با این حال، با کمال تأسف باید از نحوه پذیرایی از شما، عذر خواهی کنم. بسیار جای افسوس است که با یک مهمان محترم این گونه با بی احترامی برخورد می‌شود. بدانید که همه مردم آمریکا از این گروه نیستند که امروز با شما چنین رفتار کردند؛ بلکه در میان شهروندان آمریکایی افرادی هستند که واقعاً برای شما احترام قائل هستند. برای شما و همه ایرانیان آرزوی بهروزی می‌کنم.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۵۸۸۰

نویسنده: ملانی داویس

کلام و نگرش شما قابل مقایسه با موج نفرت و دوری کنندگان از حقیقت نیست.

از دیداری که به کشور ما داشتید، متشکرم. متأسفم که نتوانستید به دیدار محل حادثه ۱۱ سپتامبر بروید و پوزش می‌خواهم که از شما هنگام دیدار از دانشگاه کلمبیا بدرفتاری کردند. کلام، نگرش و خویشتن داری شما قابل مقایسه با افرادی نیست که با ایجاد موج نفرت، حاضر به شنیدن حقایق نشدند. شما را به خاطر پایداری در دفاع از کشورتان تحسین می‌کنم و امیدوارم دو کشور ما به صلح و تفاهم برسند. از حضور شما تشکر می‌کنم و دوست داشتم شخصاً شما را در اینجا ملاقات می‌کردم.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۵۹۳۰

نویسنده: آوبری مادن

آقای رئیس جمهور! سخنرانی شما کارشناسانه، روشنگرانه و ملاحظت آمیز بود.

جناب آقای دکتر محمود احمدی نژاد؛ از سخنرانی که امروز در دانشگاه

کلمبیا ایراد کردید، تشکر می‌کنم. سخنرانی شما کارشناسانه، روشنگرانه و ملاحظت آمیز بود. این ویژگیها را کمتر می‌توان در سیاستمداران آمریکایی سراغ گرفت.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۵۹۴۶

نویسنده: م.ک. جباری

آقای احمدی نژاد! آرامش و استواری شما ریشه در آموزه های اسلامی دارد.

جناب آقای احمدی نژاد؛ امروز توفیق یافتم سخنرانی شما در دانشگاه کلمبیا را از طریق تلویزیون تماشا کنم. در وهله اول باید از شما تشکر نمایم که پس از شنیدن اظهارات بی ادبانه رئیس دانشگاه مذکور، خوب و سنجیده رفتار کردید. آفرین که خوب اوضاع را مدیریت نمودید و سکوت و آرامش اختیار کردید. بسیار باعث غرور است و معتقدم که استواری شما ریشه در آموزه های اسلام و پابندی عمیق شما به آنها دارد. به گفت و گوهای خود در زمینه صلح، عدالت و برابری تداوم دهید و در دفاع از حقوق خود متزلزل نشوید.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۰۱۲

نویسنده: دیانه

احمدی نژاد گرامی! من یک یهودی هستم، اما از برخی هم کیشان خود بیزارم.

احمدی نژاد گرامی؛ می‌خواستم به خاطر سفر اخیر شما در این هفته به نیویورک تشکر کنم و از رفتار تنگ نظرانه و شرورانه که در اینجا با شما شد، صمیمانه عذرخواهی نمایم. من با برخی از عقاید شما درباره

هولوکاست و حادثه یازده سپتامبر موافق نیستیم، اما در عین حال به خاطر مقاومت در برابر سیاست خارجی توهین آمیز و جابرانه کشورم، از شما تقدیر می‌کنم و همچنین چشم‌پوشی اسرائیل از احقاق حقوق فلسطینیان را تصدیق می‌نمایم. خودم یهودی هستم اما از برخی هم کیشان خودم که به بهانه حقانیت، برخی اعمال را روا می‌دارند، بیزارم. به علاوه به عنوان یک شهروند نیویورکی شرمنده‌ام که دولت آمریکا با وجود اینکه می‌تواند مانع تراژدی فلسطین شود اما برای ارتقاء اهداف امپریالیستی، از این امر خودداری می‌کند. به هر حال، دیدار شما نشان داد که در اینجا نوعی تنگ نظری و نفاق حاکم است و نشان می‌دهد هنوز ذهنیت دروغ‌گویی و در عین حال ادعای سطحی اخلاق و حرمت حضور دارد. رفتاری که با شما کردند مرا آنقدر متأثر کرد که مجبور شدم از طرف هموطنان خودم، صمیمانه از شما عذرخواهی کنم.

با آرزوی ایام بهتر

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۷۴۱

نویسنده: جکی

آقای رئیس جمهور! رفتار شما باعث رنجش ملت ماست.

رئیس جمهور گرامی؛ من یک شهروند آمریکایی‌ام که اخبار را از نزدیک پی می‌گیرم. به این نتیجه رسیده‌ام که شما یک رهبر با خوی استبدادی هستید. رفتار شما از قبل نوعی رنجش خاطر را در میان ملت ما برانگیخته است و به طور واضح، مصالح منصب ریاست جمهوری را مورد بازاندیشی قرار دهید. پس از سخنرانی تان در سازمان ملل متحد، باز هم سخنانی دور از درایت اظهار می‌نمودید. آیا ملت ایران از حقایق بی‌خبرند یا اینکه شما هر آنچه فکر می‌کنید مثبت است، بیان می‌نمایید؟

جناب رئیس جمهور؛ در مورد حقایق هولوکاست، چگونه می توان موضع انکار در پیش گرفت، زیرا واقعه هولوکاست از مستندترین رویدادهای تاریخی به شمار می رود.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۷۴۷

نویسنده: هانسین

آقای احمدی نژاد! خداوند شما ایرانیان و مسلمانان را در جهان حفظ کند.

جناب آقای احمدی نژاد؛ پس از استماع سخنرانی تان در دانشگاه کلمبیا از موضع شما خوشم آمد. با آمدن به آمریکا، جسارت خود را نشان دادید و پاسخهای شما هم عالی بود. از خداوند می خواهم شما ایرانیان و همه مسلمانان را در جهان حفظ کند. با اعطای درود و سلام گرم

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۷۴۹

نویسنده: جولی والر

آقای رئیس جمهور! از رفتار مغایر عرف دیپلماسی با شما متأسفم. رئیس جمهور گرامی؛ من یک دانشجوی آمریکایی هستم. چون از نحوه برخورد برخی هموطنانم نسبت به شما در حین دیدار از نیویورک و سخنرانی در دانشگاه کلمبیا دل آزرده شدم، تصمیم گرفتم به شما نامه ای بنویسم. به نظر من، شایسته نیست که آمریکاییها کسی را برای سخنرانی دعوت کنند و سپس با کشاندن او به آمریکا به جرم اختلاف عقیده، به او بی احترامی نمایند. آنها برخلاف عرف دیپلماسی با شما رفتار کردند و از این بابت متأسفم. می خواستم به شما بگویم که آمریکاییهایی هم هستند

که خواهان صلح در سراسر جهان و احترام گذاری به سایر ملتها باشند.

با تشکر

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۷۸۱

نویسنده: جینی ساندن

آقای احمدی نژاد! آمریکا باید از رفتار تفرقه افکنانه و ایجاد تنفر و ترس دست بردارد.

رئیس جمهور گرامی، آقای احمدی نژاد؛ من یک شهروند آمریکایی هستم. سخنرانی بادرایت شما را در دانشگاه کلمبیا از طریق شبکه CNN تماشا کردم و احساس کردم لی بولینگر، رئیس این دانشگاه خیلی تند به معرفی شما پرداخت و باید به شما احترام می گذاشت. ما همگی باید جدای از هرگونه اختلاف به هم احترام گذاریم و در پی حقایق باشیم و با تفاهم می توانیم در جهت صلح گام برداریم. آمریکا باید از تفرقه افکنی و ایجاد تنفر و ترس دست بردارد. آمریکا نباید عقاید خود را بر خاورمیانه و سایر کشورهای دنیا تحمیل کند. من دوستدار همه ملت‌های خوبم. ما نباید شفقت را از دست دهیم. از شما متشکرم.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۷۸۸

نویسنده: تورین

آقای رئیس جمهور، رئیس دانشگاه کلمبیا کله شق است! صمیمانه عذرخواهی می کنم.

رئیس جمهور گرامی؛ به خاطر رفتار باورنکردنی و بی رحمانه ای که در جریان دیدارتان به آمریکا شاهد بودید، صمیمانه عذرخواهی می کنم. همانطوری که خودتان هم اظهار نموده اید، این گروه نماینده همه مردم

آمریکا نیستند. واکنشهای موافق با عرف دیپلماسی و پاسخهای رگ شما در برابر گزارشگران بداندیش، مرا بسیار متأثر کرد. رئیس دانشگاه کلمبیا فرد کله شقی است، نباید با مهمان اینگونه برخورد می کرد.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۵۹۴۷

نویسنده: سامرز

در مورد آزادی بیان زیاد می گویند! اما وقتی نوبت به شنیدن می رسد، بی خیال می شوند!

از حضور شما در آمریکا و سخنرانی در دانشگاه کلمبیا تشکر می کنم. کار شایسته ای بود که به آمریکا سفر کردید تا حقایق ناگفته را به گوش مردم برسانید.

در مورد آزادی بیان زیاد می گویند، اما وقتی نوبت به شنیدن می رسد بی خیال می شوند. به نظرم سخنرانی شما اقدام مهمی بود؛ اگر چه بسیاری از ما با عقاید شما موافق نیستیم، ولی به عقاید شما احترام می گذاریم. با تشکر از دیدار شما از آمریکا.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۵۹۷۲

نویسنده: سیمون پتر

جناب رئیس جمهور! اگر همه مثل شما بودند، تحولات بهتری در جهان رخ می داد.

جناب رئیس جمهور؛ به خاطر رفتاری که در اقصای متقدان خود در نیویورک داشتید از شما تشکر می کنم. موضع شما نشان داد که از قوت اراده و عزت برخوردارید. اگر همه رهبران به شیوه شما رفتار می کردند

در جهان تحولات بهتری روی می داد. از خداوند برای شما و کشورتان آرزوی موفقیت می کنم.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۵۹۸۸

نویسنده: تیم نرت

لطفاً دوباره به آمریکا و ساحل غربی، سیاتل یا پرت لند سفر کنید! از اینکه به کشور ما سفر کردید، متشکرم و معتقدم شما انسان وطن دوستی هستید. شاید برخی با شما و ملت شما موافق نباشند اما ما شهروندان آمریکایی از مبانی سیاسی کشورمان و از اصل آزادی بیان و اعتقادات فاصله گرفته ایم. من در واشنگتن، آن سوی دیگر آمریکا زندگی می کنم و بسیاری از مردمی که با آنها معاشر هستم شاید با موضع شما مخالف باشند؛ اما این بدین معنا نیست که به شما آزادی اظهار عقیده ندهند. از سخنانی که بولینگر، رئیس دانشگاه کلمبیا درباره شما گفت، عذرخواهی می کنم. لطفاً دوباره به آمریکا و ساحل غربی، سیاتل یا پرت لند سفر کنید. خوشحال خواهم بود سخنان شما را بشنوم. ان شاء الله.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۹۹۸

نویسنده: ژولی

آقای احمدی نژاد! من اوکراینی و مقیم آمریکا هستم؛ حضور رهبران با اراده ای مثل شما مانع از جنگ و تهدید است.

جناب آقای احمدی نژاد؛ باید از شما به خاطر شرکت مردانه، محترمانه و جسارت آمیز در کنفرانس ۲۰۰۷ سازمان ملل متحد تشکر کنم. لطفاً سلام و تحسین قلبی مرا بپذیرید. من یک شهروند اوکراینی هستم که به مدت ۳ سال در آمریکا اقامت دارم. روحیه اهالی نیویورک و فضای اینجا

را دوست دارم ولی از دیدگاههای سیاسی آمریکا حمایت نمی کنم. به مطالعه تاریخ و سیاست جهانی علاقه دارم. همان طور که گفته اند: الله اگر شما تاریخ را بدانید می توانید آینده را پیش بینی کنید، زیرا تاریخ تکرار می شود. من به اصول سیاست خارجی اوکراین پای بند هستم و برخی سیاستهای خارجی آمریکا و مداخله کشورهای حامی جنگ و طرفدار یهود و کشور ساختگی شان را نمی پسندم. منش شما در دانشگاه کلمبیا و حرکت مطلوب شما در برخورد با ریاست آن دانشگاه را تحسین می نمایم. ذکاوت سیاسی تان خوب بود و خیلی خوب از پس این بازی مسخره برآمدید و زیرک تر از آنها ظاهر شدید. در تمام امور و زندگی تان موفق و خوش اقبال باشید. ما همه مردم جهان در هر جا و هر مکان طرفدار صلح هستیم و می دانیم اگر رهبرانی مثل شما با روحیه و اراده قوی ظاهر گردند، جنگی ما را تهدید نخواهد کرد.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۹۶۳

نویسنده: ماریسه

جناب رئیس جمهور! نبرد عدالت تازه شروع شده است! خداوند شما را کمک کند.

جناب رئیس جمهور؛ از شما متشکریم. شما با عزم و اراده خواستید نشان دهید که اگر همه رهبران مانند شما صرفاً در پی دموکراسی، برادری، عدالت و فداکاری باشند، دنیای ما برای بشریت مناسب تر خواهد بود. با علاقه جزئیات سفرتان را به نیویورک خواندم، دلسرد نشوید. نبرد عدالت تازه شروع شده است، خداوند شما را کمک کند.

انتاریو - کانادا

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۹۱۶

نویسنده: استیو

جناب آقای احمدی نژاد! اگر روزی جنگ به پا شود به خاطر دروغ گویی آمریکا و اسرائیل است.

جناب آقای احمدی نژاد؛ نحوه موضع گیری شما را در برابر رفتار ناموجه و گستاخانه دانشگاه کلمبیا و خود دولت آمریکا تحسین می کنم. واقعیت امر، ما در پی زندگی و امرار معاش هستیم و خواهان جنگ علیه ایران نیستیم. اگر روزی جنگی در برگیرد به خاطر دروغگویی آمریکا و اسرائیل است.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۷۰۵۷

نویسنده: کریشنا

شهروندان آمریکایی شستشوی مغزی شده اند تا از صهیونیسم و اسرائیل هواداری کنند.

از سخنرانی تان که در دانشگاه کلمبیا که اخیراً ایراد گردید، متشکرم. پوزش می خواهم از اینکه با رفتار ناپسند شهروندان آمریکایی روبرو شدید. اینها را شستشوی مغزی داده اند که از صهیونیسم و اسرائیل هواداری کنند.

دولت کمتر با مردم در تماس است و برای تحمیل برنامه های غیرمردمی اش، تخلفاتی هم می کند. سخنرانی شما چندان دور از درایت و تدبیر نبود. من به عنوان یک دانشجو نمی خواهم دیگر شاهد جنگ جهانی سوم بشوم. از حقیقت جویی و تلاشتان برای صلح جهانی تشکر می نمایم.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۷۴۴

نویسنده: فیوچراکو

آقای رئیس جمهور! من در هزار مایلی غرب کلمبیا زندگی می کنم. شخصیت خوبی دارید و مردی برای تمام فصول هستید!

رئیس جمهور گرامی؛ به خاطر طرح مسائل مهمی که امروز جهان را به ویژه در منطقه خاورمیانه به ستوه آورده است، از شما تشکر می کنم. بر همه ما آشکار است که در این راه خداوند از کمک به شما دریغ نمی کند. باری که بر دوش گرفته اید، بسیار سنگین است ولی با این حال آن را خوب به پیش می برید. گفت و گوی شما در کلمبیا به ما آمریکاییها نشان داد که شما در واقعیت امر، دولتمرد پردغدغه ای هستید و از برخورد با مسائل حیاتی وحشتی ندارید. اگر چه من در هزار مایلی غرب کلمبیا زندگی می کنم ولی توانستم متن سخنرانی شما را در گردهمایی کلمبیا بخوانم. مانند بسیاری از آمریکاییها از فراست و بشردوستی شما متأثر شدم؛ بدیهی است که شما مردی برای تمام فصول هستید و آماده اید تا هر اقدام لازم برای حل و فصل چالشهای سرراه بردارید. شخصیت خوبی دارید. آقای احمدی نژاد؛ بگذریم که آینده چه چیزی برای شما پیش خواهد آورد، فقط به یاد داشته باشید بسیاری از ما تحت تأثیر رفتار شما قرار گرفتیم و خدا را برای تحقق کوششهای بزرگتان گواه می گیریم. این گونه گردهماییهای آزاد را گسترش بدهید تا از همین محافل، حقیقت بر ملتها روشن شود. همین که مردم عادی از نگرش شما و حقیقتی که دنبالش هستید مطلع شوند، حمایت بلاشرط آنها برای شما کافی خواهد بود. اگر خدا بخواید، نهضت توده‌ها به راه خواهد افتاد و پیامدهای مثبتی را به ارمغان خواهد آورد و چهره جنگ و نزاع زایل خواهد شد.

بسیاری از آمریکاییها اهل تساهل هستند. ما مانند شما و ملت مهربان

ایران به خداوند عشق

می‌ورزیم، ولی این عشق ورزیدن ممکن است با نحوه عشق ورزیدن شما متفاوت باشد. به هر حال انگیزه‌ها و گرایشهای درونی مان در این راستا چندان فرقی با هم نمی‌کند. ما دوستار زیستن خود و دیگران هستیم. جهان ما، دنیایی پهناور است و دلیلی ندارد که ما در حیاطمان، آرامش و سازگاری را از هم سلب نماییم. به نظر ما آمریکاییها، خاورمیانه به وسیله همان بومیانی که در آن زندگی می‌کنند بهتر اداره می‌شود نه به وسیله امثال ما.

ما در پی جنگ و دعوا نیستیم و این راه حل نهایی نیست. ما می‌خواهیم صلح و همکاری در خاورمیانه حاکم شود، ولی تحقق این صلح برای حیات آنانی است که در خاورمیانه زندگی می‌کنند و در حیات آنان ما نباید مداخله ناموجه نماییم. خیلی دوست دارم عکس امضا شده شما را به رسم یاد بود داشته باشم. با دعای خیر.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۳۲۸

نویسنده: راس

از نیوزیلند هستم! به خاطر بی‌احترامی آمریکاییها از شما عذرخواهی می‌کنم.

از نیوزیلند به شما سلام می‌فرستم. سخنرانی محشری در دانشگاه کلمبیا داشتید. به خاطر بی‌احترامی آمریکاییها از شما عذرخواهی می‌کنم و بیشتر از همه شرمسارم. دیدگاه شما برایم جذاب بود. آیا می‌شود از دانشجویان دانشگاههای غرب به غیر از دانشگاه کلمبیا دعوت کنید تا از دانشگاههای ایران دیدن کنند؟ من بسیار مشتاقم برای مطالعه و ارتقا دانش و دیدگاه‌هایم به ایران سفر کنم و به نظرم شما می‌توانید برنامه‌ای طرح

کنید که دانشجویان غربی بتوانند به صورت مبادله دانشجو به مدت یکسال برای فرصت مطالعاتی به ایران بیایند. من بسیار مشتاق چنین برنامه ای خواهم بود. امیدوارم با این اقدام، زمینه ای به منظور تبادل نظر شرق و غرب برای نسل آینده فراهم شود تا از قطبی شدن دیدگاهها جلوگیری شود. همانطور که شما گفتید لله دست به دست هم به سوی آینده ای بهتر الله حرکت کنیم.

با تشکر

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۰۲۵

نویسنده: ریموند

آقای رئیس جمهور از پاسخ به برخی سؤالات طفره رفتید!
آقای رئیس جمهور؛ امروز صبح سخنرانی شما را در دانشگاه کلمبیا شنیدیم. رفتار خوبی با شما نکردند، ولی باید پیش بینی این اتفاق را می کردید. سؤالات زیادی از شما شد ولی از برخی سؤالات طفره رفتید. خواهشمندم به من و همسرم اجازه دهید برای آشنایی بیشتر با شما و همکارانتان و فیلم برداری از شهر و مردم تان به ایران سفر کنیم.

با تشکر

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۵۷۴۰

نویسنده: استیون

سلام بر شما! دوست داریم برای آشنایی با ملت بزرگ ایران به این کشور سفر کنیم.

سلام بر شما. من دانشجو هستم و در یکی از دانشگاههای کوچک

آمریکا علوم سیاسی و فلسفه می خوانم. هنگام دیدار از نیویورک، از شهروندان آمریکا برای دیدار از ایران دعوت کردید و من و تعدادی از دوستانم خیلی دوست داریم برای آشنایی عینی با ملت بزرگ ایران به این کشور سفر کنیم. امیدوارم حضرتعالی از این گونه مأموریتها در راستای تحکیم تفاهم و صلح بین المللی استقبال کنید. منتظر دریافت پاسخ شما هستیم.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۱۹۲

نویسنده: تام

جناب رئیس جمهور! با بیشتر سخنان بولینگر موافقم! اما از رفتار او بدم آمد.

جناب رئیس جمهور؛ من به عنوان یک شهروند آمریکایی با بسیاری از عقاید شما مخالفم و بر این عقیده‌ام که اظهارات شما همیشه نمی تواند در پیشبرد صلح جهانی مفید یا سازنده باشد، ولی روی هم رفته فکر می کنم رفتار بولینگر با شما از موضع ترس و حقارت بود. نخست از شما دعوت کرد و وقتی شما به دانشگاه رفتید شما را آماج انتقادات خود قرارداد، بی آنکه هنگام سخنرانی جسارت نگاه کردن به صورت شما را داشته باشد. رفتار او برای این موقعیت نامناسب بود. اگر چه با بیشتر اظهارات بولینگر موافقم ولی از رفتار او بدم آمد. معتقدم شأن کشور آمریکا بالاتر از چنین رفتاری بود، از این رو به عنوان یک شهروند آمریکایی از شما عذرخواهی می کنم. رفتار او نماینده همه ملت ما نیست و خودتان هم این را می دانید. در آخر اضافه کنم که دولت شما و بوش، از جنگی که اکنون در عراق است فایده ای نمی برند و اینکه چرا این دو دولت به گفت و گو نمی نشینند تا اختلافات همدیگر را حل کنند واقعاً بیچه گانه و خلاف اخلاق

است که هر روز می بینیم انسانها را به کشتن می دهند.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۲۷۱

نویسنده: تئون

جناب رئیس جمهور! من مسلمان نیستم، اما از شجاعت شما قدردانی می کنم. در کشورم هلند از حربه هولوکاست برای تخریب فرهنگ و غرورمان استفاده می کنند!

جناب رئیس جمهور؛ حضور شما در دانشگاه کلمبیا موفقیت خوبی بود. من مسلمان نیستم ولی دوست داشتم از جسارت شما و ایستادگی تان در برابر آمریکا قدردانی کنم. در کشور من ، هلند که جامعه ای چند فرهنگی است از حربه هولوکاست برای تخریب فرهنگ و غرور ما استفاده می کنند و می دانم که این روند به تدریج هرج و مرج خواهد آفرید و در پایان نظم دیگری در جهان پدید خواهد آورد. گاهی اوقات فکر می کنم دیگر کار از کار گذشته است.

به نظر می رسد رسانه های صهیونیسم و دولت صهیونیستی همه را شستشوی مغزی داده اند؛ اما رفتار افرادی مثل شما را می ستایم و امیدوارم در آینده، اوضاع بهتر شود و همه فرهنگها آزادانه به حیات خود ادامه دهند.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۵۸۵۲

نویسنده: گردن

به دنبال پیشنهاد شما، استدعا داریم برای تبادل اندیشه ها و گسترش ارتباط اقدام کنید.

ما دانش آموختگان دانشگاه یال در آمریکا طرحی برای ملاقات با

دانش آموختگان سایر کشورها تهیه کرده ایم. دوست داریم شناخت خود را از همدیگر تقویت کنیم. از حضرتعالی استدعا داریم برای تبادل اندیشه ها و گسترش ارتباط در این زمینه اقدام فرمایید. زیرا شما در سخنرانی دانشگاه کلمبیا در این زمینه پیشنهاد فرمودید و ما می خواهیم پیشنهاد شما را دنبال کنیم.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۵۹۵۳

نویسنده: رابرت جوردن

جناب رئیس جمهور! امیدوارم شأن میراث کهن و تاریخ پربر ایران پاس داشته شود.

جناب آقای رئیس جمهور؛ از اینکه با احساسات شما این گونه برخورد شد، عذر خواهی می کنم. سخنرانی شما را در کلمبیا با کلمات تند و شنیع مدام قطع می کردند و در اینجا به طور مستقیم با سؤال کنندگان روبرو شدید. اگر چه با رفتار بولینگر مخالفم، ولی رفتار ناشایستی که او با شما در پیش گرفت، ریشه در گذشته دارد. منظور بولینگر انتقاد از نظرات شما درباره هولوکاست بود که قبلاً آن را انکار کرده بودید. ایران دارای تمدن کهن و تاریخ پرباری است، امیدوارم شأن این میراث پاس داشته شود.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۸۳۹

نویسنده: توماس

جناب رئیس جمهور! اهانت‌های دردناک به شما ناشی از عملیات روانی رسانه های صهیونیستی است.

جناب رئیس جمهور؛ برای حضور در مراسم سخنرانی شما در کلمبیا

توانستم بلیت تهیه کنم ولی توانستم از طریق تلویزیون سخنان شما را گوش کنم. اهانت‌های دردناکی که دیدید ناشی از عملیات روانی رسانه‌های صهیونیستی بود؛ ولی با این حال استقبال بسیاری از مردم به من قوت قلب می‌دهد.

هولوکاست در شهر ما مسئله ساز شده است و به عنوان یک همکار دانشگاهی پیشنهاد می‌کنم راه جدیدی در پیش بگیرید و با حقیقت جویی بیشتر درباره عوامل حادثه یازده سپتامبر و ترویج این ایده در سطح جهان، صهیونیست‌ها را در تنگنا قرار دهید. تنها با این رویکرد است که جنایتکاران واقعی شناخته خواهند شد، لابی صهیونیستی افشا خواهد شد و ذهنیت ملت آمریکا دگرگون و از وقوع جنگ علیه کشورتان ایران پیشگیری خواهد شد و در نهایت ملت فلسطین نجات خواهند یافت. از حضرتعالی می‌خواهم درباره این پیشنهاد فکر کنید.

با احترام

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۶۹۱

نویسنده: آندریو

جناب رئیس جمهور! امیدوارم روزی بیاید تا نمایندگان منتخب آمریکا، عقاید و دیدگاه‌های ما را منعکس کنند.

جناب آقای رئیس جمهور؛ خداوند همراه شما و خانواده تان باشد. به خاطر دیدار از آمریکا از شما متشکرم. از طرف خود و بسیاری دیگر از شهروندان آمریکایی به ویژه نسل جوان تر که تقریباً هم نسل انقلاب ایران هستند، معتقدم که رفتار رئیس دانشگاه کلمبیا سرد و ناپسند بود و نماینده رفتار جمعی شهروندان آمریکا نبود. برخی از ما آمریکاییها که سقوط رژیم

قبل از انقلاب اسلامی را به یاد داریم ، از آن دوره تاکنون شاهد روابط سرد و بدون گفت و گو میان دو ملت ایران و آمریکا هستیم و آنهایی هم که از ما مسن تر هستند و در مناصب حکومتی از آن زمان خدمت کرده اند، شاهد این عدم ارتباط بوده اند. نسل جدید آمریکا درباره علت این وقفه سؤال بیشتری می کنند. امیدوارم روزی بیاید که نمایندگان منتخب ملت، بهتر عقاید و دیدگاههای ما را منعکس کنند و با جمهوری اسلامی ایران باب گفت و گو را بگشایند. از شما به خاطر منش سیاسی تان و به خاطر اینکه نظرات خود را به ملت آمریکا منتقل کردید، تشکر می نمایم. امیدوارم در آینده، فرهنگها و ملتهای ما شاهد صلح و دوستی باشند.

ارادتمند: آندریو شهروند ایالات متحده آمریکا

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۵۹۶۱

نویسنده: مایک

آقای احمدی نژاد! ما آمریکاییها و یا اکثریت ما، نیاز به رشد فکری داریم. درباره چیزهای حرف می زنید که بیشتر آمریکاییها درباره آنها هراس داشته اند.

احمدی نژاد گرامی؛ سلام مرا از ایالات متحده آمریکا پذیرا باشید. من یک شهروند پانزده ساله آمریکایی از طبقه متوسط هستم که در یک دبیرستان آمریکایی متوسط تحصیل می کنم. اخیراً از سفر تان به نیویورک به نحوی باخبر شدم. در حال حاضر من در نزدیکی منتهان زندگی می کنم و در یک کلام می خواستم به خاطر هدفی که برای این سفر در پیش گرفته اید از شما تشکر کنم. اگر واقعاً می خواهید بیشتر احساسات مرا درک کنید، مطالب زیرا را بخوانید. قبل از هر چیز، آمدنت را به آمریکا برای حل یک معضل بزرگ گرامی می دارم. به نظرم ما آمریکاییها و یا دست کم اکثریت

ما نیاز به رشد فکری داریم. شما فرد بزرگی هستید و درباره چیزهایی حرف می زنید که بیشتر آمریکاییها درباره آنها هراس داشته اند. واقعیت اینکه من یهودی ام، بله فرض کنید صهیونیست هم هستم ولی دلیلی ندارد مانند برخی دیگر از یهودیان اطراف خود، شما را به حماقت متهم کنم. بله، مطمئنم نظرات من با شما تفاوت دارد ولی باز هم معتقدم شما در جای خود صاحب عقیده هستید.

در حقیقت می خواهم به شما بگویم و حدس می زنم رسانه های اینجا به انحطاط رفته اند. شما لطف کردید به آمریکا آمدید تا مردم آمریکا را به فکر کردن وادارید. اگر بوش به همین کارها ادامه دهد، عراق، ویتنام یا افغانستان دیگری در راه است. آقای احمدی نژاد؛ به من باور داشته باش. همه ما از بوش نفرت داریم و می خواهیم کنار برود مانند بسیاری از کشورهای آزاداندیش دیگر.

ما همه از او بیزاریم و فکر می کنیم احمق است. به نظر من این کارها بیهوده است. آمریکا دولت عراق را سرنگون کرد و عراق قبلاً با ایران می جنگید ولی ایران هرگز نرفت که سر سازمان ملل فریاد بزند، ولی اکنون بوش و دولت وی به این نتیجه رسیده اند که رجوع به سازمان ملل مناسبت ترین روش است تا به دنیا بگویند که ایران برای جهان خطرناک است. من فکر می کنم اگر آمریکاییها معتقد به صلح باشند باید از سفر شما به نیویورک استقبال کنند نه این که جدال راه بیندازند؛ چون با این کار اوضاع بدتر می شود. به هر حال از این که وقت خود را صرف خواندن نامه من کردید متشکرم.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۵۹۸۶

نویسنده: ویلیام

جناب رئیس جمهور! بولینگر سخنگوی ما نیست و نمونه ای از بدترین شهروندان آمریکایی است. اگر می توانستم به صورتش تَف می کردم. جناب رئیس جمهور؛ عذرخواهی صمیمانه مرا بپذیرید. بولینگر رئیس دانشگاه کلمبیا به شما بی حرمتی و بی نزاکتی کرد. امیدوارم مرا درک کنید. جناب رئیس جمهور؛ بولینگر نمونه ای از بدترین شهروندان آمریکایی است و نمی تواند سخنگوی همه ما باشد. این رفتار وحشیانه ای بود که آمدند از رئیس جمهور یک مملکت دعوت نمودند و بعد به او هتاکی کردند. به همین مناسبت بسیاری از آمریکاییها از این بی حرمتی که به شما شد، پوزش می خواهند. شما رئیس جمهور کشوری هستید که در خاورمیانه جایگاه بسیار مهمی دارد. بسیاری از آمریکاییها مانند شما از بولینگر که فکر می کند نماینده یک دانشگاه و ارزشهای آن است، نفرت دارند و اگر می توانستم به صورتش تَف می کردم. بسیاری از ما آمریکاییها از جنگ متفریم و نمی خواهیم صدمه ای به ایران برسد. امیدواریم این دو کشور اختلافاتی که ما را از هم جدا کرده، حل و فصل کنند و به صلح و دوستی برسند. در پایان جناب رئیس جمهور؛ من با شما موافقم که بسیاری از رهبران جهان به قول خود عمل نکرده اند و می دانم که نمی توانید به سوخت هسته ای سایر کشورها بسنده کنید. افتخار می کنم که آمریکایی هستم.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۰۲۴

نویسنده: میشل

آقای احمدی نژاد! من زنی سیاهپوست و دارای مدرک کارشناسی ارشد هستم. هنوز هم شاهد تبعیض نژادی در جنوب آمریکا هستم. جناب آقای احمدی نژاد؛ ابتدا من بسیار افتخار می کنم که آمریکایی و

مسیحی هستم. من به حقوق دیگران از جمله آزادی بیان احترام می‌گذارم ولی با این حال برخی اعترافات در ایران نشان می‌دهد که در این کشور هنوز برخی آزادیها وجود ندارد. من دارای مدرک کارشناسی ارشد و داوطلب دوره دکتری هستم. نحوه رفتار رئیس دانشگاه کلمبیا مرا نگران کرد ولی در برخورد با این موقعیت خوب عمل کردید. من به عنوان یک زن سیاهپوست، هنوز هم شاهد تبعیض نژادی در جنوب آمریکا هستم و گروههایی هنوز در این کشور این ایدئولوژی را تقویت می‌کنند. سخنرانی شما می‌تواند مؤثر باشد؛ مخصوصاً برخی سخنان شما درباره آزادی زنان و حضور آنان در مدارس برای من تازگی داشت و خوشحال کننده بود. امیدوارم روزی به کشور شما سفر کنم و شناخت بیشتری از مردم و فرهنگ این کشور به دست آورم و آرزو می‌کنم که با رئیس جمهور آینده آمریکا برای صلح دو کشور به مذاکره بنشینید.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۴۹۵۰

نویسنده: اقبال

جناب رئیس جمهور! رفتار حکومت اسرائیل یادآور اعمال سفید پوستان آمریکایی با بومیان سرخ پوست است.

جناب رئیس جمهور؛ این سفر کلمبیا را مغتنم شمرده و مهربانی با مردم یهود را بازشناسیم. من مسلمانم که از دو سالگی در غرب زندگی می‌کنم و شخصاً تبعیضی را شاهد نبودم. در طی مطالعات دانشگاهی و اسناد و مطالب مستند درباره تاریخ معاصر، دریافتم که کشور ایران از دهه ۱۳۲۰ از حکومت آمریکا آسیب دیده است و نمونه آنها کودتای ننگین آمریکا علیه مصدق، نخست وزیر وقت و سپس جنگ تحمیلی هشت ساله عراق و ملت شما بود که مطمئناً هزاران کشته در پی داشت. این اعمال

نمونه ای از نفاق و دورویی برای بنیانگذاران سازمان ملل متحد است. من هم به نوبه خود در مصیبت فلسطین و استعمار بیدادگرایانه صهیونیسم، پاکسازی نژادی و اشغالگری با شما همدرد هستم. رفتار حکومت اسرائیل مرا به یاد اعمال سفید پوستان آمریکایی می‌اندازد که در سده‌های پیش چگونه با بومیان سرخ پوست رفتار می‌کردند. باعث سردرگمی است که آمریکا از یک طرف شما را به حمایت از حزب الله متهم می‌کند ولی به خود اجازه می‌دهد برای ظلم و خشونت سرمایه گذاری کند.

به عقیده من، از نظر اخلاقی هم تروریسم، هم خشونت و بیدادگری سازمان یافته دولتی و به تبع آن قوانین و جنگهای ناعادلانه ناموجه است. به نظر من، اخلاق عملی در اینجا به نیت حمله کنندگان بستگی دارد و به کاربردن الفاظی چون تروریسم وحشیانه یا جنگ تمدن توجیه کننده واقعیتها نیست.

جناب رئیس جمهور؛ بدانید که بسیاری از یهودیان آزاده جهان با من و شما هم عقیده اند. برای مثال، دانشور معروف لله‌نوام چامسکی‌الله از جمله کسانی است که فلسطینیان و بسیاری از آزادگان به او چشم امید دوخته اند و همچنین یکی از نویسندگان یهودی هالیوود به نام لله‌ایرا استیون بهرالله، از طریق یک فیلم داستانی تلویزیونی مصیبت ملت فلسطین و مسلمانان را بعد از یازده سپتامبر بیان کرده است و همچنین مصیبت تمام کسانی که به وسیله دولت آمریکا با خطر اشغال و تبعیض رودرو هستند. یکی از سریالهای داستانی او لله‌استارترک‌الله نام داشت که در بیان حال مصیبت دیدگان فلسطینی و مسلمانان تدوین کرده است. این نویسنده همچنین در فیلم نامه هایش تروریسم را واکنشی علیه ظلم و بیدادگری حاکمان می‌داند. وی از نویسندگان معروفی است که در بیان حال مستضعفان و محرومان جهان و

در اعتراض به زیاده خواهیهای سرمایه داری سخن می گوید. او از جمله روشنفکرانی است که از حساسیتهای مشکل ساز میان غرب و مسلمانان آگاه هست و می داند که در غرب چگونه از مسلمانان انسان زدایی می کنند.

من در زندگی شخصی ام، با یهودیان نیک سیرت و مهربان زیادی برخورد کرده ام که مرا و خانواده ام را هنگام مهاجرت به کانادا به جمع خود راه داده اند. در سال ۱۹۷۰، اعضای جامعه یهود انگلیس از پدرم مهمان نوازی کردند؛ در حالی که دیگران او را از خود می راندند. مادرم برایم تعریف کرده، وقتی ما در سال ۱۹۸۰ در کانادا در فقر می زیستیم، یک مرد مهربان یهودی با گشاده رویی البسه زن متوفای خود را تقدیم مادرم کرد.

در دوران دبیرستان، بهترین و بامحبت ترین دبیرانم یهودی بودند که هیچگاه قومیت و مذهب را به رُخم نکشیدند. آنان واقعاً با من از روی انصاف رفتار می کردند. حتی من یهودیانی را از خود اسرائیل و جوامع یهودی غرب دیده ام که از رفتار حاکمان یهود با ملت فلسطین بسیار افسوس می خوردند و همواره هم کیشان صهیونیست خود را به باد انتقاد می گرفتند. همانگونه که من از گروههای القاعده بیزارم آنان نیز از گروههای صهیونیست درون خودشان شکایت دارند.

من یهودیانی را در خیابانها به چشم دیده ام که کشتار مسلمانان لبنان را به دست نظامیان اسرائیل محکوم کرده و علیه اشغالگری مداوم آنان به اعتراض برخاسته اند. چنین یهودیانی از مهربانی و شهامت بهره برده اند. جناب رئیس جمهور؛ شاید شما در یک لحظه شتابزدگی و خشم ناخواسته، سخنی از هولوکاست به زبان آوردید و به نابودی اسرائیل هشدار دادید، جا دارد در موقعیتهای و فرصتهای پیش رویتان، با اظهارات جدید بر

ذهنیت یهودیان پرتو تازه‌ای بیفکنید. اظهار شما می‌تواند این گونه باشد که به حکم خدا و عقل، نیکان یهود را از بدان یهود بازمی‌شناسید و میانشان فرق قائل می‌شوید. برای مثال، جورج بوش به طور نامعقول به بهانه القاعده به تمام یک ملت حمله کرد به گمان اینکه القاعده بی‌شمارند. اقدام او برعکس بر شمار دشمنان تروریستش افزود.

بر همین اساس می‌توان چنین انگاشت که اگر یهودیان در گستره وسیع مورد تهدید و اتهام واقع شوند، نگاهشان به ایران و اوضاع خاورمیانه بدتر می‌شود و نسبت به ایران بدبین می‌شوند. ما باید به یهودیان میانه رو میدان بدهیم و از آنها استقبال کنیم که بر یهودیان طرفدار صهیونیسم چیره شوند و در همین راستا از آنان به عنوان هم‌پیمانان خود در پایان بخشیدن به اشغالگری و رهایی مسلمانان جهان کمک بگیریم و گر نه، دستیابی به تفاهم و صلح جهانی واقعی محقق نمی‌شود.

امیدوارم با اقدامات خود در این راستا ذهنیتی که رسانه‌های آمریکا درباره ایران ساخته‌اند، دگرگون شود و حضرت‌عالی نه تنها به مسلمانان بلکه به همه انسانهای نیک جهان در جهت صلاح و خیر بشریت توجه کنید. با تشکر.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۰۶۲

نویسنده: تامسون

از نیویورک هستم! به کار مفید خود ادامه دهید و درنگ نکنید!
من ساکن شهر نیویورک هستم. شهامت شما در سخنرانی برای ملت ما قابل تقدیر است و دو ملت ما نیازمند زمینه‌ای برای تفاهم هستند. امیدوارم و دعا می‌کنم که دیدار شما انگیزه‌ای برای شکل‌گیری تفاهم و گفت و گو میان و فرهنگ ایران و آمریکا باشد.

لطفاً تا تحقق این تفاهم از کوشش فروگذاری نکنید. صلح واقعی جهان در نسلهای آینده هنگامی محقق می‌شود که از همین حالا بذر آن را بپاشیم تا به زودی درو کنیم. اکنون با حضور شما، فرصت مغنمی است. به کار مفید خود ادامه دهید و درنگ نکنید.

شماره نامه: ۳۹۵۰۹۵

نویسنده: کلیف

رئیس جمهور محترم! من دانشجوی ۲۴ ساله آمریکایی و ساکن پنسیلوانیا هستم؛ انرژی هسته ای حق مسلم شماست!

آقای احمدی نژاد، رئیس جمهور محترم؛ من دانشجویی ۲۴ ساله آمریکایی هستم. سفر شما به این کشور و سخنرانی تان در سازمان ملل را تبریک می‌گویم. با شما هم عقیده‌ام؛ جورج بوش و دولت‌م روی هم رفته از موضع قدرت با شما و کشورتان برخورد می‌کنند. با ادعای جورج بوش مبنی بر اینکه ایران سلاح هسته‌ای تولید می‌کند، مخالفم. من اهل پنسیلوانیا هستم، بدین خاطر نتوانستم در سخنرانی شما حضور پیدا کنم. انرژی هسته‌ای حق شما هم می‌باشد. آمدن شما به آمریکا از چند جهت خوشحال کننده است: نخست قبل از هر چیز نشان دادید که از ابرقدرتها نمی‌ترسید، دوم آنکه دولت آمریکا در زمینه گفت و گو نباید از دولت دیگر بترسد و رعب ایجاد کند. کار خوبی کردید که برای گفتگو به اینجا سفر نمودید. به نظر من، گفتگو یکی از روشهای بنیادی برای ایجاد تفاهم میان کشورهاست. جناب آقای احمدی نژاد؛ من کاملاً با شما در زمینه مسئله هسته‌ای موافقم و دولت ما از روی توهم و ناآگاهی شما را متهم به ساخت سلاحهای هسته ای می‌کند. امیدوارم گفت‌وگوهای شما در سازمان ملل متحد و کلمبیا سازنده باشد. اگرچه با بسیاری از عقاید شما موافق نیستم، اما به گفتگو اهمیت می‌دهم و از نظر شما دربارهٔ مفید بودن انرژی هسته استقبال

می‌نمایم. سفر خوبی داشته باشید. امیدوارم سفر شما، اذهان برخی را که در تاریکی است، روشن کند.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۰۹۷

نویسنده: دوکومون

نامه شما به مردم آمریکا را خواندم و سفرتان به کلمبیا را دنبال کردم! از قوت اراده‌تان در شناخت راستی و ناراستی تشکر می‌کنم.

سلام. من از خوانندگان دیرین نشریهٔ Nation هستم که نشریهٔ غیر حزبی است. در این نشریه نامه سرگشاده شما به مردم آمریکا را در چند ماه پیش خواندم و از آن زمان تا سفر اخیر شما به کلمبیا، وقایع ایران و شما را دنبال کرده‌ام. از قوت اراده و استواری‌تان در شناخت راستی و ناراستی تشکر می‌کنم. به نظر من و بسیاری دیگر در آمریکا، واقعهٔ یازده سپتامبر باید مورد تحقیق و ریشه‌یابی قرار گیرد. به نظر شخصی من، این واقعه بهانه‌ای برای مجوز حمله نظامی آمریکا بود. برای شما و کشورتان آرزوی توفیق هرچه بیشتر می‌کنم. امیدوارم این واقعیت را بپذیرید که یک اقلیت منتخب در صدر جامعه، نمایندهٔ همه ملت آمریکا نمی‌باشد.

با احترام

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۸۵۹

نویسنده: لنارد

جناب رئیس جمهور! چرا آمریکا و ایران به صلح نمی‌رسند؟! جناب رئیس جمهور؛ من با علاقه سخنان شما را در دانشگاه کلمبیا و نیویورک دنبال کردم. نمی‌دانم چگونه از شما بپرسم که چرا شما دو کشور ایران و آمریکا هنگام گفتگو به جای زمینه‌های مشترک، همیشه از اختلافات

دم می‌زنید و به صلح نمی‌رسید؟ نظریات شما برای خودتان و کشورتان محترم است ولی به نظر من، کشور اسرائیل هم دارای موجودیت خاص خود می‌باشد؛ چون سازمان ملل متحد است که موجودیت کشورها را تشخیص می‌دهد. امیدوارم روزی بتوانم به کشور شما سفر کنم و بیشتر با ملت بزرگ شما صحبت بکنم. برای شما آرزوی توفیق می‌کنم. خدا نگهدار شما باشد.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۶۲۱۵

نویسنده: اما

جناب رئیس جمهور! من با عقایدتان مخالفم! اما حین سخنرانی شما به جملاتی برخورددم که ذهنم به آن مشغول شده است.

جناب رئیس جمهور؛ من با بسیاری از عقاید شما که در سخنرانی‌تان ایراد کردید، مخالفت دارم؛ اما در حین سخنان شما به جملاتی برخورددم که ذهنم را مشغول کرده است. شما اظهار داشتید که بشر چه لزومی به جنگ و نزاع دارد و چرا کشورها همدیگر را تهدید کنند و امنیت را به خاطر بیندازند؟

این اظهارات شما جالب بود، اما امیدوارم در دنیای امروز همان جنگ‌هایی که از صدر اسلام امنیت بشر را به خطر انداخته و به نام جهاد جان بسیاری از انسانها را فدا کرده، دیگر تکرار نشود. در حال حاضر در برخی از کشورها، جنگ‌هایی برسر مذهب و اعتقاد و به نام جهاد در جریان است، باشد که سخنان شما زمینه‌ای برای پایان بخشیدن به این جنگها و نزاعها فراهم آورد و اسلام عاملی برای ایجاد امنیت و صلح گردد، نه جنگ و خونریزی.

امیدوارم در جهان پیرامون مان که جنگها و انسان‌کشی‌ها بیداد می‌کند

با سخنان صلح آمیز شما تناقض نشان ندهد و اظهارات شما از جمله ترفند ها و سخنان فریبنده برخی رهبران سیاسی نباشد.

□ □ □ □ □

شماره نامه: ۳۹۵۹۸۵

نویسنده: ماریا

آقای رئیس جمهور! رفتار تعداد محدودی از آمریکاییها را مبنای قضاوت قرار ندهید.

جناب آقای احمدی نژاد، رئیس جمهور گرامی؛ برای ایجاد زمینه گفت و گو میان ایران و آمریکا، شما را به ادامه تلاشهایتان تشویق می کنم. شاید از نظر دولت آمریکا برخی سیاستهای شما نامناسب باشد، اما لازم است میان این دو ملت مناسبات و ارتباط دیپلماتیک ایجاد شود. به خاطر رفتاری که در دانشگاه کلمبیا به شما نشان دادند، عذرخواهی می کنم. اگر چه تفاوتها میان دو کشور وجود دارد ولی احترام و دیپلماسی همیشه جای خود را دارد. توصیه من این است که از توانایی خود برای دفاع از حرمت ایران و گسترش روابط دیپلماسی با سایر جهانیان دریغ نکنید. امیدوارم که در سال ۲۰۰۸ با سرکارآمدن رئیس جمهور جدید آمریکا، مناسبات میان دو کشور بهبود یابد و فصل جدیدی در دیپلماسی آن دو گشوده شود.

صبر و خویشتنداری شما را تحسین می کنم و امیدوارم تا آینده نزدیک به تلاش خود ادامه دهید. خواهشمند است رفتار تعداد معدودی از شهروندان آمریکایی را مبنایی برای قضاوت درباره همه آمریکاییها قرار ندهید.

□ □ □ □ □

نامه چند تن از شهروندان آمریکایی به سردبیر روزنامه لس آنجلس
تایمز درخصوص واقعه کلمبیا

نویسنده: جری اسو رئیس از وودلند هیلز
متعجبم که والدین بولینگر او را چگونه تربیت کرده‌اند؟! آیا بزدلی و
بی‌ادبی موجب بزرگی آمریکا خواهد شد؟!
احمدی نژاد با دعوت خود به دانشگاه کلمبیا نرفت، بلکه او را به آنجا
دعوت کردند و رئیس دانشگاه مذکور از وی دعوت نمود. اصول ادب و
نزاکت حکم می‌کند وقتی از کسی دعوت
می‌شود، میزبان حرمت مهمان را پاس بدارد. میزبان پس از آن که
مهمان را به خانه خود کشاند، او را آماج اهانت‌های خود قرار داد و دیکتاتور
کوتاه نظر صدایش کرد و او را به طور شگفت آمیزی لله‌ناآزموده‌الله خواند.
رئیس دانشگاه کلمبیا یک ترسوی توطئه‌گر است که از ادب بویی نبرده
است و متعجبم که والدین او چگونه وی را تربیت نموده‌اند. بعد پرزیدنت
بوش در فاکس نیوز اعلام کرد این اظهارات بزرگی آمریکا را نشان داد. آیا
بزدلی و بی‌ادبی باعث بزرگی آمریکا می‌شود؟ باور نمی‌کنم که مردم

آبرومند آمریکا با وی موافق باشند.

□ □ □ □ □

نویسنده: ادوارد سینگر از سانتا مونیکا

دانشگاه کلمبیا و هیأت تحریریه لس آنجلس تایمز نیاز به پختگی و رشد دارد!

سرمقاله شما با درایت نگاشته نشده بود. وقتی یک رهبر سیاسی ولو با اختیار، ابزار و انگیزه سخنان شرارت آمیز اظهار کند، شایسته نیست با او مضحکانه برخورد کنید. دانشگاه کلمبیا و هیأت تحریریه شما نیاز به پختگی و رشد بیشتری دارد. آنها که کار گذشته تر هستند بهتر می دانند و تشخیص می دهند که یک مرد کج اندیش در جهان چقدر تنفر ایجاد می کند. شما مزاح گویی را در کلوپهای نمایشی نشان دهید نه در جاهایی که اصطلاحاً محافل آموزش عالی به شمار می آیند.

□ □ □ □ □

نویسنده: دو گلاس. ال . هال از لس آنجلس

حقیقت ابزارخشم رئیس جمهور ایران به آمریکاییها چیست؟

می توان با مستبد و کوتاه فکر خواندن رئیس جمهور ایران، خیال خود را راحت کرد اما آنچه که باعث شگفتی می شود این است که چرا او خشم و غضب خود را به آمریکا نشان می دهد؟ آیا به خاطر این نیست که سازمان سیا در کودتای سال ۱۳۳۲ در ایران نقش داشته است؟ آیا نمی تواند به این دلیل باشد که دولت ریگان با همکاری دیک چنی وزیر دفاع وی، اطلاعات جنگی مهمی را در اختیار صدام حسین می گذاشت و او با گازهای شیمیایی سمی، بسیاری از سربازان ایرانی را مورد حمله قرار می داد؟ شاید من ساده اندیش باشم اما فکر می کنم دولت ما به جای اینکه رهبران خودکامه و کوتاه فکر را به جان هم بیندازد، بهتر است عایدات

مالیاتی را در جهت بهبودی زندگی و کشورمان صرف کند.

□ □ □ □ □

نویسنده: هرال د بربنک

آقای رئیس جمهور؛ آمریکا در جنگ و اشغال افغانستان و عراق به قوانین بین‌المللی و قعی نهاده است.

ریاست محترم جمهور، جناب آقای احمدی نژاد؛ به عنوان یک شهروند آمریکایی از اهانتی که رئیس دانشگاه کلمبیا- آقای بولینگر - در محل دانشگاه نسبت به شما و مردم ایران روا داشت، عمیقاً اظهار تأسفم می‌کنم. همانگونه که شما در پاسخ خود به حق خاطر نشان ساختید این رفتار مغایر شأن و رسالت یک دانشگاه بزرگ است.

آقای بولینگر در شرایطی خاص شما را مورد اهانت و پیش‌داوری یک جانبه قرارداد و عمل وی گستاخانه، خودخواهانه و توهین آمیز بود. او حق نداشت با شما یا مردم ایران برخوردی این چنین داشته باشد و مطمئناً اگر او انسان شایسته و معتقدی می‌بود، باید عذرخواهی می‌کرد.

اینجانب از هواداران سازمان مردم نهاد (NGO) لله پیش کسوتان صلح‌الله در سازمان ملل متحد هستم؛ واقعاً این مسئله که دو کشور ایران و آمریکا قادر نیستند به روابط دیپلماتیک بهتری دست پیدا کنند، مرا نگران ساخته است. من همواره از بیانات شما دفاع نموده‌ام و بیان داشته‌ام که شما علی‌رغم آنچه مطبوعات ما و دیگران عنوان می‌کنند خواستار نابودی و محو اسرائیل نبوده‌اید و اگر چه عمیقاً به عقاید شما درباره هولوکاست علاقمند هستم، اطلاع دارم که شما علی‌رغم ادعای برخی افراد، هولوکاست را واقعه‌ای مستند دانسته‌اید. این دفاعیات را قبل از حضور شما در دانشگاه کلمبیا - از طریق ایمیل - برای آقای بولینگر هم فرستادم که سودی نداشت. تابستان سال گذشته چندین بار برای شما و دولت ایران نامه نوشتم و

در کمال تعجب احساس کردم که شما به من پاسخ گفتید اگر چه نه به صورت شخصی. در بهار گذشته به همراهی وکیل زبردست حقوق بشر، فرانسیس.ا.بویل (Boyie.A Francis) به دلایل مذهبی خواستار آزادی سربازان انگلیسی شدم که توسط نیروی دریایی ایران در خلیج فارس دستگیر شده بودند و شما آنها را آزاد نمودید. در اواسط سال ۲۰۰۷ از شما درخواست کردم تا موضع خود در قبال آمریکا را روشن نمایید و در نهایت تعجب، دو هفته بعد شما همین کار را کردید. من درخواست‌هایم را از طریق نمایندگی ایران در سازمان ملل برای شما فرستادم.

باتوجه به وقایع اخیر، مایل هستم پیشنهاد یک گفتگوی رسمی با مرکز مردم نهاد صلح سازمان ملل و نیز همکاری با غرب و خصوصاً کشور آمریکا را مطرح نمایم. آیا برای اعضای الله‌سازمان مردم نهاد پیش کسوتان صلح لله واقع در آمریکا امکان ملاقات با ایثارگران جنگ در ایران وجود دارد تا در مورد گردهمایی جانبازان و بازماندگان جنگ در سراسر دنیا بحث و تبادل نظر نمایند؟ من در حال حاضر به دنبال یافتن راه نفوذی به مجلس نمایندگان آمریکا هستم تا به جنگها و اشغالگریهای آمریکا در عراق و افغانستان پایان داده و قوانین بین‌المللی حقوق بشر و سازمان ملل را برای بازسازی عراق به کارگیرم و تمامی مسائل تنش‌زا را در منطقه حل نمایم. در واقع من بر علیه حاکمیت فعلی در آمریکا اعلام جرم نموده‌ام؛ چرا که در این جنگها آنان از منشور سازمان ملل، اصول نورنبرگ و کنوانسیون ژنو و نیز قانون اصلی آمریکا عدول نموده‌اند؛ معاهداتی که باید مورد احترام قرار بگیرد و به عنوان قوانین اصلی ایالات متحده محترم شمرده شود. نمی‌خواهیم بگوییم کشورهای خاورمیانه و سایر ملتها به چنین استانداردهای بالایی نیازمند نیستند بلکه منظور ما این است که آمریکا در جنگ و اشغال افغانستان و خصوصاً عراق به قوانین بین‌المللی که برای

دفاع از حقوق بشر قرارداد شده، وقعی ننهاده است. اینجانب شخصاً اعتقاد دارم که چنین حقوقی در صورتی که برای حفظ حقوق بشر باشد جنبه الهی پیدا خواهد کرد؛ همچنان که در قانون اساسی آمریکا از این دسته قوانین عالیه وجود دارد.

خوشحال می‌شوم که نظر شما و دولت ایران را در این زمینه بدانم. امیدوارم کنفرانس بازماندگان جنگ چه در ایران برگزار شود و چه آمریکا - برای بررسی این قوانین و فرهنگ پیرامون آن - مورد علاقه و توجه شما قرار بگیرد.

من هر روز برای ایجاد صلح بین دو ملت ایران و آمریکا و تمامی مردم روی کره زمین دعا می‌کنم و امیدوارم شما نیز دعا کنید. من پذیرفته‌ام که حضرتعالی در ظاهر امر به خداوند ایمان داشته و آرزوی یک صلح حقیقی و پایدار را در خاورمیانه دارید. من متعهد می‌شوم که سازمان مدافعان صلح با ۵۰۰۰ عضو از بازماندگان جنگ آمریکا از جنگ جهانی دوم تاکنون و جنگهای عراق و افغانستان در هر فرصتی که شما و کشورتان صلاح بدانید در زمینه صلح با ایران همکاری خواهد نمود.

در انتها ایمیلی که امروز بعد از ظهر برای رئیس دانشگاه کلمبیا فرستاده‌ام را پیوست می‌نمایم. از بذل توجه شما سپاسگزارم و منتظر پاسخ شما هستم. امیدوارم فردا در سازمان ملل سخنرانی خوبی داشته باشید.

ارادتمند: هرالد برینک - وکیل دعاوی،

توصیه شده جرج دبلیو بوش در دانشکده حقوق و
نماینده تام الاختیار سازمان پیشکسوتان صلح آمریکا

بیانیه‌های اعتراض آمیز نسبت به رفتار بولینگر با رئیس جمهوری ایران

۱. بیانیهٔ اعتراض آمیز هرالده برینک (وکیل آمریکایی) از هواداران صلح و جامعهٔ مردم نهاد سازمان ملل متحد می‌خواهم راه خود را از ماجرای کلمبیا جدا کنند.

جناب آقای بولینگر، ریاست محترم دانشگاه؛ از اینکه در ابتدا برای دعوت احمدی نژاد به کلمبیا طرفداری کردید، جای تحسین دارد اما به خاطر خودباختگی شما و اهانت ورزی به آن مقام، از شما گله مندم. شما با این حرکت، یک گردهمایی جهانی را به صحنهٔ نمایش قدرت بدل کردید که برای یک محفل واقعی علمی، نامقبول است. اینجانب در شأن و جایگاه یک وکیل و نمایندهٔ سازمان ملل متحد به عنوان هوادار صلح، با اظهارات شما که از روزنامه نیویورک تایمز برگرفته ام و به ترتیب خدمت حضرتعالی خطر نشان می‌کنم، سخت مخالفم:

لله خطاب به همهٔ آنانی که معتقدند نباید این برنامه در دانشگاه کلمبیا اتفاق می‌افتاد و این گردهمایی مناسبتی با دانشگاه نداشت، باید بگویم که نظرشان را درک می‌کنم و معتقدم که حرف معقولی زده اند.

اما به عقیده من، نظر آنان معقول نیست. مهم آنست که اگر شما خود را دانشگاهی می دانید همان طور که خودتان هم گفته اید، وظیفه تان تحقیق بی غرضانه برای کشف حقیقت است؛ اما مخالفان نظر احمدی نژاد چه اسنادی دارند تا آن را ارائه کنند؟ اگر هم دارند غالباً غیرقابل اعتماد است و دانشگاه کلمبیا هم بر آن واقف می باشد.

لله بولینگر به خاطر اظهار نظر احمدی نژاد که هولوکاست را لله افسانه ای ساختگی لله توصیف کرده بود، برآشفست و احمدی نژاد را وقیحانه لله جنگ افروز لله و در کمال تعجب لله ناآزموده لله خواند. بولینگر دانشگاه کلمبیا را مرکز جهانی مطالعات یهود خواند در حالی که از سال ۱۹۳۰ ملجأ و پناهگاه یهودیان بوده است. وی آنگاه، هولوکاست را مستندترین رویداد در تاریخ بشر خواند.

حتی هم اگر این طور باشد، به نظر من، نظر احمدی نژاد درباره هولوکاست نیاز به تحقیق بیشتری دارد تا نتایج دقیق تری به دست آید. ممکن است بازنگری در هولوکاست کار ساده ای نباشد، اما یک دانشگاه نباید بدون اسناد آشکار، جایگاه تحقیق را پایین بیاورد. آیا شما اسنادی برای ادعای خود دارید؟ بطور مسلم، قصد این گردهمایی تهیه اسناد یا جدال بر سر آن نبود، از این رو سخنان شما در وجه ظاهری خود، رسوایی به بار آورد.

لله آقای بولینگر خطاب به احمدی نژاد گفت: لله جناب رئیس جمهور، شما علائم یک مستبد کوتاه نظر و خشن را دارید و حال از شما می پرسم چرا زنان کیش بهائیت، همجنس بازان و بسیاری از دانشگاهیان در کشورتان این گونه مورد تعقیب قرار می گیرند؟ لله

به نظر من تکبر محض است، آیا دانشگاه کلمبیا هدفش از دعوت احمدی نژاد این بود که به او اهانت کند؟ چه چیز شما را واداشت تا در

مقام قاضی و داور ظاهر شده و دربارهٔ این امور اظهار نظر کنید؟
لله شما (بولینگر) اظهار داشتید که احمدی نژاد برای آنکه اذهان عموم را از مدیریت سوء و ناشایست کشورش منحرف کند، مسئله مواجه هسته ای با غرب را در دستور کار خود قرار داده است. آنگاه به احمدی نژاد پیشنهاد کردید هیأتی از دانشگاهیان را برای بیان آزادانه، راهی ایران کند تا آنها هم بتوانند مثل احمدی نژاد که امروز آزادانه سخن می گوید، در ایران حرفشان را بزنند.

من تردید دارم، مسلماً هنگام دعوت از احمدی نژاد، شما تا اندازه ای تحت فشار بوده اید. چه لزومی داشت از روی خودخواهی احمدی نژاد را مدیری نالایق خطاب کنید؟ همه آنانی که مسائل ایران را تعقیب می کنند، می دانند احمدی نژاد رهبر کشور ایران نیست، بلکه به طور مسلم رهبر ظاهری ایران است.

لله بولینگر افزود که امیدوار است سخنان وی باعث رنجش خاطر کسی نشود و از مخاطبان خواست در برابر ذهنیت شرارت، شهادت فکری و احساسات خود را حفظ کنند.

باید پرسیم چه کسی اهل شرارت است. شما، احمدی نژاد یا بوش؟
کدامیک؟ عرصه

شرارتها پهناور است و مختص یکی نیست.

لله آقای بولینگر در خاتمه می افزاید: لله آقای رئیس جمهور! صادقانه و با جدیت تمام، باید بگویم که شما از آن شهادت فکری لازم برخوردار نیستید که به سوالات من پاسخ بگویید، چون خودداری شما از پاسخ، به نوبه خود برای ما معنی دار است. انتظار ما از شما این است که آن نیات تحجرآمیز و متعصبانه تان را که در پس گفته ها و کردهایتان پنهان است، آشکار سازید. لله

به نظرم اهانت آمیز است. جسارت تا این حد که این سؤالات را پرسید! شما و دانشگاه کلمبیا یک نمایش زورآزمایی راه انداختید. اگر در ایران بودید با شما این گونه رفتار نمی شد.

لله بولینگر از احمدی نژاد پرسید: الله چرا شما از سازمانهای ثبت شده تروریسم که همچنان صلح و دموکراسی منطقه را به آشفتگی می کشانند و حیات و اجتماع مدنی مردم را تخریب می کنند، حمایت می نمایید؟ الله اما من از شما می پرسم: آیا شواهدی دارید که احمدی نژاد از این سازمانها حمایت کرده است؟ آیا شما در مقامی هستید که بگویید چه کسی تروریست است؟ چه کسی مبارز آزادی است؟ چه کسی برای صلح و یا برای دموکراسی تلاش می کند؟ شما اسنادی متقنی برای دفاع از ادعاهای خود ندارید و این امر در مفهوم آکادمیک، یک سویه نگری و پیش داوری تلقی می شود.

این سیاست ۱۰۱ است و دیدگاه شما مسلماً متوجه جمع زیادی از مخاطبان مردمی غرب گردید و یک نگاه دانشگاهی و یا به طور مسلم یک نگرش حقوقی صرف نبود. وقتی قرار است کسانی را به جرم خیانت متهم سازید بایستی به شیوه یک وکیل که اختیارات قانونی دارد به متهمان فرصتی بدهید تا با شواهد و روبرو شوند نه با فرضیات.

لله شما به احمدی نژاد گفتید: الله امروز بارسنگینی که بر دوش دنیای مدرن و متمدن کنونی است، احساس کردم انزجار خود را به مواضع شما ابراز می کنم. تنها آرزویم، انجام وظیفه بهتر در این راستاست. الله

مضحکانه است، مگر شما و دانشگاه کلمبیا همان طوری هم که آقای احمدی نژاد اخیراً اظهار کردند، نماینده تمام جهان هستید! جهان متمدن و مدرن کدام است؟ موضع و جایگاه احمدی نژاد در این میان کجاست؟ ماهیت فکری و اخلاق این اقدام جسورانه در برخورد با احمدی نژاد،

چیست؟ جهان غرب، احمدی نژاد را رودرو با غرب به خصوص آمریکا می بیند زیرا آمریکا علیه ایران بارها دسیسه چینی کرده، منشور سازمان ملل متحد و اصول نورنبرگ و همچنین معاهدات ژنو را با راه انداختن جنگ عراق و کشور هم مرز آن افغانستان، زیر پا نهاده است. باز هم سیاست ۱۰۱. عمق انحطاط آمریکا و غرب در سیاست جهانی کردن خاورمیانه، بایستی هنوز به وسیله محققان بررسی و ثبت شود. آمریکا و غرب همیشه معیارهای منصفانه علمی و مشروع را برای تحقق وعده های فرهنگی و دموکراتیک خود در خاورمیانه به کار نبسته اند و بیشتر آزمونهای آنها به شکست انجامیده است.

رفتار احمدی نژاد به خاطر خونسردی، دفاع مشروع در خاورمیانه و هر جای دیگر قابل تحسین است.

آقای احمدی نژاد افزود: لله... و تلاش برای واکسینه کردن اساتید و دانشجویان!!، این متن بیش از این که خطاب به من باشد، خطاب به حاضرین در این مکان بود. در یک محیط دانشگاهی ما باید به مردم اجازه اظهار نظر بدهیم، اجازه گفت و گو بدهیم تا سرانجام حقیقت توسط همگان روشن شود لله.

آقای احمدی نژاد این گونه آغاز کرد: لله در ابتدا باید از شخصی که این بیانیۀ سیاسی را علیه من خواند، گلایه نمایم. در ایران رسم است وقتی شخصی را به عنوان سخنران دعوت

می کنیم در حقیقت به اساتید و دانشجویان خود احترام گذاشته ایم
...الله

در پایان یادآور می شوم که اینجانب در مقام یک وکیل آمریکایی که زندگی خود را وقف حقوق بشر کرده و به اصول قانون اساسی و آرمانهای سیاست جوانمردانه آمریکا ارزش می گذارد، علت رفتار شما را با رئیس

جمهور و نماینده فعلی ایران، آقای احمدی نژاد درک نکردم و در اینجا نارضایتی خود را از این نحوه برخورد که غیرشرافتمندانه، حرمت شکنانه و نامعقول بود، اعلام می‌دارم. رفتار شما برخلاف همه ارزشهایی بود که در هنگام دعوت دانشگاه کلمبیا از احمدی نژاد مطرح کرده بودید. حالا این طور به نظر آمد که دانشگاه کلمبیا فاقد این ارزشهاست و این دانشگاه برخلاف تصویری همگانی که از علاقه به حل منازعات ساخته اند، ظاهراً علاقه ای به حل منازعه ندارد و این طور بر می آید که این گروه از تبادل آزاد عقاید حمایت نمی کنند و به آزمون براساس مستندات و شواهد وقعی نمی گذارند؛ بلکه برای تخریب و رسوایی شخصیتها، این گروه‌های یکسویه را ترتیب می دهند.

من از کلیه هواداران صلح و جامعه مردم نهاد سازمان ملل متحد می‌خواهم، به خاطر رفتار

وقیحانه امروز، راه خود را از ماجرای کلمبیا جدا کنند. اکنون به حیثیت و اعتبار شما هواداران صلح در سازمان مردم نهاد، خدشه وارد آمده است. هرالد برینک، وکیل مدافع و عضو هواداران صلح آمریکا و نماینده امور دینی و سیاسی در برقراری صلح

۲. بیانیه اعتراض آمیز هیأت علمی دانشگاه کلمبیا

لله (منبع: روزنامه نیویورک سان مورخ ۲۳ نوامبر ۲۰۰۷)

ما به نمایندگی از خیل عظیم در حال رشد دانشگاه کلمبیا معتقدیم که بولینگر ریاست این دانشگاه، تا کنون از اصول بنیادین که شالوده دانشگاه را تشکیل می دهد؛ مخصوصاً آزادی و استقلال دانشگاهی حمایت مؤثری به عمل نیاورده است. فعالیت ما اعضای هیأت علمی بر مبنای آزادی دانشگاهی نهاد شده است و وظیفه ما آموزش، تولید دانش و حفظ ظرفیتهای

انتقادی گسترده در سطح جامعه است. این اصول در میان سایر ارزشها، استقلال دانشگاه را در برابر تهدیدها و فشارهای بیرونی تأمین می کند. نقش قاطع هیأت علمی در مدیریت دانشگاه، علاوه بر تدوین برنامه های آموزشی و پژوهشی، مصون نگه داشتن صدارت دانشگاه و حریم تصمیم گیری ارتقابخش آن از شائبه ها و علائق بیرونی است. با این نقش قاطع، محیطی پدید خواهد آمد که تبادل عقاید را در کامل ترین و آزادترین شکل ممکن سازد. وقایع چند ساله اخیر یک بحران اعتماد را در کانون مدیریت پدید آورده و حمایت از این اصول را سست و کم رنگ ساخته است.

ما نکات زیر را به طور اخص متذکر می شویم:

۱. در برابر گروه های بیرونی که در چند سال اخیر به طرز چشم گیری کوشیده اند برخی اعضای هیأت علمی را مورد بی حرمتی قرار دهند و درباره مسائل مجادله آمیز و چگونگی پرداختن به آنها پی گیری کنند، مدیریت دانشگاه به طور صریح، مطلبی در برابر این مداخلات اظهار ننموده است؛ در حالی که رئیس دانشکده برنارد، در برابر عوامل بیرونی که قصد ایجاد تزلزل در تصمیمات مدیریت دانشکده را داشتند، بیانیه صریحی صادر کرد و مداخلات آنها را رد کرد.

۲. ریاست دانشگاه پیرامون مشکلات کلیدی زیر، بدون مشورت آشکار با اعضای هیأت علمی تصمیم گیری می کند: جهانی شدن دانشگاه، تأسیس شبکه های دانشگاهی اقماری در سایر کشورها، مسئله افزایش گسترده دانشجویان دوره کارشناسی، کاهش شمار دانشجویان تحصیلات تکمیلی، پذیرایی از سخنرانان صاحب نظر و اهل مباحثه، کاهش نسبی در رشته های علوم انسانی و سایر مسائلی که در دستور کار هیأت رئیسه دانشگاه قرار دارند و ما اعضای هیأت علمی هنگامی از تصمیمات آگاه

می‌شویم که اتخاذ شده‌اند.

۳. سخنان تند و گزنده رئیس دانشگاه هنگام دیدار احمدی نژاد، رئیس جمهور خ ایران) حیثیت این دانشگاه را لکه دار ساخت. وی با سخنانش فضایی را تحریک می‌کند که گفتار فتنه انگیز جای مباحثه باز دانشگاهی را بگیرد. اظهارات او در ابتدای مراسم دیدار، نه تنها خلاف ادب و نزاکت و مؤید یک بدآموزی بوده، بلکه دانشگاه را هم ردیف سیاست بوش در جنگ عراق قرار می‌دهد. چنین نگرشی مورد تنفر بسیاری از اعضای جامعه دانشگاهی است.

۴. رئیس دانشگاه به طور علنی به نام دانشگاه مخصوصاً در مورد سیاستهای خاورمیانه، مواضع سیاسی جانبدارانه ای را اتخاذ کرده است؛ بی آنکه صلاحیت کارشناسی مسلمی در این حوزه داشته و با استنادی که در این زمینه سابق آموزش و پژوهش دارند، مشورتی کرده باشد. نگرش سیاسی را با نگرش دانشگاهی آلودن، امری نامقبول است. بنابه اعتقاد اینجانبان اعضای هیأت علمی، زمان آن فرا رسیده که با آزادی دانشگاهی و استقلال دانشگاهی تجدید عهد نماییم و ریاست دانشگاه هم به نوبه خود روشن کند که دیگر مدیریت دانشگاهی از اصول دانشگاهی چشم پوشی نمی‌کند و در آنها دخالتی روا نخواهد دانست.

خ اسامی امضا کنندگان بیانیه مذکور به قرار ذیل است:

نادیا ابوالحاج، لیلا ابولوگحد، قیصر الاوقاطی، پل آندرر، مارک اندرسن، جیل آندیجار، زینب بهرانی، اکیل بیلگرامی، ریچارد بیلوز، الیزابت بلاک مار، پارتا چاترجی، لویس کل، جناتان کل، الین کومز شیلینگ، سوزان کرین، جناتان کراری، جوری کراو فرد، حمید دهباشی، پاتریسیا دیلی، تام دیپرت، برنت ادواردز، اریک فز، آثرون فاکس، کاترین فرانک، ویکتوریا دوگرازا، پیچ فرتونا، ستون گرگوری، ویلیام هریس، آندریاس هویسن،

رشید خالیدی، آلیس کسلرهریس، ماریلین ایوی، بریان لارکین، لیدیا لیو، سیلور لودرینجر، محمود ممدانی، پتر مارکوزه، رینهولد مارتین، مارک مازور، ماری مک لیود، برینک لی مسیک، رزالیند موریس، کیت ماکسی، فرانس نگران مونتانر، مائه نگه، بابو میلی، ننی پانورگیا، جان پمبرتن، ریچارد پنا، جولی پترز، پابلو پیکاتو، شلدن پلک، الیزابت پاوینلی، وین پرودفوت، بورس رایینز، دیوید راسنر، جورج سالیبا، جیمز شاموس، دیوید اسکات، گیاتری چاکراوتری اسپوواک، مارک استراند، پل استروم، میخائیل توسیگ، کندال توماس، نادیا اوربیناتی، مارک وان دومیروب، کارن وان دیک، دورتی وان موکه، گوری ویسواناتان، گون دولین رایت.

۳. بیانیه اعتراض آمیز ۱۰۹ تن از استادان دانشگاه کلمبیا

لله (منبع: روزنامه اسپکتی تر، ارگان انتشاراتی دانشگاه کلمبیا)

بنا به خبر مندرج در روزنامه فوق مورخ ۱۴ نوامبر ۲۰۰۷، حدود ۱۰۹ تن از استادان دانشگاه کلمبیا در رشته ها و تخصصهای مختلف دانشگاهی، طی بیانیه ای به بولینگر رئیس آن دانشگاه، رفتار او را با رئیس جمهور ایران محکوم کردند. در این بیانیه آمده است: لله بولینگر شائبه های سیاسی را با مرام علمی و دانشگاهی درآمیخته و به آزادی بیان در حریم دانشگاه خدشه آورده است.

ما به نمایندگی از خیل عظیم در حال رشد اعضای علمی دانشگاه کلمبیا، معتقدیم که بولینگر ریاست این دانشگاه، از رعایت اصول و مبانی دانشگاه به ویژه آزادی و استقلال دانشگاهی حمایت مؤثری به عمل نیاورده است. رویدادهای چندین ساله اخیر، نوعی بحران اعتماد را در کانون مدیریت ایجاد کرده که توجه به این اصول دانشگاهی را کم رنگ ساخته است.

به طور مسلم رفتار ریاست دانشگاه نشان داد که پای منافع آمریکا در محافل دانشگاهی و پیوند آن با اوضاع خاورمیانه در میان است و دانشگاه مذکور همسو با سیاستهای کاخ سفید در دفاع از جنگ افروزی در عراق گام برمی دارد.

استادان دانشگاه کلمبیا در این نامه اظهار کرده اند که رئیس دانشگاه در سیاستهای خاورمیانه به طور خاص، دخالت جانبدارانه دارد بی آنکه در این حوزه، حق کارشناسی مسلمی داشته باشد و یا با استنادی که در این حوزه تدریس و تحقیق می کنند، مشورتی نموده باشد.

این نخستین بار نیست که بولینگر در طول دوره صدارتش آماج انتقادات استادان قرار گرفته است. در سالهای ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ هم بسیاری از استادان به خاطر عدم توجه بولینگر به آزادیهای دانشگاهی، او را به باد انتقاد گرفته بودند. این استادان معتقد بودند که بولینگر از استادان رشته زبانها و فرهنگهای خاورمیانه و آسیایی حمایت کافی نمی کند.

بسیاری از امضا کنندگان این نامه از جمله حمید دهباشی، رشید خالدی و جورج سالیبا، از منتقدان اصلی ریاست دانشگاه بوده و بارها در گذشته با لحن شدیدی از بولینگر انتقاد نموده اند. در میان امضا کنندگان نام استادان دیگری چون مارک آندرسون، الیزابت بلاک مار و همچنین استادان دیگری چون جناتان کل و گایتری اسپی واک دیده می شود. این دو به رتبه استادی ارشد دانشگاه نائل آمده اند و جناتان کل خودش قبلاً نامزد ریاست دانشگاه کلمبیا گردیده بود.

استادان در این بیانیه همچنین آورده اند که اعضای خارج از دانشگاه می توانند به نوبه خود درباره روشهای نامطلوب آموزشی، رویکردهای پژوهشی، تحریف حقایق تاریخی و ... انتقاد نمایند.

شاختر، یکی از استادان دانشکده پزشکی می گوید: لله این اقدام اعتراض

آمیز، ما را به یاد رویداد مشابه در دانشگاه هاروارد می اندازد. الله چون جمعی از استادان این دانشگاه هم قبلاً در یک اقدام سازمان یافته بر ضد ریاست دانشگاه مذکور اعتراض کرده بودند.

شاختر همچنین معتقد است که برخی از اعضای هیأت علمی هم از بولینگر شاکی اند. زیرا بر این باورند که وی به آنها اجازه اظهار نظر نمی داد و به آزادی آنها احترام نمی گذاشت.

بنابه نظر او در میان استادان معترض که نامه را امضا کرده بودند، افرادی دیده می شود که سخت از رژیم اسرائیل انتقاد می کردند.

بنا به نظر برخی دیگر، کمبود آزادی دانشگاهی و تبعیض میان رشته ها و استادان، از سالهای پیش موجی از نارضایتی را در میان استادان دانشگاه کلمبیا برانگیخته بود و با حضور دکتر

احمدی نژاد و نحوه استقبال بولینگر از وی، این نارضایتی به اوج خود رسید؛ مخصوصاً هنگامی که بولینگر از رئیس جمهور ایران به عنوان یک دیکتاتور خشن و کوتاه نظر یاد کرد، بر شدت نگرانی استادان افزوده شد. در این راستا در میان استادان معترض، کندال توماس استاد حقوق که جزء امضا کنندگان نامه بود، اظهار داشت که آزادی دانشگاهی شاهرگ حیاتی مؤسسات و اجزای آموزش عالی به شمار می رود و در ادامه می افزاید که هر نوع گفتمان در سطح دانشگاه باید اندیشه ها و ایده ها را در کانون توجه خود قرار دهد نه افراد را. بولینگر در اظهارات خود راجع به احمدی نژاد، از اصول گفتمان مدنیت رو بر تافت و نوعی عدم نزاکت را در گفتمان دانشگاهی وارد نمود.

با توجه به اظهارات و نظرات فوق، چنین بر می آید که جمیع استادان در اعتراض به ریاست دانشگاه کلمبیا، به عدم آزادیهای دانشگاهی و همچنین شائبه های سیاسی در گفتمان ریاست دانشگاه حمله برده و مراتب نگرانی

خود را از این رفتار نشان داده اند.

